

ویژه نامه

پیام استقامت

فقه امام خمینی قسمت بیستم

صفحات ۱۳ تا ۲۰

فَاتَمَعَ الْعَسِيرُ نَيْكًا
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

لاه مجاهد

در راه خدا بر تخته صواب و سحر تا قیامت برود بعضا
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال هفتم شماره ۴۹ - بهار ۱۵۰۰ ریال
مهر و آبان ۱۳۴۷

لزوم برنامه ریزی و تدوین مبارزه با آمریکا

ضرورت ریشه یابی و بررسی ضعف ها

درجنگ صفحه ۹

گام بگام با حجت الاسلام رفسنجان در مسائل استراتژیک

نظرات مطرح شده پیرامون ماهیت قطعنامه

چگونه جام شوکران را سرکشیدیم؟

بازسازی تحمیلی، خطرناکتر از جنگ تحمیلی

بازسازی تحمیلی، خطرناکتر از جنگ تحمیلی

زهر شناسی

بررسی ماهیت قطعه ۵۹۸

امام خمینی در پیام حج خود در سال جاری، پیرامون پذیرش قطعنامه در کمال صداقت ابراز داشتند که "من این جام زهر آلود را نوشیدم و آبروی خود را با خدا معامله کردم" بحاست با توجه به بیان امام، محتوای زهر آلود کین قطعنامه شکافته شود و شیطنت دشمنان در آن مشخص گردد. بدیهی است توجه به نکات فوق مسئولین و دست اندرکاران را در دیپلماسی و مذاکرات هوشیار میسازد و این امکان را می دهد که با اتخاذ تدابیر مناسب از کشندگی چنین زهری بکاهیم. بقیه را در صفحه ۳ بخوانید

بازسازی غیر وابسته و مناسب با انقلاب چهار استان مولد و مبارز

- برای دستیابی به یک طرح اشیائی جهت تداوم اصولی انقلاب پس از پذیرش قطعنامه .
- برای تقویت خط مشی آزادی قدس از طریق ملت عراق و جلوگیری از تعدیل آن .
- برای دستیابی به یک استراتژی "درست" ، - "فراگیر" ، و هماهنگ با نیروهای انقلابی منطقه و جهان - برای کاهش کینه های دو "ملت مسلمان" ایران و عراق ، که در سایه آن اسرائیل احساس امنیت میکند - برای تقویت حاکمیت رزمندگان و جان برکفان بجای حاکمیت یافتن آنها شیکه به دیپلماسی اصالت میدهند و آنرا مقدم بر رزمندگی میدانند .
- برای جلوگیری از افتادن در دام "ملح مسلح" و رقابت تسلیحاتی " میان دو کشور ایران و عراق - و
پیشنهاد میشود صفحه ۲ را بخوانید

بن بست های استراتژیک عملیات حمله یا بن بست های تک گسترده

ریشه یابی تجاوز

تشکیلات رجوی

و علت ضربه پذیری ما

صفحه ۳۱



به یاد شهدای حلبچه

ای فریادنا کرده

روزی خواهد آمد

که تبار بهار و خنده و عشق

دوباره بار

بر روی غبار تبااهی

خواهد نشست

بنقل از مجله کیمی

گناه بر چسب التقاط و کمونیزم کمتر از خود آن نیست

علماء و روحانیون انشاء ... به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستند ولی از باب تذکرو تاکید عرض میکنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامیمان احساس میکنند که میتوانند اندیشه های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند باروی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنویید و اگر بیراهه میروند با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید و باید به این نکته توجه کنید که نمی شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً "انگ التقاط و انحراف بر نوشته هاشان زدو همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت اینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان میکنند مسلمانان" دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می طپد و الادهای ندارند که خود را با طرح این مسائل بدر در سر ، بیاندازند ، اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همانگونه است که خود فکر میکنند بجای پر خاش و کنا رزدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید اگر قبول هم نکردند ما بیوس نشوید ، در غیر این صورت خدای نا کرده به دام لیبرالها و ملی گراها و یا چپ و منافقین می افتند و گناه این کمتر از التقاط نیست .

امام خمینی

خبرنامه

* خط امام در کلام آیت ا... منتظری صفحه ۷

اگر صدام جان بگیرد به هیچیک از کشورهای اسلامی رحم نخواهد کرد .

اگر ارزشهای جمهوری اسلامی را حفظ نکنیم فرق ما با حکومت محمد رضا چیست ؟

فرض کنید صدام هم سقوط کرد مگر شرق و غرب از سر ما دست بر میدارند .

* ریشه سقوط فاشیسم و ولسمچه را دیدکالیزم انقلاب است

صفحه ۹

* بیوند تشکیلاتی صدام رجوی صفحه ۱۰

* تجدید رابطه با آمریکا خیانت به آرمانهای انقلاب است

صفحه ۲۱

* از جنگ تا صلح صفحه ۱۲

* در بازسازی گام نخست ساختن اقتصاد ملی است .

صفحه ۲۱

* بازسازی اقتصادی ادامه انقلاب و جنگ دفاعی است .

صفحه ۲۲

با گروههای دیگری که مسلمان هستند و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی میخواهند تقاضای ما داشته باشید

امام خمینی

بازسازی غیر وابسته و متناسب با انقلاب (۴ استان مولد و مبارز)

مقدمه:

دفاع مقدس مان در مقابل تنها جبهه گسترده غرب و شرق و ارتجاع منطقه فصل نویسی را آغاز کرده است. تنها حامی که از چندی قبل سبانه ترین ویسی شرمانه ترین شیوه ها را بنمایش گذاشت، از تجمیع عظیم ترین ویسی سابقه ترین مجموعه ناو ها در منطقه محدودی چون خلیج فارس گرفته تا کابرد وحشیانه کشته ترین سلاح های شیمیایی، از کشتار زائران حرم امن الهی گرفته تا موشک باران بی سابقه شهرها، ارتجهیز و تدارک لشکر ۱۵۰۰۰ نفره صدام - رجوی گرفته تا حمله به هواپیمای مسافربری.

تمامی اینها محازات مستضعفینی است که از مان آزادی قدس را در سردارند و بی محازات و قصاص متجاوزی می فشارند.

انگیزه و هدف

۱ - برای دستیابی به یک طرح اثباتی جهت تدوین اصولی انقلاب، پس از پذیرش قطع نامه.
۲ - برای جلوگیری از سرگردانی و بی برنامگی در مقابل توطئه های متعددی که پس از پذیرش انقلاب را تهدید میکنند. توطئه ها شیکه خطرشان کمتر از توطئه جنگ تحمیلی و صدام نیست.
۳ - برای تقویت خط مشی "آزادی قدس از طریق پیوند ملت عراق و جلوگیری از تعدیل آن".

۴ - برای دستیابی به یک استراتژی "درست"، "فراگیر" و هماهنگ با نیروهای انقلابی منطقه و جهان.

۵ - برای جلوگیری از افتادن در دام توطئه "ملح مسلح" و "رقابت تسلیحاتی" میان دو کشور ایران و عراق که در این توطئه درازا از دست رفتن درآمد نفتی انقلاب اسلامی، کمپانیهای اسلحه سازی و همچنین کمپانیهای نفتی به سود سرشاری دست می یابند.

۶ - برای کاهش کینه های دو "ملت مسلمان" ایران و عراق، که در سایه آن اسرائیل احساس امنیت می کند و بحران "ملح مسلح" نیز بر اساس همین کینه ها ست که پدید می آید.

۷ - برای تقویت حاکمیت رزمندگان و جان برکفان، بجای حاکمیت یافتن آنها شیکه به دیپلماسی اطالت می دهند و آنرا مقدم بر رزمندگی می دانند.

۸ - برای جلوگیری از آرزای شدن نفت پس از پذیرش زهرنا مه ۵۹۸ در نتیجه رقابت ایران و عراق در فروش هر چه بیشتر

نفت که در این صورت به او یک هم ضربه های بیشتری خواهد خورد.
۹ - برای دستیابی به یک "قصاص اساسی"، حساب شده و برنا مریزی شده "صدام و احتساب از" قصاص احساسی و مقطعی".
۱۰ - برای تشدید "حرف آفرینی" و تقویت "اپوزیسیون" علیه صدام در داخل عراق.

پیشنهاد می شود:

۱ - طرح منطقه ای:

استوارماندن بر استراتژی آزادی قدس از طریق پیوند با ملت عراق و ملت فلسطین.
۲ - شیوه تولید متناسب با انقلاب:

تشکیل ۴ استان مولد و مبارز (خوزستان - ایلام - باختران - کردستان)
۳ - طرح بسیج ائمه جمعه بمنظور مقابله با بحران تحمیلی ناشی از ایجاد کینه میان دو ملت.

توضیح اینکه سه پیشنهاد اثباتی و سازنده فوق الذکر در رابطه با هم بوده و مکمل یکدیگر میباشند و از آنجا که این سه پیشنهاد هم آهنگی دارد، اجرا یکی بدون دیگری ناموفق خواهد بود.

طرح منطقه ای:

استوارماندن بر استراتژی آزادی قدس از طریق پیوند با ملت عراق و ملت فلسطین. آزادی قدس خط مشی اصلی استرکجه محور پیوند مستضعفین منطقه میباشد و درون نیز وحدت تعالی بخش نیروهای رزمنده و انقلابی را در بر دارد.

از طرف دیگر اسرائیل دولت قوی و خطرناکی است و برای درگیری غلنی با او نیاز به جبهه ای عمیق و بر قدرت داریم جبهه ای متشکل از مبارزترین و با انگیزه ترین ملت های منطقه.

بنظر میرسد که ملت های فلسطین لبنان، عراق و ایران به نسبت بالایی از ویژگیهای فوق برخوردارند. این جبهه عمیق بعلت فاصله بسیار زیاد دخط مقدم با خطوط پشتیبانی به بهترین وجهی میتواند میدانهای نبرد با اسرائیل را از نظر نیرو و تدارک کند.

بعد از جنایت آمریکا و آل سعود در مراسم

حج سال ۶۶ و مشارکت عظیم و موثر حکام مرتجع حجاز در تشکل اتحادیه ای بر علیه جمهوری اسلامی، و همچنین بدنبال افشاگری های امام خمینی از ماهیت رژیسم سعودی بعد از فاجعه حج، سئوالات و ابهاماتی در رابطه با خط مشی آزادی قدس و طریق رسیدن به آن مطرح شد. سئوالاتی از قبیل - آیا رژیم عربستان مرتجع - سر و زنده تر از بعضی ها و صهیونیستها نیست؟ - آیا بدون سرنگونی امثال رژیم عربستان سعودی آزادی قدس امکان دارد؟ (در تکمیل این مقاله و بررسی عمیقتر نقش عربستان در توطئه ها، مطالعه سرمقاله راه محاهد شماره ۴۵، تاریخ آذر ۶۶ با نام "انقلاب اسلامی در آستانه تجاوزی جدید تر و وسیعتر" توصیه میشود).

بنظر میرسد که خط مشی عمده کردن درگیری با عربستان بعلت عدم تحرک انقلابی مردم آنجا فاقد عناصر لازم برای آزادی قدس است و در بین نیروهای رزمنده در سطح منطقه و همچنین نیروهای داخلی منزوی میشود.

متأسفانه بعد از ضربات اخیر و بدنبال پذیرش زهرنا مه برخی خط مشی "آزادی قدس از طریق پیوند با ملت عراق" را به دیده یک پدیده "ناموفق" و "کهنه" می نگرند حال آنکه علت ضربات اخیر و همچنین علت تحمیل زهرنا مه را باید در شیوه های غیر اسلامی و نارسا در جنگ جستجو کنیم.

شیوه های چون "بها ندادن به مردم عراق" و "رودبه خاک عراق بدون پذیرش و آمادگی مردم عراق" "مقابله به مثل موشکی" "متکی شدن عملیات تها به درآمد نفت" "بها ندادن به مردم خودمان" و "..... همینها بود که باعث شد تا نه بتوانیم از نیروی مردم خودمان استفاده کنیم و نه از نیروی ملت عراق. بهر صورت این خط مشی اصیل نیز در طول جنگ ضربات و صدمات سختی را متحمل شده و امید است که نیروهای انقلابی در "را"س" و "لا اقل در کتار" سایر با زسا زیبا بفرک با زسازی "خط مشی آزادی قدس از طریق ملت عراق" نیز باشند.

۲ - شیوه تولید متناسب با انقلاب

۴ استان مولد و مبارز

۴ استان مرزی ما که عمدتاً "نیاز به بازسازی دارد، از طرفی تا سالها از خطر شرارت های صدام و ضدا انقلاب مصون نیست و احتیاج به تقویت دفاعی دارد و از طرف دیگر استانهای با استعدادی برای کثا و رزی و دام پروری هستند.

پیشنهاد میشود از نیروهای بسیج شده و رزمندگان، در جهت بازسازی و تقویت کثا و رزی و دام پروری در این ۴ استان استفاده شود. اینها نیروی عظیم و مولد هستند که حاضرند در جهت خودکفائی کشور تلاش کنند و انگیزه دفاع از انقلاب و استقلال را نیز دارند و حضورشان در استانهای مرزی، مسئله دفاع را نیز حل میکند. اینها یک ارتش ملی همیشه آماده هستند که سریعاً میتوانند مسلح شده و هرتها حم و توطئه نظامی را پاسخ گویند.

۳ - طرح ائمه جمعه بمنظور مقابله با بحران تحمیلی ناشی از ایجاد کینه میان دو ملت:

پیشنهاد میشود که طی یک برناممه حساب شده از طریق رسانه های عمومی، ائمه جمعه و نهائیتا "تیت الله منتظری و حضرت امام به مردم عراق" اطمینان دهیم که از جانب ما خطری آنها را تهدید نمی کند و بشرط آنکه دولت عراق نیروهایش را علیه اسرائیل بسیج کند ما کاری با عراق نداریم. باید در این برناممه روی سیلان جنگ صدام کار کنیم و برای مردم عراق مطرح کنیم که صدام بخاطر چه حمله کرد؟، اینهمه کشته و مجروح و معلول و اسیر بخاطر چه بود؟ چه چیزی بدست آورد؟، چرا آمریکا را وارد منطقه کرد؟، چرا مردم خودش و ایران را با سمب شیمیایی هدف قرار داد؟ و و مردم عراق را تشویق کنیم که از صدام بخوانند تا برای جبران گذشته علیه اسرائیل اقدام کند. طی این برخورد گرامانه اگر صدام با توجه به ما هیتش در مقابل این حرکت بایستد، میا مردم عراق منزوی شده و حرکت علیه او تشدید میشود.

خطراتی که با پیشنهادات فوق بر طرف می شوند:

الف: خطر صلح مسلح

از توطئه های بسیار مهمی که بلافاصله پس از پذیرش قطعنامه در جهت آن تبلیغ خواهد شد "ملح مسلح" است. مطرح میشود که برای اطمینان از امنیت کشور، باید به سلاحهای مدرن و تکنولوژی با لامجهز شویم و با پذیرای حفظ مرزها یمان از نظر تسلیحاتی بر عراق برتری داشته باشیم. طبعاً "عراق نیز همین سیاست را در پیش خواهد گرفت و تا ما "این رقابت تسلیحاتی بوده و کشور را می بلعد و جیب کمپانیهای اسلحه سازی را پر می کند. تجربه اعراب و اسرائیل در این مورد بسیار عبرت انگیز است که علیرغم آنکه جنگی نمی کنند ولی قسمت اعظم بودجه شان صرف خرید سلاح میشود. ما ذات گفته بود: "۲۰ سال فدای اعراب شدیم و حالا باید سراسر اطلح و آبادی برویم". آمریکا کثا هم به او قول مساعده داده بودند ولی نتیجه این شد که طی سالهای پس از صلح، مصر ۲۲ میلیارد دلار از غرب وام گرفت و نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار را بید بهره آنرا بپرداد و امروز بجای شکوفائی اقتصادی و ارت یک بحران اقتصادی شده است. نکته بسیار جالب این است که بودجه تسلیحاتی مصر بعد از جنگ اکتبر تا بحال ۲ برابر دوران ناصر شده است در حالیکه هیچ جنگی هم در کار نبود.

خطراتی که جنگ تمام شود ولی بحران تمام نشود. صنایع اسلحه سازی غرب با وجود بحران زنده اند، آنها بحران را دامن می زنند تا سلاح بفروشند. بنا بر این خط آنها اینست که سیاست حاکم بر مملکت ما این بشود که نفت بفروشیم و اسلحه بخریم. ما حید نظراتی در سطح کابینه می گویند، بخاطر اهمیت مسئله دفاع و جنگ، بایستی دوباره سازی و تقویت صنایع دفاعی، محور اساسی تقویت صنایع باشد، که طبعاً "صنایع دیگر در خدمت صنایع دفاع در خواهند آمد. روال کار آنگونه خواهد بود که حتی بخشهای کثا و رزی و هم در خدمت این بخش قرار

بقیه در صفحه ۳۲

ما را از محاصره اقتصاد نترسانید که فرزند رمضانیم و از محاصره نظامی نترسانید که فرزند عاشورا ایم

زهرشناسی

بررسی ماهیت قطعه ۵۹۸

متن کامل قطعه ۵۹۸

شورای امنیت :

۱- قطع نامه ۵۸۲ (۱۹۸۶) خود را مجدداً تأیید مینماید.

۲- نسبت به اینکه علیرغم درخواستهای شورای امنیت برای آتش بس، درگیری بین ایران و عراق با تلفات شدید انسانی و انهدام مادی همچنان ادامه دارد و اظهار نگرانی عمیق مینماید.

۳- از شروع وادامه درگیری ابراز تا ساف مینماید.

۴- از بمباران مراکز صرفاً مسکونی، حمله به کشتیرانی بیطرفانه هواپیماهای غیرنظامی، نقض قوانین بین المللی انسانی و دیگر قوانین ناظر بر درگیری مسلحانه و بویژه استفاده از سلاحهای شیمیایی برخلاف پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، ابراز تا ساف مینماید.

۵- نسبت به احتمال تشدید و گسترش هرچه بیشتر درگیری، اظهار نگرانی عمیق مینماید.

۶- مصمم به خاتمه دادن به تمام حملات نظامی بین ایران و عراق میباشد.

۷- متقاً عدالت که میباید یک راه حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار بین ایران و عراق بدست آید.

۸- مفاد منشور ملل متحد، بویژه تعهد کلیه دول عضوین برای اینکه اختلافات بین المللی خود را از طریق صلح آمیز به گونه ای حل و فصل نمایند که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به مخاطره نیفتد را یادآوری مینماید.

۹- حکم میکند که در رابطه با درگیری بین ایران و عراق، نقض صلح حادث شده است.

۱۰- با اقدام بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد:

ماده ۱: خواستار آن است که به عنوان اولین اقدام جهت حل و فصل مناقشه از طریق مذاکره، ایران و عراق یک آتش بس فوری را رعایت کرده و به تمام عملیات نظامی در زمین و دریا و هوا خاتمه داده و تمام نیروهای خود را بدون تاخیر به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردانند.

ماده ۲: از دبیرکل درخواست میکند که یک تیم ناظر سازمان ملل را برای بررسی، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام نماید و همچنین از دبیرکل درخواست مینماید که با مشورت طرفین درگیر، تدابیر لازم را اتخاذ نموده و گزارش آنرا به شورای امنیت ارائه دهد.

ماده ۳: مصرا نه درخواست میکند برای جنگی آزاد شده و پس از قطع مخاصمات عملی کنونی، منطبق با کنوانسیون سوم ژنو مورخ ۲ اوت ۱۹۴۹ بدون تاخیر به کشور خویش بازگردانده شوند.

ماده ۴: از ایران و عراق میخواهد با دبیرکل در اجرای این قطعنامه و تلاشهای میانجیگرانه برای رسیدن به یک راه حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه مورد قبول و طرف در مورد تمام موضوعات عمده منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد همکاری نمایند.

ماده ۵: از تمامی دیگر کشورها میخواهد که بیشترین خویشتنداری را مبذول داشته و از هرگونه اقدامی که ممکن است به تشدید و گسترش هرچه بیشتر درگیری منجر شود، احتراز نموده و بدین ترتیب اجرای قطعنامه فعلی را تسهیل نمایند.

ماده ۶: از دبیرکل درخواست مینماید که با مشورت ایران و عراق، موضوع یک هیات بیطرفانه منظور تحقیق بپیرامون مسئولیت درگیری را بررسی نموده و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد.

ماده ۷: با درک میزان خسارات وارده در خلال درگیری و با درک نیاز به کوششهای بازسازی با کمکهای مناسب بین المللی پس از خاتمه درگیری، از دبیرکل درخواست میکند که هیات تحقیقاتی را برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت تعیین نماید.

ماده ۸: از دبیرکل درخواست میکند که با مشورت ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه افزایش امنیت و ثبات در منطقه را مورد بررسی قرار دهد.

ماده ۹: از دبیرکل درخواست میکند که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطعنامه مطلع نماید.

ماده ۱۰: مصمم است در صورت لزوم برای در نظر گرفتن اقدامات بیشتر برای پایبندی به این قطعنامه، با دیگر تشکیلات جلسه دهد.

دفاع مقدس در برابر تجاوز رژیم بعث عراق به خاک میهن اسلامی منافع غرب در منطقه یعنی امنیت صدور نفت و حاکمیت سلاطین و مرتجعین را به خطر انداخته و بخصوص با امکان پیروزی نظامی در جنگ انقلاب اسلامی میرفت تا بعنوان یک قدرت جدید در منطقه و دنیا برای مستضعفین مطرح شود و نفوذ خود را در میان مردم مسلمان و مبارزان منطقه گسترش دهد. لذا استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و همپایان انگلیس فرانسه و شوروی تجاوز جدید و گسترده ای را به منظور سرکوب و تعدیل انقلاب اسلامی آغاز کرد.

حمایت بیسابقه نظامی و سیاسی از رژیم عراق با اعمال فشار و توطئه های گسترده بین المللی از یک سو و وجود یکسری راسا شیبا و ضعفهای درونی نهایتاً منجر به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ پس از یک سال از تاریخ تصویب آن ز سوی ایران گردیده.

امام خمینی در پیام حج خود در سال جاری (۶۷) پیرامون پذیرش قطعنامه در کمال صداقت ابراز داشتند که "من این جام زهر را نوشیدم و آب روی خود را با خدا معامله کردم".

بجاست با توجه به بیان امام، محتوای زهر آکین قطعنامه مشکافته شود و شیطنت دشمنان در آن مشخص گردد. بدیهی است توجه به نکات فوق مسئولین و دست اندرکاران را در دیپلماتی و مذاکرات، هوشیاری می سازد و این امکان را میدهد که با اتخاذ تدابیر مناسب از کشندگی چنین زهری بکاهیم.

لازم به تذکر است که ۴ ماه پیش بررسی تفصیلی قطعنامه بصورت جزوه ای در اختیار دلسوزان انقلاب قرار گرفت و متن کامل قطعنامه هم برای اطلاع مردم در راه مجاهد شماره ۴۷ (خرداد و تیر) منتشر گردید. معتقدیم اگر از ابتدای صدور قطعنامه مسئولین ما این توطئه را به اطلاع مردم میرسانند و با ارزیابی آن مردم را آموزش داده و فرماندهان را سردار سازی میکردند، مجبور نبودیم جام زهر را سرکشیم. در حالیکه اگر از همان متن قطعنامه به پس از پذیرش رسمی آن از سوی مسئولین داده شد.

در این شماره نیز ذیلاً متن کامل قطعنامه درج میشود و سپس به بررسی محتوای آن طی سه محور میپردازیم:

۱- ماهیت یک طرفه قطعنامه ۵۹۸ در تاج و عراق.

۲- ماهیت اسارت با قطعنامه.

۳- ماهیت برانداز قطعنامه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی.

اول - ماهیت یک طرفه قطعنامه ۵۹۸ در تاج و عراق

الف: حذف شرایط ایران برای پایان جنگ:

۱- در مقدمه یعنی روح قطعنامه شروع جنگ از طرف عراق محکوم نشده، بلکه از شروع درگیری ابراز تا ساف گردیده است. بکار بردن واژه "ابراز تا ساف" درباره شروع جنگ موجب تیره صدا م از نظر قوانین بین المللی خواهد شد. چرا که موضوع مورد تا ساف صرفاً "کاری ناخوشایند بوده و از نظر حقوقی فاقد مجازات قانونی مشخص است. حال اینکه محکوم کردن شروع جنگ مجازات متجاوزان نیز به همراه خواهد داشت.

۲- شورای امنیت تلویحاً "ازادامه درگیری توسط ایران نیز برای احقاق حقوق خود در جنگ بعنوان ادا مدهنده درگیری ابراز تا ساف نموده است. با این توصیف، رژیم متجاوز عراق تا آزادی خرمشهر و دفع تجاوز یعنی ها تقبیح شده و از آن پس جمهوری اسلامی مسئول ادا مده درگیری شناخته خواهد شد.

قطعنامه ۵۹۸ بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد که درباره نقض صلح است تدوین گشته و ماده ۱ منشور ملل متحد مربوط به محکوم کردن متجاوز و در تدوین قطعنامه منظور نشده است. به همین جهت در اسرار قطعنامه موازه متجاوز در رژیم عراق بکار نرفته و اصل تعیین و تنبیه متجاوز و قربانی شده است.

و این در حالیست که در مقدمه قطعنامه، شورای امنیت حکم نموده در این درگیری نقض صلح حادث شده است. آیا نقض صلح جز حالت جنگ است؟ شورای امنیت از یک طرف برای توجیه اعمال فشار بر ایران و حضور ناوگانهای جنگی غرب و کمکهای گسترده به عراق حکم به نقض صلح میکند. ولی از طرف دیگر برای نجات صدام و اجتناب از اینکه به ماده ۱ منشور ملل متحد استناد شود، از به کار بردن واژه جنگ شدت پرهیز مینماید.

۳- بر اساس ماده ۶ قطعنامه مکه خواهان تشکیل هیات بیطرف جهت تحقیق بپیرامون مسئولیت درگیری میباشد. شرط "تعیین متجاوز" و "محاكمه متجاوز" قربانی شده است. چرا که کار هیات بیطرف مورد اعتماد (حکم) صرفاً "تعیین مسئولیت طرفین در درگیری است." (تفسیر آقای لاریجانی) از این ماده - رسالت ۶۷/۲/۳۱

۴- در ماده ۷ با تعیین خسارت وارده بر طرفین خواهان کمک های مناسب بین المللی پس از خاتمه درگیری شده است. منظور از این کمکها معمولاً اعطای وامهای جهت دار و اسارت با توسط شبکه بانکی امیرالایسم جهانی به طرفین میباشد که خسارت وارده بر جمهوری اسلامی در طی جنگ را نه تنها جبران نکرده بلکه ویرانگری آن، بیش از ادا مده جنگ خواهد بود. اینگونه کمکها نیازهای غرب را بیش از نیاز ما برآورده میسازد و اقتصاد را کدغرب را در بخش غیرتولیدی رونق بیشتری میدهد. همچنین قطعنامه بدین وسیله مسئله تعیین غرامت را که متضمن تعیین و اعلام متجاوز است قربانی می نماید.

ب: تنها قطعنامه ای که آتش بس و عقب نشینی را همزمان میدانند

قابل توجه است که تاکنون در جنگها سابقه نداشته آتش بس و عقب نشینی همزمان بوده باشد. در تمام جنگهایی که توسط قدرت های استعماری علیه ملت ها تحمیل و آغاز شده است، ابتدا آتش بس برقرار میشده و پس از اینکه در مذاکرات و از موضع قدرت خواهستهای خود را به طرف مقابل تحمیل میکردند و تضمینهای لازم را دریافت می نموده اند، دست به عقب نشینی میزدند.

قطعنامه ۵۹۸ که در زمان قدرتمندی و حضور ایران در خاک عراق تصویب شده، برای اینکه مذاکرات تحت الشعاع قدرت ایران قرار نگیرد، موضوع آتش بس و عقب نشینی را هم زمان مطرح کرده ولی اکنون که شاهد حضور ارتش عراق در بخشهایی از خاک میهن اسلامی

زهر شناسی

هستیم ، سا زمان ملل عملا "بین آتش بسو
عقب نشینی فاصله انداخته و مذاکرات قبل
از عقب نشینی تحقق پیدا کرده است . همان
چیزی که هرگز حاضر نشدند از ما بپذیرند .

دوم - ماهیت اسارت - قطعه نامه ۵۹۸

۱ - پذیرش رهبری و احکام سازمان ملل

یکی از نکاتی که بدون شک در تنظیم
و اعمال قطعه نامه مورد نظر قرار داشته گماندن
ایران به پذیرش رهبری سازمان ملل و
شورای امنیت بوده است .

جمهوری اسلامی طی سالهای گذشته
همواره با انتقاد به سازمان ملل و رد حق
وتوی ابرقدرتها ، مشروعیت این نهاد را
زیر سؤال میبرد . و تنها با اعمال شرایطی
ما دلانده حاضر بود که با سازمان ملل برخورد
کند . در حقیقت جمهوری اسلامی با پذیرش
ولایت فقیه بعنوان بیان کننده اراده خدا ،
حاکمیت و اراده ابرقدرتها را نفی کرده و از
اینرو تن به رهبری سازمان ملل نمی داد .

یکی از اهداف تنظیم قطعه نامه و اعمال
فشار گسترده علیه ایران بنظر میرسد شکستن
همین ویژگی و تن دادن به رهبری شوروی
امنیت در حل اختلافات و منازعات باشد که
خواست امپریالیسم از تحمیل جنگ نیز همین
تعدیل و تن دادن به احکام سازمان ملل و
شورای امنیت بوده است .

۲ - حفاظت از منافع غرب

ماده ۸ قطعه نامه ۵۹۸ با استراتژی
اعلام شده توسط مسئولین جمهوری اسلامی
تعارض دارد . استراتژی مادر سیاست خارجی
این بود که با حذف صدام و خاموش کردن کانون
آتش افروزی در منطقه ثبات و امنیت برقرار
خواهد شد . ولی بر اساس ماده ۸ با بستن
جمهوری اسلامی در همکاری با رژیم متجاوز
عراق و کشورهای ارتجاعی منطقه نقش حافظ
منافع غرب در منطقه را ایفا نماید .

۳ - " مرزهای نا مشخص بین المللی "

در قطعه نامه تنها واژه " مرزهای شناخته
شده بین المللی " بکار رفته است . قطعه نامه
به نحو موزیانه ای از استناد به مرزهای تعیین
شده در قرارداد الجزایر امتناع نموده است و
راه را برای سوء استفاده عراق باز گذاشته .
در حالی که قرارداد الجزایر بر اساس قرار -
دادهای شناخته شده و معتبر خط مرزی بین
ایران و عراق را تعیین نموده است و رسمیت
دارد .

ولی سازمان ملل برخلاف موازین
حقوقی و بین المللی هیچ نامی از قرارداد
۱۹۷۵ نمی برد . زیرا اولاً - این قرارداد
در ابتدای جنگ توسط رژیم متجاوز عراق زیر
پا گذاشته شده و توسط صدام در حضور خبرنگاران
مردود اعلام شده است و استناد به آن ماهیت
متجاوز عراق را مشخص مینماید .

ثانیاً - ادعاهای ارضی رژیم عراق
بیش از قرارداد الجزایر پیوسته و مرزهای مورد
قبول عراق ، مناطقی از خاک ایران و کل
شط العرب را ضمیمه خاک عراق خوانده نمود .
سازمان ملل با نام نبرد از قرارداد

۱۹۷۵ الجزایر و استفاده از واژه نا مشخص
مرزهای بین المللی دست صدام را جهت حمله
مجدد به جمهوری اسلامی باز گذاشته و با این
امرا استقلال ارضی و ملی ما را تهدید میکند .
در مذاکرات اخیر در ژنو هم شاهد سو -
استفاده عراق از این موضوع و طرح ادعای
مالکیت ارضی و رود و ایجاد بدین بست و فشار
بمنظور کسب امتیاز بودیم .

سوم - ماهیت براندازی قطعه نامه ۵۹۸

استراتژیستهای آمریکایی پس از افشای
مفرک فارلین به ایران و گزارش کمیسیون
تاوور و بخصوص پس از پیام حج امام خمینی
موسوم به منشور برائت به جمع بندی سرکوب
و تعدیل نظام جمهوری اسلامی حتی بقیمت
رادیکالیزم در ایران رسیدند . (مضمون
پاسخ ریچاردمورفی در سمپوزیوم جنگ
ایران و عراق و امنیت خلیج فارس -
بهرنگاران) .

در راستای این سرکوب جهت اجرای
قطعه نامه ۵۹۸ علاوه بر تجهیز و تقویت بنیه
نظامی و اقتصادی عراق به نحوی چشمگیر از
سوی شوروی ، مصر و ارتجاع عرب نا و گمان
آمریکا وارد خلیج فارس شد و تصمیم به فشار
نظامی علیه ایران گرفتند و در حقیقت شروع
به تدارک تجاویز جدید در ابعاد گسترده تر
علیه انقلاب اسلامی نمودند .

بنابراین استراتژی براندازی را

بنظر میرسد رسالت
مسئولین سیاست خارجی ما
در مرحله کنونی اتخاذ
تدابیری است که هر چه
بیشتر بتوانند با جنبه های
منفی و محتوای سموم
قطعه نامه برخورد کرده و
شرایط عادلانه ما را تامین
کنند .

با بستن در ماهیت قطعه نامه ۵۹۸ مستحور کرد .

اولاً - تا سفاراد ما درگیری که در
اصول مقدماتی قطعه نامه به آن اشاره شده
است ، در واقع تقبیح اصل عادلانه مجازات
متجاوز و تقبیح ایستادگی ملت مسلمان بر
سرایین شعار عادلانه است . امپریالیسم
آمریکا قصد دارد با اجرای قطعه نامه رهبری
و مقامت ۸ ساله نظام را زیر سؤال برده و
خانواده شهدا و محرومینی را که بیشترین
فشار اقتصادی را به امید سرکوب متجاوز تحمل
نموده اند ، علیه ایستادگان در مقابل آمریکا
یعنی خط امام بسیج نماید .

ثانیاً - آمریکا قصد داشت تا با
تحمیل قطعه نامه ۵۹۸ به جمهوری اسلامی از
طریق اهرمهای فشار نظامی جریان نجات
رادیکال در ایران را از نظام جمهوری اسلامی
نا امید کرده و مردم ما را منفعیل نماید .
طبعاً با وجود چنین انفعالی قادر به توسعه
اقتصاد خودد کف و اصلاحات اجتماعی نخواهیم
بود . بعبارت دیگر مواد دهگانه درکا در یک
استراتژی براندازی ، از یک انجم و هماهنگی
برخوردار است . مواد ۱ تا ۷ قطعه نامه ، سازش
با صدام را به جمهوری اسلامی تحمیل
مینماید که برآیند چنین سازشی انفعال
مردم است . و بدینال این انفعال مواد ۸ تا

اگر از ابتدای صدور
قطعه نامه مسئولین ما این
توطئه را به اطلاع مردم
میرساندند و با ارزیابی
آن مردم را آموزش داده و -
فرماندهان را سردار سازی
میکردند ، مجبور نبودیم
جام زهر را سر بکشیم .

۱۰ - قطعه نامه جهت وارد کردن ایران در یک
بلوک امپریالیستی به اجرا در می آید .

ثالثاً - جریاناتی که در مرحله قبل
از پذیرش مبارزه ای با قطعه نامه ننموده
و تلویحاً " به جمهوری اسلامی جهت پذیرش
آن فشار می آورند ، پس از اجرای آن و پایان
جنگ و درک محتوای چنین قرارداد مشیوعیت
نظام جمهوری اسلامی را به دلیل تسلیم به آن
زیر سؤال خواهند برد . در صدام سلام نیست
خواهر پس از همکاری در تحمیل " حکمیت "
به امام علی (ع) محتوای اسارت با آن را
درک کرده و بجای اصلاح خط مشی خود ویاری
امام علی (ع) در مبارزه با معاویه به سمت
مبارزه مسلحانه با حضرت کشیده شدند .

رابعاً - جریانات ناسالسی که نسبت
به جمهوری اسلامی کینه دیرینه دارند ، هم
اکنون بر سر این قطعه نامه مشروعیت نظام را
زیر سؤال برده اند ، دکتر سنی صدر و دکتر
امینی قطعه نامه را ننگین تراز قرارداد -
ترکمانچای قلمداد کرده اند . دکتر محمود
کاشانی طی جزوه ای در سال ۶۶ مشروعیت
نظام جمهوری اسلامی را در تن دادن به
قطعه نامه زیر سؤال برده است .

بنابراین استکبار جهانی قصد دارد با
تحمیل قطعه نامه اپوزیسیون براندازی از ضد
انقلاب گرفته تا نیروهای صلح طلب ، ملی
و رادیکالهای منفعل شده از نظام و خانواده
شهدا تشکیل دهد .

از مسئولین جمهوری اسلامی تقاضا
داریم به عمق این توطئه که هدفی جز ایجاد
یک جنگ داخلی در ایران ندارد توجه نمایند .

بنظر میرسد رسالت مسئولین سیاست
خارجی ما در مرحله کنونی اتخاذ تدابیری
است که هر چه بیشتر بتوانند با جنبه های منفی
و محتوای سموم قطعه نامه برخورد کرده و -
شرایط عادلانه ما را تامین نمایند .

۱ - با استناد به اینکه شورای امنیت
با ذکر واژه " نقض صلح " تلویحاً " به وقوع
جنگ اعتراف نموده است ، میتوان این
شورا را به رعایت ماده یک منشور ملل متحد
که مربوط به تجاویز و تنبیه متجاوزان است وادار
نمود .

۲ - استقامت در ادعای اغذرامت
و تعیین متجاوز . در صورتی که ما از مسئله
غرامت و تنبیه متجاوز چشم پوشی کنیم به
تدریج مشروعیت ما در ۸ سال دفاع رد خواهد
شد و دشمن از آن استفاده خواهد کرد .

با بد توجه کرد و ما و اعتبارات چشمگیری
سرابی بیش نیست و صرفاً " قصدشان اولاً -
معنا دکردن ما است و ثانیاً " بازسازی در خط
احیاء اقتصاد را کد فریب است .

۳ - با فشاری دربار زکشت معا و دیسن
عراقی به کشور خودشان .

لازم به تذکر است که صلح خواهی صدام
- رجوی نه بمنظور صلح بلکه بمنظور تشدید
جنگ داخلی است . و این هدفشان در آخرین
تجاوز صدام - رجوی بر ملا شد .

رجوی در سخنرانی خود پیش از آخرین
تجاوزش به اسلام آباد و گردن گشته بود که
ایران قطعه نامه را بپذیرفت ولی از آنجا که
سپاه این پذیرش را قبول ندارد ، ایران در
آستانه جنگ داخلی است و حمله ما آنرا
تشدید خواهد نمود و از این طریق شخصاً "

پیروزی عملیات را تضمین نمود .

" گاری سیک " یکی از مشاورین امنیت
ملی کا تر گشته بود قطعه نامه طوری تنظیم
شده که ایران آنرا نپذیرد .

منظور غرب این بوده که با عدم پذیرش
ایران محمل و بهانه ای جهت براندازی
نظام جمهوری اسلامی فراهم آید و اگر هم
بپذیرد جنگ داخلی بوجود آید .

ریشه یابی تجاوز

انگیزه آنان عمدتاً به شیوه های غلط در
زندانبها و شیوه قرار به عنف خواهیم
رسید .

ب : متأسفانه پس از ناموفق ماندن
عملیات آنان و علیرغم پیروزی چشمگیر ما
در این عملیات عده ای خواستار اقدام بی
رویه زندانبانان شدند که این عمل موجب
تقویت رجوی شد .

معیارهای قضایی ما با این عمل ست
میشود و اعتبار خود را نزد مردم از دست میدهد .

ج : محو اصلی تبلیغات رجوی علیه
جمهوری اسلامی ، شکنجه است . و منطق دیگری
ندارد و تنها با تاکید روی این مسئله است که
همکاری با آمریکا و صدام ... را توجیه -
میکند .

از طرف دیگر کسانیکه شیوه های غیر
اسلامی در زندانبها را دیده اند یا منفعل شده
و یا راهی بجز همکاری با رجوی نمی بینند و
کمتر کسی پیدا میشود که در مقابل اینگونه
برخوردهای غلط با زهم جوهره انقلاب را از
یا دهنبرد ، مگر آنکه بعد از مکتبش این سیاه
بالا باشد .

د : بعضی بعد از عملیات اخیر رجوی
جورا مناسب دیده و خواستند تا از آب گل آلود
ماهی بگیرند . اینها میگویند : " کسانیکه

شفیح منافقین شده بودند در خون شهدای
انگیزه آنان عمدتاً به شیوه های غلط در
زندانبها و شیوه قرار به عنف خواهیم
رسید .

ب : متأسفانه پس از ناموفق ماندن
عملیات آنان و علیرغم پیروزی چشمگیر ما
در این عملیات عده ای خواستار اقدام بی
رویه زندانبانان شدند که این عمل موجب
تقویت رجوی شد .

معیارهای قضایی ما با این عمل ست
میشود و اعتبار خود را نزد مردم از دست میدهد .

ج : محو اصلی تبلیغات رجوی علیه
جمهوری اسلامی ، شکنجه است . و منطق دیگری
ندارد و تنها با تاکید روی این مسئله است که
همکاری با آمریکا و صدام ... را توجیه -
میکند .

از طرف دیگر کسانیکه شیوه های غیر
اسلامی در زندانبها را دیده اند یا منفعل شده
و یا راهی بجز همکاری با رجوی نمی بینند و
کمتر کسی پیدا میشود که در مقابل اینگونه
برخوردهای غلط با زهم جوهره انقلاب را از
یا دهنبرد ، مگر آنکه بعد از مکتبش این سیاه
بالا باشد .

د : بعضی بعد از عملیات اخیر رجوی
جورا مناسب دیده و خواستند تا از آب گل آلود
ماهی بگیرند . اینها میگویند : " کسانیکه

شفیح منافقین شده بودند در خون شهدای
انگیزه آنان عمدتاً به شیوه های غلط در
زندانبها و شیوه قرار به عنف خواهیم
رسید .

ب : متأسفانه پس از ناموفق ماندن
عملیات آنان و علیرغم پیروزی چشمگیر ما
در این عملیات عده ای خواستار اقدام بی
رویه زندانبانان شدند که این عمل موجب
تقویت رجوی شد .

معیارهای قضایی ما با این عمل ست
میشود و اعتبار خود را نزد مردم از دست میدهد .

ج : محو اصلی تبلیغات رجوی علیه
جمهوری اسلامی ، شکنجه است . و منطق دیگری
ندارد و تنها با تاکید روی این مسئله است که
همکاری با آمریکا و صدام ... را توجیه -
میکند .

از طرف دیگر کسانیکه شیوه های غیر
اسلامی در زندانبها را دیده اند یا منفعل شده
و یا راهی بجز همکاری با رجوی نمی بینند و
کمتر کسی پیدا میشود که در مقابل اینگونه
برخوردهای غلط با زهم جوهره انقلاب را از
یا دهنبرد ، مگر آنکه بعد از مکتبش این سیاه
بالا باشد .

د : بعضی بعد از عملیات اخیر رجوی
جورا مناسب دیده و خواستند تا از آب گل آلود
ماهی بگیرند . اینها میگویند : " کسانیکه

شفیح منافقین شده بودند در خون شهدای
انگیزه آنان عمدتاً به شیوه های غلط در
زندانبها و شیوه قرار به عنف خواهیم
رسید .

ب : متأسفانه پس از ناموفق ماندن
عملیات آنان و علیرغم پیروزی چشمگیر ما
در این عملیات عده ای خواستار اقدام بی
رویه زندانبانان شدند که این عمل موجب
تقویت رجوی شد .

معیارهای قضایی ما با این عمل ست
میشود و اعتبار خود را نزد مردم از دست میدهد .

ج : محو اصلی تبلیغات رجوی علیه
جمهوری اسلامی ، شکنجه است . و منطق دیگری
ندارد و تنها با تاکید روی این مسئله است که
همکاری با آمریکا و صدام ... را توجیه -
میکند .

از طرف دیگر کسانیکه شیوه های غیر
اسلامی در زندانبها را دیده اند یا منفعل شده
و یا راهی بجز همکاری با رجوی نمی بینند و
کمتر کسی پیدا میشود که در مقابل اینگونه
برخوردهای غلط با زهم جوهره انقلاب را از
یا دهنبرد ، مگر آنکه بعد از مکتبش این سیاه
بالا باشد .

د : بعضی بعد از عملیات اخیر رجوی
جورا مناسب دیده و خواستند تا از آب گل آلود
ماهی بگیرند . اینها میگویند : " کسانیکه

شفیح منافقین شده بودند در خون شهدای
انگیزه آنان عمدتاً به شیوه های غلط در
زندانبها و شیوه قرار به عنف خواهیم
رسید .

ب : متأسفانه پس از ناموفق ماندن
عملیات آنان و علیرغم پیروزی چشمگیر ما
در این عملیات عده ای خواستار اقدام بی
رویه زندانبانان شدند که این عمل موجب
تقویت رجوی شد .

معیارهای قضایی ما با این عمل ست
میشود و اعتبار خود را نزد مردم از دست میدهد .

وظیفه ما حفظ و تقویت اصلاح انقلاب است



بن بست های استراتژیک عملیات چشمگیر

بن بست های تک گسترده

ویا به خط مشی "توده ایزاری" تبدیل میشود. که در حال آنکه زیانها را ست و موجب شهدای زیاده و بی مورد و در نتیجه انفعال گشته و بیسازمندی این حالت به ضد خود یعنی سکون در جبهه ها و بریدن از جنگ تبدیل میشود و از همه مهمتر تک گسترده تضمینی جهت آموزش و کادر سازی و سردار سازی در طول جنگ نمی دهد، گرچه تحریکات زیادی برای رزمندگان به بار می آید و اگر بخوایم هم شنا سایی داشته باشیم، هم سرعت عمل، هم استتار و هم رشد و سردار سازی تنها راه قبول جنگ در ازمیت و عملیات محدود و سرتاسری منتها هماهنگ است که ذاتی جبهه ها باشد.

در حالیکه خط دوم معتقد است با پذیرش از رهبر عملیاتی، کمی صبر کرد تا جناحی از غرب سرعت بیاید و به برکناری صدام معتقد شود. خط مشی اول به "عملیات بسی امان" معتقد است و می گوید اگر به صدام فرصت دهیم در جهت سرکوب بیشتر تجدید قوا کرده و با سایر نیروهای کمپ دیویدی هماهنگ میشود. نتیجه این است که تک گسترده در این مقطع (سال ۶۳) مبارزه با امپریالیسم تا به حال نتیجه خوبی نداشته و در شیوه ضد جنگ تبدیل شده و موجب تقویت رژیم می گردد.

خط مشی سوم: صلح و سازش خزانده

طراحان این خط مشی ظاهراً "شعارجنگ و آزادی قدس و همچنین شعارسرنگونی صدام را میداند و دولتی اینها دستهای مرموزی هستند که بعلمت ترس از منزوی شدن در میان مردم، قدرت مقابل اشکارا شعارهای اصلی انقلاب را ندارند. بنظر میرسد وجوه این خط

اساس استراتژی در جنگ اسلامی در ازمیت بر غلبه ضعیف بر قوی استوار است اگر اراده کنیم و اشعار و سراب تکیه بر نفی دست برداریم، شیوه های خودکفا در انقلاب و جنگ ظهور بیشتری پیدا میکند.

مشی به شرح زیر باشد.

الف - بلحاظ فلسفی و ایدئولوژیک: این جریان سعی دارد با اصلی قلمداد کردن کفر را رکیستی بطور خزانده ظلم و کفر کمپ دیوید را که بین سه جریان به ظاهرا هل کتاب است تیرش نماید.

ب - بلحاظ نظامی: شیوه فهمیده ای جنگ را قبول نداشته و از قدرت چریکی ۵۰ هزار رزمنده آموزش دیده جان برکف و ساد زیت که خود را مسافر کربلا و قدس میداند و وحشت دارد و تلاش می کند تا جنگ اسلام و کفر را به شکل کلاسیک بیاورد و رسانی و ندومی را که لازم است شیوه تضعیف سپاه و بسیج می باشد. از طرفی لازم است شیوه کلاسیک در جنگ با زکذاشتن شیرهای نفت به منظور کسب اسلحه مدرن و پیچیده است. این خط مشی آزادی قدس از طریق کربلا را بعنوان یک خط مشی سیاسی- نظامی قبول نداشته و به شکل خزانده سعی در تسلسلها متکی به ایمان خط امام را صرفاً "به مبارزه فرهنگی با صهیونیسم تنزل دهند.

ج - بلحاظ سیاسی: این جریان بدلیل عدم توانایی در تحقق شعارهای اصیل انقلاب از جمله نه شرقی - نه غربی، آزادی قدس، صدور انقلاب و... سعی در تدبیر تقویت سازمان ملل و تقویت بیرونی غیر متعهد و دیدوبار زبده های سیاسی از شدت شعارهای اساسی انقلاب کاسته و آنرا به مرور کم رنگ نماید.

د - بلحاظ اقتصادی: این جریان به شکل خزانده

خط مشی دوم نظیر خط اول اصلترین مسئله مملکت را جنگ دانسته و به عملیات نظامی نیز معتقد بوده و همچنین راه حل صرفاً "فرهنگی و سیاسی" را رد می نماید اما راه حل و شیوه ای که برای پیروزی در جنگ نشان میدهد با نیت و اصولش تناقضی ندارد که بتدریج تا راسائیه ای این خط مشی آشکار گشته و خواهد گشت و ویژگی بارز خط مشی دوم "عملیات چشمگیر" یا عملیات بزرگ و به اصطلاح نظامی "تک گسترده" می باشد. استراتژی های این خط مشی چنین قیاس میکنند که وضعیت انقلاب در عراق مشابه وضعیت انقلاب ایران در سال ۵۷ است. بدین ترتیب که رزم پیروزی انقلاب ایران را در این می دانند که مردم علیه شاه بسیج شدند و در همان حال جناحی از غرب حمایت خود را از شاه قطع نمود و از زمین حاست که وضعیت عراق را با ایران قیاس میکنند و می گویند: اگر جناحی از غرب دست از حمایت صدام بردارد، با کمک رزمندگان بسیج شده ایران از یک طرف و نیروهای انقلابی و زیر فشار عراق از سوی دیگر، صدام سقوط خواهد کرد که سقوط او مقدمه برقراری حکومت مردمی در عراق می باشد.

این برادران تئوری انقلاب عراق را از تجربه ایران استخراج می کنند و به این دلیل است که معتقد میشوند تا عملیات چشمگیر و بزرگی نشود غرب به سقوط صدام و عدم کارآیی واقف نمی شود. وقتی جناحی از غرب از صدام حمایت نکند آنوقت تضادهای درونی حزب بعث و ارتش عراق زیاده گشته و با فشار بسیج انقلابی مردم صدام مجبور به سرنگونی است لذا نوع عملیات نظامی در جبهه ها از چنین فرمول و معادله سیاسی استخراج می شود که بدلیل چندی جبهه ها توان چنین تک گسترده ای را ندارند و بنا بر این با نیت خوب عملاً نوعی تحمیل به "حرکت ذاتی جوهری و توان انقلابی و تاریخی رزمندگان جبهه" تلقی می گردد، برای توضیح بیشتر اگر بخوایم تک گسترده پیروز داشته باشیم بایستی سه عامل "استتار"، "شنا سایی" و "سرعت عمل" رعایت شود. بعنوان مثال در تک گسترده برای رعایت استتار و لونی رفتن طرح عملیات و همچنین سرعت عملی که بعثیان غافلگیر شده و سریعاً نتوانند به ما ضد حمله بزنند لازم است شنا سایی وسیع توده ای فراموش گشته و احیاناً "شنا سایی در حد افراد مخصصی محدود گردد که از چند صورت زیانناک خارج نیست:

الف - ممکن است عملیات توسط یک نفوذی لو برود
ب - ممکن است عملیات از طریق دستگیری و شکنجه گشتیهای ما توسط بعث لو برود.
ج - ممکن است افراد دارای شناسایی در ابتدا عملیات شهید شده و نفقات تحت فرماندهی آنان سرگردان شوند. در این صورت شهدا و اسرا و مجروحین زیادی را که قابل پیش بینی نباشد، تحمل کنیم. در غیر صورت های فوق بعثت عدم شناسایی عمومی که لازم است عمل و استتار است. توده های بسیج شده بعنوان ابزار یکا رگرفته شده و رشد و سردار سازی آنها تا مین نمی شود و جنگ اسلامی مان که به نیت خوبی به پیش رفته عملاً به خط مشی "توده ایزاری" تبدیل می گردد. نا سایی تک گسترده در این است که استراتژی جنگ تابع نفوذیها شده یا اگر فرماندهان صاحب شناسایی شهید شوند، شیرازه عملیات از هم می پاشد

در راه مجاهد شماره ۲۶ (سال ۶۳) مقاله ای تحت عنوان "سه خط مشی در جنگ اسلام و کفر" به چاپ رسیده است. از آنجا که گذشت زمان و عملگر ۴ سال اخیر جنگ صحت آن پیش بینی دلسوزانه را تا شاید نمود، بر آن شدیم تا به بررسی مجدد سه خط مشی در جنگ بپردازیم.

بدین منظور مضمونی از خلاصه آن مقاله را می آوریم و مقدمه ای برای ریشه یابی و نتیجه گیری گردانیم: "اولاً: یقین کنیم بن بست در جنگ علی رغم فشارها ناشی از کدام خط مشی بوده است."

ثانیاً: با شناخت و ریشه یابی نا راسائیه ارتکبار مجدد آن جلوگیری کرده و سختیهای موجود با آن را پاکسای نمائیم.

ثالثاً: از آنجا که ضعفها و ضربه ها، ما به ازای درونی داشته است هوشیاری خود را در مقابل توطئه های جدید امپریالیسم بالاببریم. اگر عمل ریشه یابی و پاکسازی انجام نشود همان ضربه ها چه در "بازسازی" و چه در "جنگ" تکرار می گردد.

لازم به ذکر است که ابتدا مضمون مقاله سال ۶۳ آورده شده است.

خط مشی اول: عملیات بسی امان

معتقدین به این خط مشی عمل صالح زمان را آزادی قدس از طریق کربلا و سقوط روابط فاشیستی در عراق دانسته و بعث عراق را در خط اهداف شوم کمپ دیوید میدانند. از ویژگیهای رزمندگان خط مشی اول همانطور که امام خمینی با رها گشته اند عملیات بسی امان بود. بطوریکه دشمن فرصت تجدید قوا و هماهنگی بیشتر با سایر نیروها نظیر مصر، اردن، سوئدان، عربستان، رجوی و... ننماید.

ویژگی نظامی خط اول: "شیوه فهمیده ای جنگ" به رهبری امام و رهنمودهای آیت الله منتظری بوده است. شیوه فهمیده ای جنگ بر اساس تسلیم و ایثار - گری استوار است که رزمندگان با سلاح خود کفا دست به عملیات فدائی علیه دشمن میزنند. این خط، تدارکات و سلاح خود را عمدتاً از طریق دشمن بدست می آورد، نظیر فتح المبین، آزادی خونین شهر و... و تنها به این طریق است که اگر دشمن بخواد ما را زیر فشار جنگ تحمیلی وابسته نماید توطئه های پیش خنثی می گردد. این خط مشی شناسایی توده ای را کلید پیروزی در عملیات دانسته و به عملیات هماهنگ در سرتاسر جبهه ها معتقد است. در این خط مشی عملیات به شکلی انجام میشود که در توان رزمی رزمندگان باشد و نه تحمیلی برجبه.

استراتژی اول نوع عملیات را متناسب با درجه بیداری و قیام مگری مردم عراق تنظیم می کند و طبعاً به عملیات محدود، خودکفا، سراسری و هماهنگ میرسد. با این بینش اساس جنگ مکتبی حرس ساری و رها فاشیستی در مردم و ارتش عراق می گردد و معتقد است که رزمندگان ما و عراق با یک متحد شده و به اتفاق نیروهای فلسطینی و اسلامی - انقلابی منطقه قدس را آزاد نمایند.

خط مشی دوم: عملیات چشمگیر یا تک گسترده

میبایست از برنامه ریزی بر اساس ورود و خروج نفت گشتها پرهیز کرد.

بن بستهای استراتژیستیک ...

با تکیه به صدور نفت جلوی تحول انقلابی در اقتصاد را میگیرد و نمیگذارد اقتصاد خودکفا پا بگیرد.
هـ - بلحاظ تشکیلاتی: به بیان آیت الله منتظری دستهای مرموز در خط کودتای خزانده بوده و تلاش دارند تا با مارک زدن و تصفیه عنا صرا دق و خا نه نشین کردن آنها انقلاب را کم کیفیت و یوک کرده و با اصلی کردن شعارهای فرعی، جنگ را از اصلیت بیاندازند
ملاحظه می‌کنیم که کودتای خزانده و طرح تحمیلی خزانده بطورهما هنگ عمل می‌کنند.

(پایان مقاله سال ۶۳)

%%%%%%%%%

هما نظور که پیش بینی شده بنظر میرسد قبل از پذیرش، قطعنا مه طراحی آن خط مشی دوم نسبت به پیشرفت کار جنگ مایوس شده و با طرفداران خط مشی سوم پیوند خورده و مجموعا بصورت یک نیروی ترمزکننده در آمدند.
قبلا" روال به این صورت بود که امام دست طراحی آن خط مشی سوم را در دیپلماسی بازمی‌گذاشتند. منتهی روی یک شرط بنیادین نظیر شنا سایی متجا وز تا کید می‌کردند. این عده در برخورد با نشان با دنیای متجا وز در می‌یا فتند که دنیا از صدام حمایت می‌کند و به لزوم یک عملیات چشمگیری می‌رسند تا در دیپلماسی برگ برنده ای داشته باشند و بدین ترتیب با خط دوم پیوند می‌خورند. خط دو با حمایت خط یک که همیشه برای عملیات بی‌امان فشار می‌آورد و همراهی خط سوم، همه امکانات مملکت را در یک عملیات گسترده سازماندهی می‌نمود. در این مقاله برآنیم تا مکانیزم به بن بست رسیدن خط مشی دوم را بر شمرده و ریشه یابی کنیم.

با توجه به سه خط مشی فوق در جنگ چنین بنظر میرسد ضعفهای بینشی در میان مسئولین وجود داشت که در طول جنگ و پس از آن در سیر مذاکراتشان قبل و پس از سفر مک فارلین منجر به پذیرش قطعنامه گردید.

نفت، سلاح و جنگ

هما نظور که قبلا" استدلال شد ویژگی لاینفک عملیات چشمگیر، تک گسترده و جنگ کلاسیک است. همچنین توضیح داده شد که این شیوه عملیاتی متکی به درآمدهای نفت و سلاح مدرن می‌باشد. چرا که در عملیات کلاسیک آتش تهیه سنگین از نقش بااهمیتی برخوردار است لذا لازمه آتش تهیه سنگین دستیابی به مهمات و سلاح سنگین مورد نیاز می‌باشد که به میلیاردها دلار ارز و در نتیجه فروش نفت وابسته است. برای حفاظت تا سیات نفتی نیز مجددا" نیازمند به موشکها، رادارها، ضد هواپیماهای اتوما تیک و... می‌گردد. بنا بر این نفت و سلاح لازم و ملزوم می‌باشند. حتی برخی تحلیلگران محاسبه کردند در رژیم شاه درآمدهای نفت با هزینه‌های حفاظت آن (ارتش - ساواک - حفاظتهای مستقیم) برابری می‌کرده است. این توضیح تفصیلی ضروری می‌نماید که صادرات و درآمدهای نفت به چند عامل به شرح زیر مشروط است:

- ۱ - برتری دریایی نسبت به ناوگانهای دشمن در خلیج فارس و دریای آزاد.
- ۲ - برتری هوایی نسبت به نیروهای آمریکا، عراق، عربستان، اسرائیل و...
- ۳ - حاکمیت در سازمان اوپک جهت تصمیم گیری بر قیمت و میزان صادرات نفت.
- ۴ - نفوذ در بازارهای بین المللی جهت بازاریابی و مقابله با کارتهای نفتی.

از آنجا که جمهوری اسلامی ایران وابسته به ابرقدرتها نیست برتری تکنولوژی هوایی - دریایی نداشته و در اوپک و بازارهای بین المللی هم چندان حاکمیتی ندارد. طبیعی است که وقتی امنیت صادرات نفت از طریق خلیج فارس وجود نداشته باشد طرحها و پیشنها دات جدید مطرح می‌گردد، از جمله طرح خط لوله نفت و گاز از ازا هوا زتا مدیترانه از طریق ترکیه که این شیوه نیز نهایتا" نیازمند به موافقت نا تومی باشد. بدیهی است که اگر بخوا هم جوهر انقلاب را

حفظ و ادا می‌دهیم و پیا مبراش از مشرکین را اجرا کنیم تا تو با عبور نفت ما از ترکیه نیز مخالفت خواهد کرد و لذا ابزاری میلیاردها دلار سرما به گذاری تضمینی وجود ندارد.
در یک سیر استدلالی ملاحظه می‌کنیم که چگونه شیوه جنگ کلاسیک موجب بن بست می‌شود. که یک طرف آن وابستگی است و طرف دیگر ترک" خاصه و دفاع مقدس". در نتیجه ادامه این شیوه منجر به نریش و انعطاف در برابر غرب خواهد بود.
آیا اینچنین بن بست آشکاری زمینه پذیرش قطعنامه نیست؟ هدف دشمن نیز از زمینها را ن شدید و مستمر خاک را ک زدن تا سیات سید، ولارک در برخی مقاطع این بود که به این یاس استراتژیک دا من بسزند. ملاحظه می‌کنیم که چگونه جنگ منگیه نفت به مرور از محتوی تهی شده و تبدیل به شعار می‌گردد. امیریا لیس نیز با علم به این قانوبندی دست به توطئه های جدید زد. چنانکه ریگان در مبارزات انتخاباتی خود اعلام کرد سرخپایی (ایدئای) در اوپک داریم که موفق شده ایم قیمت نفت را کاهش دهیم و امیدواریم که هشتای دیگری نیز انجام شود. سپس قیمت هر بشکه نفت به کمتر از ده دلار رسید و با توجه کنیم که قدرت خرید دلار هم به مراتب کمتر شد و هزینه حفاظت هر بشکه نفت در شرایط جنگی چندین برابر می‌شود. با این روال آیا می‌توان دفاع مقدس را متکی به درآمدی نمود که ضربه پذیر است؟ و شیطان بزرگ بر احتی می‌تواند قیمت هر بشکه آنرا از ۳۶ دلار به ۱۰ دلار تنزل دهد؟ آیا این یک بن بست استراتژیک نیست؟ آیا بفرش که در اوپک حاکمیت داشته باشیم و قیمتها را کنترل کنیم، برتری هوایی - دریایی جهت امنیت ما در آتش نفت داریم؟ فرضا" هم که نفوذی جهت فروش در بازارها پیدا کنیم و بخوا هم با درآمد حاصله سلاحهای مدرن تهیه کنیم، نفس این امر باز مشروط به تمایل ابرقدرتها خواهد بود.

در حالیکه امام می‌گفتند عملیات باید بی‌امان باشد تا دشمن تجهیز نشود. خط مشی دوم سالی یک تک گسترده می‌زد چرا که طبیعتا" انجام یک عملیات گسترده محتاج به هما هنگی زیاد، شناسایی، تجهیزات و... می‌باشد که تدارک آن محتاج به زمان است. لذا معتقدان این نظریه می‌گویند می‌بایست به دشمن زمان ندهیم تا سرعت بیا یدویک جناحی از غرب به لغو حمایت از صدام برسد.
پس از عملیات کربلای ۵ و رویا رویی ما با استحکامات عراق، آمریکا صدام را سقوط یافته دید و در حمایت از او، حکام منطقه، منابع نفتی و... به خلیج فارس لشکر کشی کرد. شوری و مصر هم موشکهای دور برد به عراق دادند. جمهوری اسلامی ایران برای بازدارندگی عراق بخصوص در کاربرد موشکها و جنگ شهرها دست به مقابله به مثل زد که به حمایت بی‌دریغ از صدام منجر شد. سپس یکی از مسئولین در مصاحبه ای گفت که ما میان عراق به ا مقدار مستقابهی موشک دور برد داده‌اند، و دیگر زمان به نفع ما نیست با یک بررسی اجمالی کاملا" مشخص است که زمان دادن به دشمن همان نظور که امام تاکید کردند موجب شده دشمن تجهیز شده و در نهایت از حالت پدافندی و دفاعی درآمده و به حالت آفند و تهاجمی تغییر موضع دهد. توجه به این نکته از جمله مواردی است که در ریشه یابی ضربه های فو و شلمچه می‌بایست منظور گردد.

مسئولین این خط مشی ابتدا چنین استدلال می‌کردند که خریدهای تسلیحاتی ما از بازار آزاد است و ربطی به آمریکا و سایر قدرتها ندارد. سپس در نما زجمع اعلام شده که آمریکا همه خریدهای آزاد ما را تعقیب می‌کرده است. پس از سقوط فو آقای رفسنجانی در خطبه جمعه گفتند: دشمن تمامی خرید سلاح آزاد ما را مسدود کرده است. از طرف دیگر تحریم تسلیحاتی از جانب ابرقدرتها و قدرتها مطرح شد و حتی برخی از مقامات وزارت امور خارجه گفتند قطعنا مه رابه این دلیل پذیرفتیم که تحریم تسلیحاتی نشویم. بفرش هم که درآمد غیرنفتی داشته باشیم خرید سلاح با موانعی رو برو است یا با یستی وابسته ترا عربستان و عراق شویم تا سلاح پیشرفته - تر بگیریم یا اینکه عزم و اراده جنگ و دفاع در ما خشک شود و به یاس استراتژیک برسیم!

لازم به توضیح است که درآمدهای نفت در کار در استقلال مکتبی، سیاسی و اقتصادی بلاشکال است منتها متکی کردن انقلاب و جنگ صرفا" به درآمد نفت یک شعار و سرایی بیش نیست، می‌بایست از برنامه ریزی براساس ورود و خروج نفت کشتیا پرهیز کرد.

(رجوع شود به مقاله قدس و نفت راه معاهد شماره ۲۴)
در کار در همین خط مشی در خطبه ها گفته شده که در مقابل هواپیما یا پد هواپیما داشت و در مقابل تانک تانک حتی با ده هزار رکوکتل بدست نمی‌توان با هواپیمای دشمن درگیر شد. با این استدلال با یستی در برابر بمب اتمی ابرقدرتها بمب اتمی داشت و چون نداریم عزم و اراده مان برای درگیری با آنها از بین می‌رود. تنها در این فرمول می‌توانیم با کشورهای کوچک درگیر شویم و سلاحمان را از کشورهای بزرگ تهیه کنیم. در حالیکه ما س استراتژی در جنگ

اسلامی در از مدت بره غلبه ضعیف بر قوی (به لحاظ قوه و تجهیزات) استوار است. اگر اراده کنیم و از شعار و سراب تکیه بر نفعت دست برداریم، شیوه های خودکفا در انقلاب و جنگ پوربیشتری پیدا میکند. شهید حنیف نژاد هنگام ورود نفا نوردان آمریکا به کرمان در سال ۵۵ گفت ما از آمریکا فیها پیشرفته تریم چرا که مشغول کشف قانوبندی غلبه ضعیف بر قوی هستیم، و این کار دشواری رها شیبش توده ها است معتقدین به این خط مشی یکی از مبرمترین اصول اولیه جنگ را فراموش کرده اند که " اسلحه را باید از دشمن گرفت" و این اصل در تمام جنبشهای چریکی یکی از راههای خروج از بن بست بوده است. همان اصلی که شهید رجایی بر آن تاکید کردند که هرگاه اسلحه ما تمام شود تا زه جنگ واقعی ما آغا زخواهد شد.

این جریان توجه ندارد که دفع تجاوز با سلاحهای خودکفا و با سلاحهای به غنیمت گرفته شده از دشمن است که خود کمپینی توده های منطقه را در برابر ارتشهای امیریا لیستی از بین برده، نیروی آنها را آزاد کرده و آنها را به قیام علیه مستکبران و حاکمیتها ی وابسته شان می‌کشاند. کما اینکه تحقق این امر در سیخ حزب الله لبنان روشکست نیروهای آمریکایی بود و روز پیروزی انقلاب نیز همین بود. در این اواخر تا کید می‌شد که مشکل اصلی جنگ کمبود نیرو نیست بلکه کمبود تجهیزات است. تهیه تجهیزات هم که به بن بست رسیده بود، بنا بر این راهی جز پذیرش قطعنامه نبود؟؟

چگونه زمان به ضرر ما شد؟

در حالیکه امام می‌گفتند عملیات باید بی‌امان باشد تا دشمن تجهیز نشود. خط مشی دوم سالی یک تک گسترده می‌زد چرا که طبیعتا" انجام یک عملیات گسترده محتاج به هما هنگی زیاد، شناسایی، تجهیزات و... می‌باشد که تدارک آن محتاج به زمان است. لذا معتقدان این نظریه می‌گویند می‌بایست به دشمن زمان ندهیم تا سرعت بیا یدویک جناحی از غرب به لغو حمایت از صدام برسد.

پس از عملیات کربلای ۵ و رویا رویی ما با استحکامات عراق، آمریکا صدام را سقوط یافته دید و در حمایت از او، حکام منطقه، منابع نفتی و... به خلیج فارس لشکر کشی کرد. شوری و مصر هم موشکهای دور برد به عراق دادند. جمهوری اسلامی ایران برای بازدارندگی عراق بخصوص در کاربرد موشکها و جنگ شهرها دست به مقابله به مثل زد که به حمایت بی‌دریغ از صدام منجر شد. سپس یکی از مسئولین در مصاحبه ای گفت که ما میان عراق به ا مقدار مستقابهی موشک دور برد داده‌اند، و دیگر زمان به نفع ما نیست با یک بررسی اجمالی کاملا" مشخص است که زمان دادن به دشمن همان نظور که امام تاکید کردند موجب شده دشمن تجهیز شده و در نهایت از حالت پدافندی و دفاعی درآمده و به حالت آفند و تهاجمی تغییر موضع دهد. توجه به این نکته از جمله مواردی است که در ریشه یابی ضربه های فو و شلمچه می‌بایست منظور گردد.

نحوه نگرش نسبت به مردم

چنانکه قبلا" ذکر شد در عملیات چشمگیره عامل در نظر گرفته می‌شود: استتار، شناسایی و سرعت عمل و بدلیل عدم شناسایی عمومی که لازمه سرعت عمل و استتار است توده های بسیج شده بعنوان ابزار کار گرفته می‌شوند و در سردار سازی آنها تا مین نمی‌گردد. چه بسا در برنامه ریزی عملیات و زدن ضربه به دشمن در زمان مناسب توان توده های بسیج شده در نظر گرفته نمی‌شود. چنانکه در عملیات کربلای ۴ فرماندهان جبهه که از لورفتن عملیات اطلاع کسب کرده بودند خواهان لغو عملیات بودند لیکن مسئولین با لاکر که زمان ضربه به دشمن را مناسب تشخیص می‌دادند بدلیل اینکه زمان سیاسی مناسب را از دست ندهیم بر ادا مه عملیات توافق داشتند. پس از عملیات هم گفته شد که کربلای ۴ هدیه انقلاب اسلامی به کنفرانس همیاری بوده است بنظر میرسد

بقیه در صفحه ۲۸

اگر عمل ریشه یابی و پاکسازی انجام نشود، ما ضربه چه در بازسازی و چه در جنگ تکرار می‌گردد.

خط امام در کلام

آیت العظمی منتظری



بندگان خدا مأمورند خود را به صفات الهی بهارینند

کیهان ۶۶/۱۲/۱۵ د یادار با انتشار عمومی علی (ع) به کمال فرمود ای کمال خداوند دارای صفات "کرم"، "گذشت"، "عطوفت" و حفظ اسرار مردم است. بندگان خود را مأمور فرمود که همه خود را به این خصال وصف کنند بهارینند.

راه مجاهد: شیوه‌ای که ایشان از حضرت علی زکریا کردند آنست که از خود خدا و صفاتش اخلاق و شیوه رفتاری برسیم، میتوانیم مشکل جامعه ما را حل کنیم. امید داریم متفکران و دلسوزان اسلامی بروی این سیستم اخلاقی کار کرده و آنرا بصورت مدون ارائه دهند.

اگر صدام جان بگیرد به هیچیک از کشورهای اسلامی رحم نخواهد کرد

کیهان ۶۶/۱۲/۱۱ د یادار نخست وزیر ترکیه

چند تذکر: - اگر صدام جان بگیرد تقویت شود به هیچیک از کشورهای اسلامی و حتی ترکیه رحم نخواهد کرد. - انتظار ما آن است که دولت ترکیه از مبارزات بحق ملت مسلمان فلسطین حمایت کرده و مطالب اسرائیل و اشغال سرزمینهای فلسطین را محکوم کند.

کیهان ۶۶/۱۱/۲۴ د یادار عمومی - کسانی که از مصالح میخواهند اول متجاوزان را محکوم کنند تا مشکل اول حل شود. - هر چه که در نیامد با متجاوز چه باید کرد. - از مسلمانان ترك زبان در رویای غریبی و

شرقی نیز کاملاً حمایت شود. - شما که فرد مسلمانی هستید بدانید این پستها و مقامهایی ارزشناست مگر بقول حضرت علی (ع) در نهان آن حق بیابا و باطلی بر طرف گردد. ترتیبی دهید تا فرهنگ و زبان و خط اسلام همچون گذشته در آن کشور رسمی و قوی و نیرومند گردد. شرق و غرب کاری کردند تا فرهنگ اسلامی در آن کشور تضعیف گردد.

راه مجاهد: در رابطه با ولت‌ها سه شیوه برخورد وجود دارد:

اول آنکه رابطه با ولت‌ها و جذب آنها با اصلاحات میدهد و از هر مسئله‌ای که موجب تیرگی روابط و ناخشنودی دولت مقابل شود پرهیز میکند. در این تفکر نیاز ملتها فراموش و نادیده گرفته شده و دولت مقابل هم برخورد تعالی بخش نمیشود. با توجه به اینکه اغلب ولت‌ها با وابسته اند یا مرتجع، ملاحظه کاری آنها ما را سرانجام به تعدیل و دوری از ملتها میکشاند.

شیوه دوم، بهاداد بن نهفتن آنها و انقلابات و نفی رابطه با ولت‌هاست، و هرگونه تماس و برخورد با آن در ولت‌ها سازش و عدول از اصول انقلاب قلمداد میکند. این برخورد هائاشی از نادیده گرفتن حد و توان و نیازهای جمهوری اسلامی است.

روش سوم راد رأیت الله منتظری می‌تواند بد که از یک طرف تقویت و تحکیم رابطه با نهفتن و کمک به آنها تا کد داشته و دارند و از طرف دیگر حتی خودشان با ولت‌ها و منجمله تورکوت اوزال آمریکائی ملاقات می‌کنند اما در همین ملاقات سائلی را مطرح می‌کنند که ایشان باید به آنها عمل کند و ضد اسرائیل و ضد آمریکا و حامی انقلاب اسلام منطقه شود و با اسلامیتشان زیر سوال رفته و بیست و مقامشان از طرف ایشان بی ارزش قلمداد میشود.

اینچنین بنظر میرسد که آقا قصد هدایت تورکوت اوزال را هم دارند که انسان را بیاد برخورد موسی (ع) با فرعون میاندازد.

کیهان ۶۶/۱۱/۲۰ پیام به خواهران و برادران فلسطینی

- علماء و دانشمندان و دانشگاهیان و روشنفکران رهبری کنند حرکت را.

- با هم هماهنگ باشند. - قصدشان اسلام و خدا و دین باشد. - گرفتار بازیهای سیاسی نشوند. - با دشمن مسلح مبارزه کنند و کاری نکنند که مستضعفین بی‌بهره هم با آنها هماهنگ شوند. - اربعینها و مجالس عزارا ادامه دهند.

کیهان ۶۶/۱۱/۲۴ د یادار عمومی

سه عامل مهم در این پیروزی نقش اساسی داشت: ۱- توکل و اتکای مردم به خدا و تعالی و دوری



از آنجا شیکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی - هما نظور که هستند) تحلیلها را با رورمینما بد، بر آن شدید. مجموعه‌ای از اخبار مهم ما را در بخشی از نشریه که به اینکار اختصاص داده ایم، درج نمائیم. اهداف مورد نظر ما در اینکار عبارتند از:

- ۱- کمک به با روری تحلیل‌های سیاسی نیروهای مکتبی.
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افسول امیرالیسم. ضمناً "راه مجاهد" با این اخبار برخورد فعال میکند.

از هوای نفسانی و شیطانی. ۲- وحدت کلمه همه اقشار مردم و تبدیل مل من هابه‌هاها

۳- نقش رهبری قاطع امام امت. بر اساس اراده خداوند تا این سه عامل پیروزی باقی هست پیروزی هست.

برای مقابله با این همه خطر و توطئه شش‌سوق و فریب‌ها بی‌جز بازگشت به همان معنوسویت و اخلاص و از خود گذشتگی اول انقلاب نداریم

اگر ارزشهای جمهوری اسلامی را حفظ نکنیم فرق ما با حکومت محمد رضا چیست؟

کیهان ۶۶/۳/۱۵ د یادار مردم این انقلاب از اول بر اساس یکسری ارزشهای الهی و معنوی بود، نه بر اساس تغییر بیسک حکومت به حکومت دیگر، حکومت کردن هدف ما

من اطمینان دارم، اگر مقام معظم رهبری انقلاب دستور بدهند نیروهای انقلاب و هسته‌های مقاومت در داخل و خارج از کشور با تنظیم برنامه‌های مناسب و حساب شده منافع مادی، سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا را هدف مبارزات خود قرار دهند و ملتهای مظلوم و حرکتهای اسلامی و آزادیبخش برای مبارزه اصولی و ریشه‌ای برنامهریزی نمایند.

آیت الله منتظری ۷/۴/۱۳

های تندند داشته باشند. یکی میگوید اشتباه کردم، غلط کردم، خوب کارها بهش بده، در دانشگاه راهش بده، در کارها نه راهش بده، سرمایه‌های بیرون کار کنند، آبرویش را بریزیم، افشاکری بکنیم، کنکش بزنی و از همه چیز زودش کنیم.

۲- خود محوریت و بی اعتنائی بد یکران و عد مشورت در کارها بخصوص کارهای اساسی: پیامبر اکرم با اینکه عقل کل است مورد دستور خدا اقرار میگیرد که با مردم مشورت کند، در قرآن میفرماید خاصیت مومنین این است که کارها پشای را با مشورت حل و فصل میکنند.

اگر اشتباهی شد به گوئیم تا مردم بیایند اشتباه را تصحیح کنند.

۳- شعار خورد مردم در آن و واقعیت مغنی داشتن.

اگر مسلمانان به شخصیت اسلامی خود بازگردند دیگر کاخها سفید و کرمین نمیتوانند در امور آنان دخالت کنند. آیت الله منتظری



خط امام در

روزگاری اگر ما نمیگفتیم مردم نمیفهمیدند
ولی امروز اگر ما نگوئیم بی بی، بی بی میگوید
سراسیل میگوید، همان کشاورزی که بنظر شما
بیزی نمیفهمد، مسائل را تجزیه تحلیل میکند
این بیفهم است و اگر نه این همه شهادت نهیها
شکستهای مردم همه ضد انقلاب شد مبرودند
بنگه مردم در رصحنه هستند چون میفهمند .

اشتباهات را بگوئیم و نه غلطمان را با چند
حرف صحیح جلوه دهیم، اگر شکست و اشتبا
هی شد بگوئیم تا مردم بپایند و اشتباه را
صحیح کنند .

۴- سپردن کارها به افراد غیر متخصص یا
رشته‌بند .

نگون میخواستیم حزب الهی را سرکار بیساروم
حزب الهی نور چشمین ولی شاید نتوانند
ارگان یا ادارها را اداره کنند .

از دست حضرت شعیب یاد بگیرد، قرآن
را بخواند، از قرآن یاد بگیرد و ختر به
رشته میگوید این موسی را بیاور و کوفتند آن را
ستفید و او هم قوی است و هم امین، هم

با قرش قادی راست، و هم صادق، کوفتند آن را
فواهی بدست جوانان بدی باید قوی و امین
ند ولی جامعه، وزارتخانه، یکپستیم،

سیستمی را بدست یک آدم غیر متخصص
هم که اصلا نمیفهمد جنگ چیست و با خودش
بند و یک چیزهایی در بیاورد .

طی (ع) میفرماید آنکه پست است شش است
و، وکیل، فرمانده جنگ، امام جمعه، اگر
عیب باشد و قدرت را از دست بدهد و اشتباه
ادشاه ظاهر باشد تراست، ظالم بالا خردم فکر

نظ حکومت است و کارهایی انجام میدهند
، ناوارد و لها ایمان بلد نیست و ولتش بهم
بزند .

از تاریخ درس بگیرید و نهج البلاغه علت شکست
سایان را این دانست که کارهای بزرگ را به
ها و کارهای کوچک را به بزرگان دادند، آن
یاد نتوانست کار بزرگ را اداره کند و زمین ماند
بن بزرگ هم کسر شان نشد و کار را زمین گذاشت
گومت از هم پاشید .

۵- اختلاف کلمه و انگ زدن بیکدیگر و منسوزی
بدن افراد .

۶- تبعیض و تبعیضات
مردم از کمبود گلهند و ولی اینکه این چهارتا
خدا هستی که هستی پارتی بازی بیکدیگر بد هم
بگریند هم از این ناراحتند .

در حالت جنگ مردم کمبود رامید بزند ولی
مدالتی و پارتی بازی و رفیق بازی را نمیبینند
سه سال پیش تعدادی از فرماندهان سپاه
ند و گفتند ما در جلسه به این رسیدیم که

ما هم مثل ارتش احتیاج به پادگانهای دارد
- ولت پول آنرا دارد و شما به مردم موافقه جمعه
بید این هشتاد ملیارد را بدهند، من
بها این طرح مخالف و شما میخواهید از ارتش
بخمانند هر کس امکانات دارد بعد آن بیاورد

های سپاه در هوای گرم و باران میجنگند و
نتیجی هم به پادگان و میزند دارند .

اقول انقلاب ۹ لشکر داشت، در شروع
نگ ۲ لشکر و هم اکنون ۶۰ لشکر و مقادیر زیاد
بهای منتقل دارد ارتش را با سازی کرد چرا
ین جنگ است، حوادث شد نمایم معلول علت آنی
ستند، عراق با ۱۰ جمعیت ما که جمعه او پول
بکانات میدهند ولی بعد از از دست دادن فو
کر آزاد کردن آن بود و ما کتبها و تفریباتی داشته
حال که نتیجه رسید، کسی که حرف ما که جنگ
و اسامی و استخفای عمل کرد صد اهدود .

الان باید نیروها یکی شود، و نیروی ریک
کشور نمیکنند، بر طبق قانون اساسی اصل ۴۳
کار ارتش حفظ تمامیت ارضی ایران و نظام جمهوری
اسلامی است و کارها بر طبق قانون حفظ انقلاب
است، سپاه تاکنون میبماند ارتش بود چون اول
انقلاب ارتش را هم پاشید و ما عرضه صد ام را هم
ند ششم که آنرا با سازی کنیم فقط با شعاری
کردیم .

فرض کنید صد ام هم سقوط کرد مگر شرق و
غرب از سرما دست بر میدارند

فرض کنید فرد اصدام هم سقوط کرد، حکومت
بعث هم از زمین رفت، مگر شرق و غرب از سرما دست
بر میدارند .

وظیفه آقای هاشمی است که، به هر قیمتی که
شده ارتش را با سازی کند، نوسازی کند، صنایع
نظامی را قوی کند، و صنایع نظامی سپاه و ارتش
هم یکی شود، دانشگاهها هم باید یکی شود
بند ریج یک نیروی زمینی، یک نیروی هوایی، یک
نیروی دریایی، و هم امکانا تشریفات هم فکری
بچه های ایران از فکر یا نکیه یا آمریکا ثیمان بهتر
کار میکند . فرمانده سپاه میگفت از کره شمالی
آمد مبرودند صنایع نظامی ما را دید مبرودند گفتند
اگر ما اینها را داشتیم همان موقع کره جنوبی را گرفته
بودیم . ضرر را از هر جا برگردیم بیفهم است

آقای هاشمی باید با افسران جنگ که در دانشگاه
رفته و متعهدند مشورت کند .

اگر به ارتش و ستاد مشترک ایراد دارید باید
درست کرد، باید با سازی کرد . گوجه در ارتش
افراد بد هم هستند ولی باید ارتشها را رکنند
، هر کس ارتش را تضعیف کرده گناه کرده .

اشتباهات را بگوئیم و
نه غلطمان را با چند شعاع
صحیح جلوه دهیم اگر شکست
و اشتباهی شد بگوئیم تا
مردم بپایند و اشتباه را
تصحیح کنند .
آیت الله منتظری ۶۷/۴/۷

جمهوری اسلامی - ۶۷/۵/۱۴ در پیام سه
امام .

مواجهه با معلولها و غفلت از علت العلل با
هیچ منطقی قابل توجیه نیست

با یک نگاه دقیق به جنایات و مظالم
عوامل آمریکا در منطقه روشن میگردد که
ریشه اصلی تحا و زصادم به کشور ایران
و اسرائیل غاصب به سرزمینهای عربی و
قتل عام ملت مظلوم فلسطین در اراضی
اشغالی و کشتار بی رحمانه حجاج خانه خدا
در حرم امن الهی توسط آل سعود و دیگر
مظالم و جنایات در منطقه همانا دولت
آمریکا و مطامع استعماری آن است .

حضرت امیر (ع) و رهنمودهای حضرت عالی
که خطر جدی آمریکا و شمشیر با اسلام و قرآن
و مظلومین جهان را در مقاطع گوناگون
گوشزد فرموده اید، بجاست اکنون که
دشمن اصلی اسلام و مسلمین علاوه بر عمالش
در منطقه خود علنا " به میدان آمده، دستور
فرمایند ضمن دفاع مقدس از مرزهای کشور،
برنامه های دقیق در جهت مبارزه اصولی با
دشمن اصلی یعنی آمریکا در زمینه های
سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تدوین
و مبرودا اجرا و عمل گذاشته شود زیرا مواجهه

با معلولها و غفلت از علت العلل با هیچ
منطقی قابل توجیه نیست ما اگر بخوایم =
در یک مبارزه اصولی با ریشه اصلی و علت
العلل مظالم و ظفیانها و فسادها مبارزه
کنیم راهی جز شناخت و شنا ساندن انواع
سلطه های آمریکا و امپریالیسم و حبه های
که آمریکا از آن حبه ها به اسلام و امت
بزرگ اسلام و مظلومین جهان حمله میکند
نداریم و یقینا " چنین وظیفه مهمی را باید
در بحثهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و
نظامی دشمن برای ملت مقاوم خود و سایر
، احضای مظلوم تشریح و تبیین نمائیم و
برای مبارزه همه جانبه و اساسی با آن
برنامه ریزی دقیق بکنیم .

من اطمینان دارم ، اگر مقام معظم
رهبری انقلاب دستور بدهند نیروهای انقلاب
و هسته های مقاومت در داخل و خارج از کشور
با تنظیم برنامه های مناسب و حساب شده
منافع مادی، سیاسی، اقتصادی و نظامی
آمریکا را هدف مبارزات خود قرار دهند و
ملتهای مظلوم و حرکت های اسلامی و آزادی-
بخش برای این مبارزه اصولی و ریشه های
برنامه ریزی نمایند یقینا جهان اسلام
یکبار رجهه یا خاسته و آتشی میشود که آمریکا
و عوامل آن و همه استعمارگران شرق و غرب
جهان را تا قهر و غضب ملتهای مظلوم کسه
نمونه ایست از قهر الهی در خود میسوزاند .

راه مجاهد :

مسئولین جمهوری اسلامی یکی از دلایل
اساسی پذیرش قطعنامه را پیام آیت الله -
منتظری به امام مطرح کردند . با توجه
به اینکه در این پیام صراحت قاطع دایر بر
این تصمیم چشم نمیخورد، خوب است در-
موقع مناسب توضیحات لازم در این مورد داده
شود تا جای شده و اسبابی باقی نماند .

توجه دلسوزان را به این نکته جلب
می کنیم که آنچه در این پیام صراحت
تا کید در مبارزه بنیادی و همه جانبه با
علت العلل و ام الفساد قرن آمریکا است که
امیدواریم در این زمینه مسئولین کشور
برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت خود را ارائه
دهند .

امروز اگر ما نگوئیم بی بی سی
میگوید سراسیل میگوید آن
کشاورزی که به نظر شما چیزی
نمی فهمد مسائل را تجزیه و
تحلیل میکند و این به نفع است
آیت الله منتظری ۶۷/۴/۷

جمهوری اسلامی - ۶۷/۴/۱۹ دیدار با وزیر
امور اقتصاد و راهی .

در امر مالیات گیریها باید از اقرا
متعهد و متدین و خیره استفاده کرد تا بتوانند
موارد لازم را از غیر لازم تشخیص دهند .

باید مالیات از افراد ثروتمندی که
دارای درآمدهای کلان هستند، گرفت
افرادیکه ظاهرا "کسی ندارند ولی در
معاملات بزرگ و نامرئی استفاده های زیادی
میکند که کسی جز " که مخارج خود و عائله
خود را به سختی تهیه میکنند و معمولاً " با کمبود
وقرض زندگی خود را می گذرانند .

راه مجاهد :
اگر این شبهه در مورد اذخمالیات
قاطعا نه با اجرا در اید ضمن تعدیل طبقات ،
کسبه " جز " را که قشر وسیعی را هم شامل میشوند
بر آن میدارد تا ضمن ارائه اطلاعات و مدارک

در مورد درآمدهای نامرئی یا نگاه خوبی ر
برای دولت و انقلاب در میان بخش خصوصی و
بازار تشکیل دهند .

چگونه ممکن است مثلا رئیس يك دهه برای بعد
خودش فکری نکند

جمهوری اسلامی - ۶۷/۵/۱۳ در پیام سه
مناسبت تشکر از راهبانی بیعت با امام .

باید قدر این ملت را بیش از این
بدانیم و با آنان خدمت کنیم و با رحمت و
عظمت با مردم برخورد نمائیم بخصوص اقشار
کم درآمد و مستضعف .

یکی از عوامل مهم اختلاف قیمت
در بازار، همین شبهه غلط بعضی ارگانها
است که مثلاً " اجناس زیادی را که مورد احتیاج
مردم است با قیمت دولتی و ارزانی از دولت
میخرند و به قیمت گزاف به بیانه تا " میسن
مخارج فلان نهادیا کمک به جبهه مردم
محروم میفروشند که چنین عملی خلاف و ظلم
به مردم است .

حضرت امیر (ع) حاضرند قسبل از
جنایت این ملحم اقدامی انجام دهد و یا
حضرت مسلم که قرار بود این زیاد را ترور
کند و نکرد، در صورتیکه اگر حضرت امیر یا
حضرت مسلم در مورد این ملحم و این زیاد
اقدام کرده بودند، قطعاً " مسیرتا ریخ اسلام
عوض شده بود و شاید حوادث کربلا هم پیش
نمی آمد . ولی برای حضرت امیر و مسلم
ارزشهای اسلامی و اصولی مطرح بودند
و حکومت کردن بدون توجه به ارزشهای
اسلامی .

من از دوران زندان به نیکیات
و پلیدی (سران منافقین) و خواب و خیالی
که سران آنها داشتند واقع و مطلع هستم . و
روی همین اصل به جوانهای ساده لوح
و اغفال شده برای چندمین مرتبه نصیحت
میکنم گول تبلیغات اینها را نخورید .
راه مجاهد :

با توجه به اینکه جریان رجوی یک
جریان سابقه دار و ایدئولوژیک است اگر چه
خیانت های آشکار داشته ولی آنچه مشخص است
عدم برخورد نقدانه با ایدئولوژی آنها در
سطح انقلاب است و هم اکنون با آموزش مدون
و منسجم برای افرادی که از آنها جدا
میشوند وجود ندارد و با نظرات شخصی و معلو
از اختلاف نظر فلاسفه و دانشمندان است که
جوانها را دچار گیجی و سردرگمی میکند ،
همچنین برخوردهای غیر اسلامی در سطح
انقلاب و حداتی شعرا را از عملها به تبلیغات
آنها برای جذب جوانها کمک میکند .

چگونه ممکن است مثلا رئیس يك دهه
برای بعد خودش فکری نکند، شما ملاحظه
کنید ابوبکر برای بعد از خودش کسی را به
خلافت تعیین کرد و فرزند عمر به پدرش میگوید
برای بعد از خودت غافل مشو و کسی را معین
یکن و عایشه هم همین را بیعام میدهد، آیا
پیغمبر سلام از یک فرد عادی و رئیس یگده و
از ابوبکر هم العباد ذل الله کمتر بودند که
فکر نکنند و کسی را به خلافت تعیین ننمایند،
- امروز باید تمام مملکتان و

مذاهب بینهگانه اسلامی در برابر جبهه کفر
شرق و غرب و الحاد جهانی مشت محکمی باشند
و اجازه ندهند مسلمین و حیثیت اسلام و قرآن
ملعبه " کفر شرق و غرب گردد .
بقیه در صفحه ۲۵

اخبار جنگ اسلام و کفر



زمان بندی صلح

اینروزها در محافل و مجامع صحبت‌های زیادی می‌شود که چرازود ترها از موضع قدرت صلح نشد. سئوالاتی بشرح زیر در این زمینه مطرح است که بایستی جواب داده شود.

آیا اگر پایان جنگ مشروط به پذیرش بدون قید و شرط قطعنامه ۲۴۱۹ برقرار باشد و محتوی قطعنامه هم‌زهرنا باشد بایستی هرچه بیشتر مقاومت کرد یا هرچه زودتر تسلیم شد؟

آیا اگر از موضع قدرت زهرناهای رایج پذیریم خیانت نیست؟

بنظر می‌رسد بنا به حکم قرآنی و سنت انبیا و ائمه اطهار تنها در شرایط واقعا اضطراری است که میتوان چنین وضعی را پذیرفت نه در موضع قدرت. در چنین وضعی بایستی تا آخرین نفس مقاومت کرد و حساسی جابجایی نیست. ولی این سئوال مطرح است که رهبر مقاومت میتواند روند مقاومت مردم را حدس بزند و بر اساس درجه مقاومت و توانمندی مردم زمانبندی صلح را تنظیم کند؟

در ریشه یابی ضربه‌ها

باید به عامل اصلی توجه کرد

حجۃ الاسلام خاмене‌ای در ریشه‌یابی عقب‌نشینی فاو و شلمچه در خطبه‌های نماز جمعه بدین مضمون گفتند: ما نمیتوانیم مقصران عقب‌نشینی را معرفی کنیم، بلکه مجموعه عوامل دست بهم دادند و چنین مسئله‌ای پیش آمد.

راه مجاهد:

باید توجه داشت که رسول اکرم (ص) در ریشه‌یابی ضربه‌های نظامی احد کانون ضربه را کشف و محافظین تنگه احد را بعنوان مقصر معرفی نمودند. البته کشف کانون ضربه و اعلام مقصر الزامات لیل بزمحاکمه و تنبیه مقصر نیست بلکه پاکسازی آن موجب رشد برای عملیات آینده است.

اگر این بیان رئیس جمهوری بخاطر مصلحت و پرهیز از اختلاف داخلی نباشد چنین نتیجه‌گیری می‌شود که برداشتنی که از اسلام در این یک نقص سیستماتیک دارد که نمیتوان مقصر را معرفی نمود و باین چند عامل به عامل اصلی الوهیت داد

امید داریم در خطبه‌ها یا مصاحبه‌ها توضیحات کافی در مورد این ابهام داده شود

ریشه سقوط فاو و شلمچه

رادیکالیزم انقلاب است

صاحب نظری گفته است: بدلیل چند نقطه عطف که در انقلاب ضد سرمایه‌داری و نظام جمهوری اسلامی بوجود آمده است، سرمایه‌داری جهانی با سرمایه‌داری تجاری داخل دست به یکی کرده و موجبات سقوط فاو و شلمچه و بدنبال آن پذیرش قطعنامه را بوجود آوردند این نقطه عطفها عبارتند از:

۱- سلسله بیامی‌های حج اما هفتاد و ای بین آن بخصوص آن قسمتهایی از بیامی که میگویی: سرمایه‌داران و مرفهین بی درد قابل نصیحت نیستند و رفاه بالغبای مبارزه نمی‌خوانند و تضاد فقر و غنا - تضاد اسلام محمدی و اسلام آمریکایی و ...

۲- تشکیل سومین دوره مجلس شورای اسلامی که یک تحول تشکیلاتی در نظام جمهوری اسلامی بوده که باید به جهت آن یعنی حاکمیت مستضعفین بر مستکبرین توجه کرد.

وی می‌گفت: این مجلس ملهم از سلسله بیامی‌های حج و فتاوی اما است.

۳- شورای تشخیص مصلحت که تحول تشکیلاتی دیگری در نظام جمهوری اسلامی بوده است.

وی معتقد بود که این نقطه عطفها در حال تثبیت شدن در داخل و گسترش انقلاب در آفریقا و آمریکا لاتین بود که سرمایه‌داری جهانی به آن حمله نمود و شدت فشارها از خارج و داخل باعث سقوط فاو و شلمچه شد.

ضرورت ریشه‌یابی ضعفها

از زبان دلسوزان

روزنامه رسمی، مذاکرات مجلس ۶۷/۴/۲۳
آقای امین بیانک نماینده اهواز

... مسئله‌ای که قابل تذکره است اینست که ما باید عنایت کنیم در ارتباط با مسئله جنگ، جنگ ما چگونه آغاز شد، چه ویژگی‌هایی داشت و چرا به این روز کشیده شده؟ چه چیزی را مسئولین ما در مسئله جنگ فراموش کرده‌اند؟ کجای اعتقاد علی و التزام عملی مانست به

مسئله جنگ خدشه دار شده که امروز اینگونه عزیزان ما در جبهه‌نبرد واداره عقب‌نشینی‌های میشوند که خواسته یا ناخواسته در حکم پیروزی دشمن ماتلقی میشود. آن چیزی را که به اعتقاد ما مسئولین نظام جمهوری اسلامی به ورطه فراموشی سپرده‌اند نقش مه‌سرخان اما دست که ما در قالب شمارازان پیروی و پشتیبانی میکنیم در مقابل عمل‌کوتهای ۴۰ به چیزیکه ما از سال ۴۲ به بعد مکرر در ارتباط با مقابله با استکبار جهانی اشاره کرده چیزی را که ما از ابتدای جنگ تحملی در مقابل به ادنیای استکباری به آن اشاره کرده متأسفانه مسئولین ما در جنگ اگر چه به آن توجه کردند منتسب روز بروز از آن دور شدند و امروز باعث میشود که جبهه‌های ما ضربه پذیر بشود اما ما این نکته را در ریه‌ها مخودشان در پاسخی به بیامی‌ها مقایسه‌ها محترم رهبری دادند در قیاس اشاره می‌فرمایند و من برای اینکه به آن مطلب بپردازم از آنجا که بریم که بخشی از بیامی‌ها ما را اینجا مطالعه کنیم.

در آن بیامی‌ها سرنوشته ساز ما می‌فرمایند جنگ امروز ما جنگ با عراق و اسرائیل نیست جنگ با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست جنگ ما با مصر و اردن و مراکش نیست جنگ ما جنگ با با ابرقدرت‌های شرق و غرب نیست جنگ ما جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم‌جو و جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری و کمونیسم جنگ ما جنگ پارهنگی

در آن بیامی‌ها سرنوشته ساز ما می‌فرمایند جنگ امروز ما جنگ با عراق و اسرائیل نیست جنگ با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست جنگ ما با مصر و اردن و مراکش نیست جنگ ما جنگ با با ابرقدرت‌های شرق و غرب نیست جنگ ما جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم‌جو و جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری و کمونیسم جنگ ما جنگ پارهنگی

علیه‌خوش‌گذرانیهایی مرفهین و حاکمین بی‌درد کشورهای اسلامی است این جنگ سلاح نمی‌شناسد

نکته مهم همین جاست متأسفانه در مسائل و توجیهاتی که امروز مسئولین محترم ما در ارتباط با مسئله جنگ میکنند به این نکته کاملاً بی‌توجه هستند امروز قیاس ما علیه رژیم قیاسها نیست که در ابتدای جنگ می‌گویی قیاس ما بی‌درد است. ما در ابتدای جنگ هیچوقت به این نبرد اخته‌ایم که چقدر ره‌ها بیامی‌ها در چقدر هلیکوپتر در آرمی، چقدر تانک در آرمی، آنروز ما با توان بالقوه‌ای که در نیروی مذهبی مردم مسان سراغ داشتیم با اعتقاد به ارزش‌هاییکه برای آن بها خاستیم و انقلاب کردیم مردم مسان را بسج کردیم آنروزیکه ما در مقابل دنیا ایستادیم و در خرمشهر مقاومت کردیم آنروزیکه ما در مقابل تمام‌دنیای کفر و آبرادان و اهواز و استان و هویره و شوش و اندیشک مقاومت کردیم آنروز بحث، ما بحث سلاح نبود آنروز بحث ما بحث داشتن جنگ افزارهای پیشرفته نبود جنگ ما لا رنبود جنگ اسلام بود در مقابل کفر و مسلمانها همه بها خاسته بودند بله، بله و امروز متأسفانه در تحلیل‌های ما مسائل بگونه دیگری دارد اعمال میشود ما انتظار داریم از مسئولین در مقابل با نظام استکباری در توجیهات خودشان تجدید نظر کنند مردم ما را با واقعیت‌های جنگ و ضعف مدبری که در بعضی از گوشه‌ها و زوایای جنگ به چشم می‌خورد آشنا کنند.

راه مجاهد:

از مدتها قبل در رابطه با خط جنگ انتقاداتی از این قبیل از دلسوزان انقلاب شنیده میشود - منتسب
ارائه یک استراتژی مشخص، انتقادات قابل رفع و اصلاح نیست.

امید داریم اینگونه نیروها، همانطوریکه مطرح کرده‌اند برای تدوین استراتژی مشخص جهت تداوم دفاع مقدس، نیروی کافی بگذارند.

مطالعه مقالات زیر به دلسوزان انقلاب توصیه میشود. (شماره‌نشریه داخل پرانتز و جلوی نام مقاله آمده است.)

مراحل آزادی کرمان (۱۴)

چهار استان مولد و مبارز (۱۵)

تغییرات تدریجی منتسب به تک گسترده در مرحله آزادی کرمان (۱۶)

مراحل آزادی کرمان و رشد مردم عراق (۱۷)

قدس و نفت (۲۴)

نفت در خدمت خط مشی آزادی قدس (۲۵)

در راه آزادی قدس و خودکفایی (۲۵)

بازبانی در آمد نفت و چهار خط مشی موجود (۲۶)

نفت - جنگ و صد و انقلاب (۲۹)

آنروزیکه ما در مقابل دنیای کفر در آبدان خرمشهر، هویزه و ... مقاومت کردیم، آنروز بحث ما بحث سلاح نبود، بحث جنگ افزارهای پیشرفته نبود، جنگ دلار نبود، جنگ اسلام بود در مقابل کفر

آقای بیانک نماینده اهواز

ضرورت ریشه‌یابی و بررسی ضعفها در جنگ

کیهان ۶۷/۲/۲۹

نادی نماینده نجف آباد: تفاوت ما با مسلمانان صدرا سلام در این جهت است که آنان خدای جهت دفاع و حفظ خود فکر کرده و مقاومت کردند ولیکن اینجانب هنوز نتوانسته‌ام مفهوم مسائل دفاعی ایران چیست؟ در عملیات بیت المقدس پیروزی مطلق داشتیم و بعد توقف شد و پیروزی رد و بدل می‌شود و باره پیروزی و گاهی اختلاط مواضع جدید داشتیم. با این فرض که گاهی با استمرار جنگ، حاکمیت نظام اسلامی حفظ خواهد شد نیاز به برنامه و دید سیاسی و اقتصادی و نظامی لازم است. شاید عده معدودی بودند که خود را برای جنگ طولانی آماده کرده بودند و برای اینکه کل جامعه و اکثریت آن خود را برای هرگونه شرایطی مهیا نمایند، نیاز به برنامه ریزی است. ما می‌بایست در این فاصله ۸ سال خودمان را مهیا می‌کردیم. وضعیت موجود امروز حکایت دارد که هم جنگ در جبهه ما شاد و هم زندگی عادی در پشت حبه. عده‌ای می‌جنگند و عده‌ای نیز زندگی می‌کنند. شرایط اینگونه حکم میکند که این وضعیت قابل استمرار نیست و اگر تصمیم گرفته نشود برای جامعه شکنندگی بوجود می‌آید. ما برای داشتن جامعه تمام عیار

تکیه به خدا کنید و به نفت و سلاح تکیه نکنید امام حسین



اخبار جنگ اسلام و کفر



جنگی فرصتهایی داشتیم. سال ۶۳ و ۶۲ به خاطر تنگه هرمز شرایط آماده شد و برای مقابله با چنین شرایطی جلسات متعددی در رشتا تشکیل و چند وزارتخانه اقتصادی عهده دار آن شد و تصمیمات بسیار مثبت نیز اتخاذ گردید و اگر آن برنامه ها اجرا شده بود حداقل در بخش کشاورزی و کالاهای اساسی مشکل نداشتیم و نیاز به این حجم از واردات نبود. ولی مسئولان نخواستند آنچه که نباید بشود. از عملیات و الفجر مقدماتی که شتاب عملیات فتح المبین را نداشت زمزمه افزایش گردانها مطرح شد و اکنون در سطح بسیار بالاتر مطرح می کنند. اگر نیاز به این همه گردان است چرا شرایط آن فراهم نمی شود. روزی عنوان شد که سال ۶۵ سرنوشت است و مسئولان و ائمه جمعه تا کید کردند و مردم برای مقطع خاصی مهیا و بعدرها می شوند و چون آرزوها حاصل نمی شود شورای عالی پشتیبانی جنگ را اختیار تمام گرفته و شور و حالی ایجاد میکند. و جز دو حادثه اتفاق دیگری رخ نمیدهد، یکی حادثه حلبچه به نفع ما و دیگری فو و به ضرر ما. حادثه ای که سه ماه با نبرد استگین طول کشید تا نیروها استقرار یافتند و دو سال کلیه مسئولین روی آن مانور دادند ولی با اتخاذ مواضع جدید همه مسائل خاموش شدند. واضح است تا مشکل ریشه یابی نشود و ضعفها بررسی نگردد مشکل جنگ همچنان باقی خواهد ماند. مشکل امروز ما اتخاذ استراتژی مشخص و راه رسیدن به آن استراتژی است و وقت تلف کردن هدر دادن نیروهاست.

راه مجاهد:

پس از عملیات بیت المقدس امام به مسئله "غرور" اشاره کردند و اینکه مبادا دچار آن شویم، همچنین تفکراتی مثل "توده ایزاری" نیز پایگاههایی داشت، به این لحاظ شاید نتوان و از پیروزی "مطلق" را بکا برد. از طرف دیگری از عملیات بیت المقدس دچار "توقف کامل" هم نبوده ایم لیکن آنچه قابل توجه است اینکه بتدریج نقاط قوت حرکت، ضعیف و نقطه ضعفهایی نظیر آنچه که اشاره اش پیش رفت، تشدید گردید.

(رجوع شود به درسهایی از ضربه های فو و شلمچه. راه مجاهد شماره ۴۷)

آیا تصمیم ما م تبلور تصمیم پیا پیا میر (ص) در صلح حدیبیه است ؟

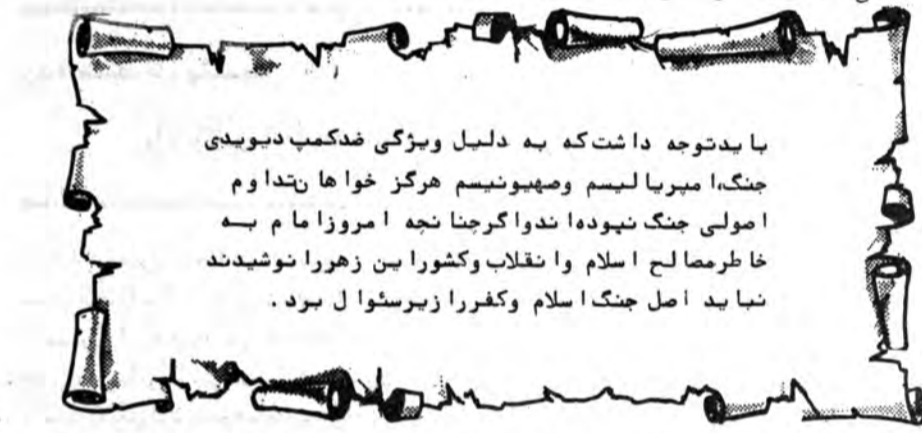
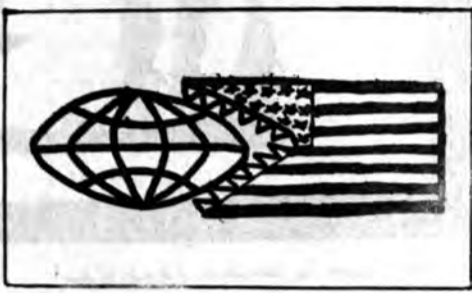
کیهان
۶۷/۴/۳۰
هاشمی رفتن جانی: " اصل تصمیم شجاعانه ای که امام در این مقطع در مورد پذیرش قطعنامه گرفتند، که میدانیم با فطرت و روحیه عظیم و قاطع ایشان که در گذشته آن را نفی می فرمودند، چه مقدار منافات داشته و وقتی صلح اسلام را تشخیص دادند و اینکه بگویند آگاه و شجاع و بدون یک ذره پشورده پوشی فرمود" من تا چند روز پیش نظرم غیر

از این بود و امروز نظرم این است و آبروی خود را اگر داشته باشم با خدا بر سر مصالح مسلمین معامله کردم. من به واقع تلویح تصمیم پیا پیا را در حدیبیه که به دستور صریح خدا و تدوین پیا پیا انجام گرفت در این حرکت امام می بینیم. آن روز که طرفین پیغمبر شک می ریختند و می گفتند " ما با امضای این پیمان نامه مدلیل شدیم " قرآن در مقابل آنها فرمود: " انا فتحنا لک فتحا " میبنا "

راه مجاهد:

در تصمیم شجاعانه پیا پیا میر در صلح حدیبیه شکی نیست، همچنین در موضع شجاعانه امام در پذیرش قطعنامه، مردم و نیروهای انقلاب شکی ندارند. اما در مورد این نکته که این شجاعت امام مثل شجاعت پیا پیا میر در صلح حدیبیه است یا شجاعت امام حسن در صلح با معاویه، اختلاف نظر وجود دارد و نکته ایست که می بایست بیشتر به آن اندیشید.

در وظایف مسلما " ما راه اینها کاشانده است و مسائلی از این قبیل برای مردم جای سوال باقی گذاشته است. ما بعنوان نمایندگان مردم برای این سوالها جواب نداریم. حالا مقداری در بیانه ها و خطبه ها و مواضعها ملاحظیات حال مردم بشود، یعنی طوری عنوان نشود که مردم مقصر قلمداد شوند. "



باید توجه داشت که به دلیل ویژگی ضد کمپ دیوبندی جنگ، امیرالایسم و صهیونیسم هرگز خواهان ندادن اصولی جنگ نبوده اند و اگر چنانچه امروز ما م به خاطر مصالح اسلام و انقلاب و کشور را بنوشیدند نباید اصل جنگ اسلام و کفر را زیر سوال برد.

اعلان جنگ یا صلح با ولی فقیه است
آیا تدوام جنگ غلط کیست و برزینشکی بوده است ؟

کیهان
۶۷/۴/۲۸
پرتو نما بنده خدا بنده: " آنچه تا بحال در مورد جنگ تصمیم گیری شده است، نظر مبارک حضرت امام بوده و لذا بر اساس قانون اساسی که اعلان جنگ یا صلح توسط ولی فقیه اعمال می شود اینک نیز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بر اساس بررسیهای حساب شده و با نظر مبارک امام اعمال شده است.

راه مجاهد:

این نظری که ملا "صحیح است که صلاحیت اعلان جنگ یا صلح با ولی فقیه است، اما این بدان معنی نیست که آنچه تاکنون در سرچند ساله جنگ بوقوع پیوسته، از جمله مسائل اخیر، مطابق خواست و تصمیم امام بوده باشد و به این دلیل دیگر دنبال ریشه یابی نرفته و نا رسا آنها را جبران نکنیم.

چه عواملی زمینه ساز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بوده است ؟؟

کیهان
۶۷/۴/۲۸
نجفقلی حبیبی نماینده تهران: " مادر مقابل او امر حضرت امام بدون تردید تسلیم محض هستیم و او مرا ایشان برای مالازم الاتباع است و بر بریعت خود مان باقی هستیم. اما آیا نباید کجا نیکه زمینه ساز این وضع بودند اعم از لشکری و کشوری و انتظامی و دیگری مسئولان اجرایی کشور شنا سایی شوند و به روشها و عملکردها ایشان رسیدگی شود؟ البته من نمی خواهم کسی را متهم به خیانت کنم و برای من چنین چیزی مسلم نشده است، اما روشها و مدیریتهای غلط و ضعف در مدیریتها و تداخل

وضعیت منطقه بعد از جنگ

واشنگتن تا پمز: پیروزیهای اخیر عراق در جبهه ها (قبل از قطعنامه ۵۹۸) کشورهای عرب را تدریجا " نگران ساخت" که شکست ایران میتواند عراق را بصورت یک ابر قدرت منطقه ای جلوه گر سازد. کویت از مواضع شکست ایران و باقی ماندن عراقی متخاصم و قدرتمند که بر منطقه تسلط یابد نگران است اما بعضی معتقدند عراق پس از چندین سال جنگ یا رای تسلط نظامی را نخواهد داشت. هدف سیاست آمریکا در خلیج فارس بیشتر برای جلوگیری از پیروزی ایران و برای پیشگیری از گسترش انقلاب است. بنیادگرای ضد غربی دیگر کشورهای نفت خیز منطقه بوده است.

معا حبه مهم جلال طالبانی

هدای آمریکا خرداد ماه ۱۳۶۷
رادیبو آمریکا معا حبه ای با جلال طالبانی دبیرکل اتحادیه میهنی کردستان انجام داد این معا حبه همزمان با گامهای تدریجی در ایران بسوی پذیرش قطعنامه انجام شده است و در آن تغییرات ظریف و در عین حال مهمی بچشم می خورد که نشانگر گردش تغییری در مواضع اتحادیه میهنی کردستان میباشد از قبیل نزدیکی به قاسملو، تاکید روی حق تعیین سرنوشت برای خلق کرد (منظور کردهای ایران و عراق است)، ملاقات با مقامات کنگره آمریکا. در این رابطه دونظریه وجود دارد: ۱- رهبران کردهای عراق از ترس مصالحه میان ایران و عراق و له شدن آنها در این میان، به قاسملو و آمریکا تمایل نزدیک شده و شعار حمایت از خلق کرد (کردهای ایران و عراق) را داده اند. ۲- آمریکا بطور سنتی در میان رهبران کردها نفوذ داشته و اینجانب از اینها بعنوان عامل دیگری در کنار رهبران بمب شیمیائی، رجوی و ... برای فشار بر انقلاب استفاده نموده است.

برخی محورهای معا حبه شرح زیر است: - رابطه اتحادیه میهنی کردستان با حزب دموکراتیک کردستان به رهبری قاسملو نزدیک و دوستانه است. - هدف سیاسی خلق کردستان عراق دموکراسی برای کردهای عراق و حق تعیین سرنوشت است. - ما خواهان یک دولت دموکراتیک و مستقل عراق میباشیم که در چهار رجوب آن خلق کرد حق تعیین سرنوشت خودش را داشته باشد.

ما با ایران همکاری و دوستی داریم ما هر دو صدام را جانی بکار جنگ میدانیم ولی برای همکاری بیشتر باید به یک توافق سیاسی برسیم که در این توافق هم آینده عراق و هم تعیین سرنوشت خلق کرد از طرف خلق کرد خیلی روشن باشد. بعد از رسیدن به همکاری سیاسی میتوانیم همکاری نظامی محکمتری داشته باشیم و به مبارزه علیه رژیم صدام ادامه دهیم. وی بدنبال آنکه دولت آمریکا در مورد کار بر سلاح شیمیائی علیه خلق کرد موضع گرفت با چندتن از مقامات کنگره نیز ملاقات کرده است.

راه مجاهد:

باید توجه داشت که به دلیل ویژگی ضد کمپ دیوبندی جنگ، امیرالایسم و صهیونیسم هرگز خواهان ندادن اصولی جنگ نبوده اند و اگر چنانچه امروز ما م به خاطر مصالح اسلام و انقلاب و کشور را بنوشیدند نباید اصل جنگ اسلام و کفر را زیر سوال برد. این موضع امام، مسئولین و مجلس و همه نیروهای معتقد به جنگ و حتی ضد جنگ را از یک بازنگری عمیق و همه جا نسیه نسبت به سیر گذشته میرا نمیکند.

پیوند تشکیلاتی صدام رجوی

شنیده شده که ستاد فرماندهی تشکیلات ستون پنجم رجوی در آخرین عملیات تجاوز کارانه شان به اسلام آباد و کرند، مرکب از سه نفر که یکی از آنها یک افسر هواپیما می باشد است. این افسر عراقی فرماندهی پشتیبانی هوایی از تجاوز آنها بوده داشته است.

بدانیکه خداوند زندگان خود را بسا دشت شگیبائی در برابر دشوارها مقامات بلند خواهد بخشید.



نظرات مطرح شده

پیرامون ماهیت قطعنامه ۵۹۸

اخبار جنگ اسلام



مقدمه

در رابطه با ماهیت قطعنامه ۵۹۸ نظرات بسیار متفاوتی تاکنون ابراز شده است. نظرات بیان شده توسط مسئولین و ... آورده میشود.

متأسفانه پیرامون زهر بودن قطعنامه نه تنها تبیین جامعی تاکنون بیان نشده بلکه تعبیرات متناقضی نیز ابراز گردیده است. انتظار اینست که محققان و تحلیل‌های نیروهای خط امامی و مسئولین ملکی را همین زهر بوده قطعنامه و اینکه با کراهت به آن تن داده‌ایم تشکیل دهد، همچون اکل میته.

امام خمینی در رابطه با پذیرش قطعنامه (زهرنامه) فرموده‌اند: ... قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگوار برای همه و خصوصاً برای من بود. ... قبول قطعنامه برای من از زهر کشنده تر است. ... خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های شهیدان و پناه به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهر آلود قبول قطعنامه را سرکشیده‌ام.

روح قطعنامه، تثبیت کننده

صدام است

اطلاعات

حجت الاسلام محتشمی ۶۷/۳/۱۷

... کسانی که اعتقاد دارند که باید بر مبنای قطعنامه ۵۹۸ کار سیاسی کنیم تا اینکه بهانه از دست آمریکا گرفته شود و آمریکا نتواند در شورای امنیت روی ایران فشار بیاورد و قطعنامه تحریم تسلیحاتی را تصویب کند. ... اینکه ما با اجباجی اولویت های قطعنامه ۵۹۸ آنچه را که مورد نظر ایران است، بپایه کنیم، هرگز به اهداف خودمان که همان پیروزی در جنگ است نرسیم. آنچه که مورد نظر ماست، اینست که عراق تجاوز است و باید از سوی شورای امنیت معرفی شود و این امر با اجباجی بند ۶ قطعنامه بایند اول این قطعنامه امکان پذیر نیست. ... زیرا بند ۶ قطعنامه از دست بردار نیست و با شورش ایران و عراق گروهی را تعیین کند و آن هیات قدرت خود را تعیین کند تا مسئولیت تحقیق در مورد شروع کننده جنگ را مشخص کند.

وزیر کشور تاکید کرد: اگر صحبت از تجاوز باشد تمام دنیا میدانند که عراق تجاوز است، اما شورای امنیت نمیتواند عراق را محکوم کند. هدف ما این نیست که آغاز کننده جنگ چه کسی بوده است، چرا که شروع کننده جنگ مشخص است. و به این بهانه که ما از طریق تغییر اولویت‌های قطعنامه اهداف خود برسیم، اینها سائلی نیست که نظریه‌های انقلاب و ملت را تأمین کند. برای اینکه روح قطعنامه

صلح حدیبیه مرتب شد بر هیچ جنگی مرتب نشده بود.

قطعنامه به صلح حدیبیه شباهتهایی دارد

کیهان ۶۷/۴/۲۸

آقای فاضل همدانی

البته بعضی برادران نظر داشتند که داستان قطعنامه ۵۹۸ مانند جریان حدیبیه نیست، بنده هم قبول دارم و تفاوت زیاد دارد اما این جریان در طول تاریخ دو ویژگی دارد. ویژگی اول اینکه ملت ما چندین سال جنگ کرده و شهید و جانباز داده و محاصره اقتصادی دیده و وجهه رفته‌ناگهان بجای اینکه وارد بیت المقدس و کربلا شوند، قطعنامه ۵۹۸ مطرح میشود. در جریان حدیبیه هم داستان بدین شکل بود. اگر رزمندگان و وعده‌ای به مراتب محکم‌تره مسلمانان در جهان حدیبیه داده شد که شما وارد مکه خواهید شد. اما ما میبینیم که با گذشت ۱۰ سال درگیری با پی پی پی با کفار و مشرکین و یهود ... و سه سال دوری از مکه ۱۶۰۰ مسلمان با عشق و شور مانند رزمندگان ما در جبهه‌ها به سوی مکه حرکت میکنند، در حالی که تجهیزاتشان نداشتند همین که بسوی مکه رسیدند ناگهان دستور برگشت داده شد.

این حرکت بسوی مدینه پستی بود که به مغز این مسلمانان زده شد اما اینها پیروزی بودند رهبریتی که در طول ۱۹ سال با کامل قدرت جنگیده و صلاح میبیند که فعلاً برگردند. اما معنی برگشت این نیست که ما صرف نظر از مکه خواهیم کرد بلکه به منظور یک آزمایش تجدید قوا و سازماندهی دامن به نیروها بود و بعد آیه بیت رضوان نازل میشود قبل از اینکه مسلمانان بعد از بیت رضوان به مدینه برسند سوره فتح نازل میشود و در انتظار رنجین فتحی هستیم تا آل سعود مکار، دیگر جرات نداشته باشد جلوی حجاج ایرانی را بگیرد و صدایمان بدانند اگر امروز مردم سکوت میکنند ... نه به معنی شکست بلکه به معنی پیروزی از رهبر است.

قطعنامه با صلح حدیبیه و صلح امام حسن (ع) شباهت دارد

کیهان ۶۷/۵/۵

یونس محمدی نماینده خرمشهر قطعنامه از طرفی شبیه صلح حدیبیه و از طرفی شبیه صلح امام حسن (ع) میباشد. زیرا امام حسن (ع) با قبول صلح چهره‌ها را بر فریب و ضد اسلام را معرفی کرده و شناساند. ولی مسئولین ملکی با اجازه امام قبول قطعنامه را اعلام کردند.

قطعنامه با گرانی بردوش و زهری در کام رهبر ماست

کیهان ۶۷/۴/۳۰

دفتر تحکیم وحدت ای کاش ما شهید میشدیم و شاهد چنین بارگرانی که بر قلب ما مان سابه انداخت نمیبودیم اما کدام زهری باید باشد که رهبران بنوشند و ما از نوشیدن آن ابا کنیم

قبول قطعنامه، همچون صلح حدیبیه پر برکت و فتح المبین بود.

کیهان ۶۷/۵/۱

حجت الاسلام خاضعی در تاریخ یکبار دیگر هم اتفاق افتاد در زمان پیغمبر در سال ششم هجرت. رسول خدا اهدای به قصد ورود به مکه راه افتادند و خدا ای متعالیه پیغمبر گفته بود پیغمبر به مردم از قول خداوند وعده داده بود که ما وارد مکه خواهیم شد. مسلمانان آمدند با امید به اینکه وارد مکه خواهند شد. دشمن در محلی بنام حدیبیه راه آنها را سد کرد و مانع از حرکت آنها شد. میخواستند حمله کنند و آنها را قتل عام نمایند و از زمین ببرند خداوند متعال مسلمانان را حفظ کرد و قضیه به نوشتن یک صلحنامه منتهی شد که به صلح حدیبیه معروف است. آیات اول سوره فتح میفرماید "انفتحنا لك فتحا" مینا" راجع به همین صلح است. در تاریخ اسلام مینویسند برکاتی که بر

قبول قطعنامه، فتح المبین، پیروزی عمیق و بزرگترین فتح در تاریخ ماست.

کیهان ۶۷/۵/۷

حجت الاسلام رفسنجانی این بهانه که امام بعد از دو روز منتشر کردند چیزی شبیه سوره فتح است. من از نظر خودم در حد اطلاعاتم حالا ضمای مسائل دیگری که هست این را یک



پیروزی عمیق میدانیم یعنی این حرکتی که امام کردند مصداق فتح مبین است فتح المبین است که در جبهه داشتیم آن یک بُعدی است. این یک فتح المبین جدی است.

پیاپی هر زمانیکه از مکه بازگشتند در راه ما دلیل شک و شبهه زیادی که بود آیه انما فتحنا نازل شد و آنرا به عنوان فتح المبین نام نهاد.

این بزرگترین فتح در تاریخ ماست زیرا مشرکین که ما را به هیچ وجه به رسمیت نمیشناختند و ما صاحب نمیکردند و ما را همه جات تحریم میکردند الا آن پذیرفتند که ما به طور رسمی سال آینده بیائیم به مکه اینکاری که اتفاق افتاده قرآن میفرماید برای اینست که مشکلاتیکه در روند حرکت اسلام بوجود آمده خواستیم پاک کنیم هموار کردن راهی که در سنگلاخ افتاده بود یکی دیگر از آثار فتح راحل مشکلات معرفت میکند یکی از آثار مشکلات راحل فضا قرار دادن منافقین میداند. من واقعا ت این عملیات مرصاد ... انجام شد، تعبیه درستی از این آیه نداشتیم.

ما در اینجا بعد از اقدامی که حضرت اما انجام دادند از لحاظ سیاسی موقعیت بسیار مناسبی در دنیا پیدا کردیم. ممکن است عده‌ای از مردم ما اینطور فکر کنند بگویند که ما اهل سازش و این حرفها نیستیم. پس بنا بر این ما باید همیشه همین گونه باشیم که هستیم و ضایعی نیست که از این وضع که داریم هیچوقت خارج شویم و روز بروز گران بیشتر شود. ... مرد چهلشان هر چه میخواهد برسد ما برای شهادت آماده‌ایم خوب این تصور درستی نیست. ... کجک اصل حاکمیت اسلام و اصل قدرت ا دارا کشور را به زیر سؤال میبرند. ... معنای ام نه باج دادن است و نه سازش با افکار دیگران بلکه بیخود تحریک نکردن و بر خود راهب رانستن است. ... و ثانیاً اینکه ما هم مسائل را به طرف دشمن سوق دهیم. اهر جاهلانترین کار در مبارزه است.

قطعنامه، معقولترین وسیله ختم تشنج بود

کیهان ۶۷/۵/۲۳

دکتر لاریجانی قطعنامه ۵۹۸ یک سکه دو رو است. یک روی آن محتوی حقوق است که برای طرفه ایجاد تعهد میکند. روی دیگر ماهیت سیاسی قطعنامه است. که موضعگیری من در این جهت ضعیف است.

سوال: اگر ما در ۲۷ تیر اعلام پذیرش نمی کردیم چه اتفاقی می افتاد؟ لاریجانی: ما باید و مطلب را از هم جدا کنیم. اول تصمیم ما در زمینه قطع هر چه سر بهتر درگیرها، یعنی در آن هنگام ختم تشنج اولویت پیدا کرد و در یک مقطعی رسیدیم به اینکه ختم تشنج حقیقتاً ضروری است.

مطلب دوم اینکه چگونه باید تشنج ختم شود. بنظر میسرست قطعنامه ۵۹۸ یکی از معقولترین وسیله‌ها ی ختم تشنج باشد غیر از این در آن زمان مسیر دیگری آماده نبود. اما زمینه قطعنامه ۵۹۸ آماده بود طرح اجرائی آن حاضر بود. از لحاظ مبین الطلسی مقبول بشمار میآید. (اگر در این مقطع تمهید بفرستیم) یا باید ما به سمت هدفی که انتخاب کرده بودیم در عقبه در صفحه ۲۸



انبار جنگ اسلام



انبار جنگ تا صلح



و دنیا با خطا رکردم که آمریکا بی‌ها ممکن است به دست انسانهای نادان حادثه‌ای را در یک گوشه‌ای بوجدیبا ورنندوازان حادثه استفاده کنند و این فاجعه را تحت شعاع قرار بدهند من مردم را آگاه کردم که کارنا شیانه‌ای انجام ندهند.
راه مجاهد:

برخی به استناد بیابان آیت الله منتظری چنین وانمود کردند که ایشان پیشتر پذیرش قطعنامه بوده در حالیکه محتوی بیابان یا نگر خط مشی دفاعی و در حد اعلا چیزی شبیه متارکه و آغاز یک جنگ جدی و تمام عیار با خود آمریکا و مقابله با توطئه‌های آن است.

حال اگر از این وجه بیابان چنین نتیجه‌ای گرفته می‌شود چرا به وجه دوم آن که صراحت بیشتری هم دارد یعنی برنا مهریزی برای یک مبارزه در از مدت با آمریکا توجه کافی نمی‌شود
ادامه خطبه:

آنها آمدند این دو بیابان را کنار هم

ما اگر بخواهیم در یک مبارزه اصولی با ریشه اصلی و علت العلل مظلوم و ظفیا نهاد فسادها مبارزه کنیم راهی جز شناخت و شناساندن انواع سلطه‌های آمریکا و امپریالیسم و جبهه‌های آن که آمریکا از آن جبهه‌ها به اسلام و مظلومین جهان حمله میکند، نداریم.

آیت الله منتظری

گذاشتند و گفتند آیت الله العظمی منتظری این طور بیابان دادند و فلانی این طور گفت معلوم می‌شود اینها با هم اختلاف دارند. امام آن طور گفت و گفت فلانی را تأیید کن، یعنی نظار امام این طوری است، عده‌ای در اینجا می‌نهند و عده‌ای در اینجا تندر هستند در همانجا بی‌کس مسئله را درست کرده اند و خودشان دارند غرق می‌شوند از دیت از شیطنتشان بر نمی‌دارند...

بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران

آقای رفسنجانی در مصاحبه‌ای علل پذیرش قطعنامه را تشریح نمودند و گفتند که چرا از روی نوار تلویزیونی آن پیاده شده در زیر می‌خوانیم، توضیح اینکه این سخنان در هیچ یک از روزنامه‌ها با بطور کامل درج نگردیده و در روزنامه رسالت قسمت مهمی از آن حذف شده است با توجه به اینکه این روزنامه به مشروح سخنان جانشین فرمانده کل قوا اشاره می‌کند انتظار می‌رود که سخنان را حذف ننماید.

آقای رفسنجانی در جواب به این سؤال که چرا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ یا تاخیر صورت گرفت گفتند: "این او خرمایا هر محاسبه‌ای مسئله را به طور عادی ندیدیم یعنی آمریکا اعلام کرد عملاً که اگر جمهوری اسلامی بخواهد ادامه دهد به این کارش ممکن است جناپت‌های عظیمی هم مرتکب شود. ما پیام این حرف را این عمل را چنین دیدیم و اگر با دتا ن باشد.

انواع سلطه‌های آمریکا و امپریالیسم و جبهه‌هایی که آمریکا از آن جبهه‌ها به اسلام و امت بزرگ اسلامی و مظلومین جهان حمله میکند نداریم و یقیناً چنین وظیفه مهمی را باید در بخشهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دشمن برای ملت ما و خود ما بر ملت‌های مظلوم منطقه تشریح و تبیین نماییم و برای مبارزه همه‌جانبه و اساسی با آن برنمه‌ریزی دقیق بکنیم. من اطمینان دارم اگر مقام معظم رهبری انقلاب دستور بدهند نیروهای انقلاب و هسته‌های مقاومت در داخل و خارج کشور با تنظیم برنا مه‌های مناسب و حساب شده منافع مادی، سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا را هدف مبارزات خود قرار دهند و ملت‌های مظلوم، حرکتهای اسلامی و آزادی‌بخش برای این مبارزه اصولی و ریشه‌ای برنامهریزی نمایند به یقین جهان اسلام یکپارچه باخاسته و آتش می‌شود که آمریکا و عوامل آن و همه استعمارگران شرق و غرب جهان با قهر و غضب ملت‌های مظلوم که نمونه‌ای از قهر الهی است در خود می‌سوزانند و دیگر آمریکا به خود اجازه نمی‌دهد صدام و اسرائیل و آل سعود را برای تجاوز و جنگ و کشتار مسلمانان تجهیز و تقویت نماید...

امام در جواب به نامه آیت الله منتظری طی نامه‌ای که در کیهان ۱۴ تیرماه به چاپ رسیده ضمن تأیید مضمون نامه ایشان می‌نویسند: "حنا بعالی که یکی از ذخایر این انقلاب می‌باشد با پشتیبانی از آقای هاشمی وقت خود را مصروف در ساختن دنیایی از کرامت و بزرگواری ننماید... مسئولین نظام باید تمام می‌هم خود را در خدمت جنگ صرف کنند این روزها باید تلاش کنیم، تا تحولی عظیم در مسایلی که مربوط به جنگ است بوجود آوریم با ید همه برای جنگی تمام عیار علیه آمریکا و دشمنان به سوی جبهه رو کنیم. امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است و غفلت از مسائل جنگ خیانت به رسول الله (ص) است."

حجت الاسلام رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه ۱۷ تیرماه مطالبی در این مورد ایراد کردند: "... شیطنتهای دیگری نیز در کارهایشان می‌کنند. در همین حادثه‌ای که خون مردم بجوش آمده می‌خواهند در داخل ما تفرقه ایجاد نمایند در آن پیام بسیار خوب و واقعیت‌نا حضرت آیت الله منتظری که خدمت امام فرستادند و آن جواب بسیار قاطع و راهنمایی که حضرت امام به ایشان دادند و بعد توضیحاتی که من در مجلس دارم و به مردمان

بدنبال حنایت آمریکا در رابطه با سقوط هواپیمای مسافربری ایران، آیت الله منتظری طی نامه‌ای برای امام که در کیهان ۱۳ آذرماه ۶۷ به چاپ رسیده بعد از نکویش حنایت آمریکا و رژیم‌های مرتجع منطقه می‌نویسند: "این آمریکای حنایت‌گرا است که صدام برای شروع و ادامه جنگی که قطعاً در جهت حفظ منافع آمریکا و اسرائیل می‌باشد حمایت کرده و می‌کند. به یقین اگر حمایت‌های آمریکا و عمل‌های در منطقه از صدام نبود سالها پیش این جنگ خانمانسوز با پیروزی اسلام به پایان رسیده و این آمریکا که نخوار است که اسرائیل غاصب و حنایت‌گاران آل سعود و مرتجعین منطقه را به ظلم و غارت و جنایت و کشتار تحریص و تشویق می‌کنند و این اصل با توجه به فرموده حضرت امیر (ع) که فرمودند: "والله ما قتی قوماً فی قعدارهم الا ذلولاً و با توجه به رهنمودهای حضرتعالی که خاطر جدی آمریکا و دشمنی آن با اسلام و قرآن و مظلومین جهان را در مقابل گوناگون گوشزد فرموده‌اید با استاکون که دشمن اصلی سلام و مسلمین علاوه بر عمل‌های در منطقه خود به میدان آمده دستور فرمائید تا ضمن دفاع مقدس از مرزهای کشور برنا مه‌هایی دقیق در جهت مبارزه اصولی با دشمن اصلی یعنی آمریکا در جبهه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تدوین و به مورد اجرا و عمل گذاشته شود. زیرا مواجبه با معلولها و غفلت از علت العلل با هیچ منطقی قابل توجیه نیست و حضرت مستطاب عالی توجیه دارید که یک مبارزه تمام عیار با آمریکا با شعار فقط و انجام مراسم تبلیغاتی کافی نخواهد بود."
راه مجاهد:

بنظر می‌رسد سخنان آیت الله منتظری در این قسمت از بیابان خط مشی و استراتژی‌ای باشد که از یک طرف معتقد است جنگ تحمیلی با طراحی و تحریک و حمایت آمریکا آغاز گردیده و از طرف دیگر آمریکا را در شعار دشمن و علت اصلی می‌داند و در محتوی و در این چند سالی که جنگ تحمیلی ادامه داده‌اشته‌سعی‌شان بر این بوده که از طریق آمریکا صدام را حذف نمایند و به همین دلیل هر سال را سال آخر جنگ تصور می‌کردند در حالی که اگر مثل آیت الله منتظری به یقین رسیده بودند که آمریکا حامی صدام است می‌بایست خود را برای یک جنگ در از مدت آماده می‌کردند و چنین اعلامی را نمی‌نمودند.

ادامه پیام:
"ما اگر بخواهیم در یک مبارزه اصولی با ریشه اصلی و علت العلل مظلوم و ظفیا نهاد فسادها مبارزه کنیم راهی جز شناخت و شناساندن

حضرت آیت الله العظمی منتظری بعد از این حادثه در بیابان می‌که خدمت امام دادند ایشان در همان جا فرمودند که ما خوب است به علت بپردا زیم و دست از معلول بردا ریم نظار ایشان صریحاً "همین جا بود. یعنی این بود که حالا که آمریکا در اینجا بنحوری به میدان می‌آید ما مبارزه اصلی ما نیز با بیابان آمریکا قرار بدهیم که اگر آمریکا را دستش را قطع کنیم، عراق معلول آمریکا است. اصل مسئله را آنجا ببریم یعنی اولین اظهار نظری بود که چند روز پیش شد در این باره بصورت مبهم و کنایه‌ای و از آن روز مسئله جدی شده و در بحث قرار گرفت و پس از مدت کوتاهی به این نتیجه رسید...

س - مردم از خبر پذیرش قطعنامه به بهترین شده بودند آیا بهترین نبود اول مردم را تا مدتی می‌دادید برای پذیرش قطعنامه؟

عرض کردم ما از قبل به چنین تصمیمی نرسیده بودیم بعد از حادثه سقوط هواپیمای بحث جدی شروع شد تا آن موقع اصلاً ما بحث هم نمی‌کردیم در این قضیه با آن پیام آیت الله منتظری بین ما بحث جدی شروع شد و موقعی که ما به نتیجه رسیدند بلافاصله ما به ما دستور دادند که بروید آن جلسه را تشکیل دهید و ما این جلسه را در روز ۲۶ تیر تشکیل دادیم و بیابان ما در روز به ما رسید (۲۶ تیر) و ما در روز عصر (۲۶ تیر) به نتیجه‌هایی رسیدیم و در شب (شب ۲۷ تیر) گفتیم به دبیر کل سازمان ملل اطلاع دادند و به محض اینکه اطلاع دادیم خبر را به مردم هم دادیم یعنی ما یک لحظه هم در اطلاع دادن به مردم تأخیر نکردیم ولی اگر منظور زمینه سازی برای مردم باشد ما فکر می‌کنیم احتیاجی به این کار نیست زیرا مردم نظار ما را بهترین زمینه می‌داند با حجت که نظار ما بوده جنگیده اند و با حجت که نظار امام هم هست اگر بنا باشد آتش بس را بپذیرند آنرا می‌پذیرند."

راه مجاهد:

بنظر می‌رسد منظور از این مطلب که قبل از پیام آقای منتظری بین مسئولین هیچ بحثی نبوده بحث و نظر شرعی باشد. زیرا امام در مورد ادا مه جنگ و عدم طح نظر قطعی داده و مایه شرعی گذاشته بودند و بنا بر این هیچ یک از مسئولین این اجازه را بخود نمی‌دادند که در این مورد بحث کنند بعد از مطرح شدن نظر آقای منتظری بعنوان یک محتشد با بحث بر روی دلایل شرعی آن با زگردیده است.

پس از این مصاحبه پیام امام در ۲۹ تیر و نطق پیش از دستور حجت الاسلام رفسنجانی در ۳ تیر و پیام آیت الله منتظری در بیعت مجدد با امام بوده است که در این شماره پیام حج امام به صورت ویژه نامه در آمده که جنبه‌ها - ی خبری زیادی هم دارد. دو قسمت دیگر در شماره آینده خواهد آمد.

یک مبارزه تمام عیار با آمریکا، با شعار فقط و انجام مراسم تبلیغاتی کافی نخواهد بود

آیه... منتظری



خدا بر حاکمیت مستضعفین و همانا آیه
" و نریدا تئن علی الذین استضعفوا فی
الارض و جعلهم الائمة و جعلهم الوارثین"
باشد. منظورا بزبانی روح حج همان
ارتباط حج با قرآن و جهت گیری حج و یا
هر حکم فرعیه دیگری در جهت وعده خداوند
و حاکمیت مستضعفین است. و به همین دلیل
است که رجم و درگیری با شیطان واجب شده.
اگر روح قرآن و ملاک تشخیص صلحت همین
جهت تاریخ یعنی اراده خدا و حاکمیت
مستضعفین باشد، سایر احکام روحیایی شده و
مثلا "استطاعت مالی که ملاک حاجی شدن در
فقه جاری است به استطاعت فکری و جسمی
تبدیل میگردد که اینک در سالیهای اخیر این
ملاکها تقویت شده است. توطئه اسلام آمریکایی
سعی دارد احکام فرعیه الهیه را در برابر
احکام اولیه، تشکیل حکومت اسلامی و برائت
علم کرده و دین را مانند آل سعود و ضیاء الحق
از محتوی خارج کند (رجوع شونده سر مقاله
مذهب علیه مذهب. راه ۴۸) و اگر امام
عنوان میکنند که حج قابل تعطیل است
مقصود حجی است که در آن برائت و روح قرآنی
نیباشد. علت دیگر هجران حج و قرآن از
محتوی و محاسبات خود ساخته ماست. نفسانیات،
منطقهای بشری، ایدئولوژی های منحرف،
همه و همه باعث نزول ارزش قرآن و حج
گردیده است.

عده ای از ما حسنظران معتقدند که
قرآن برای همه قابل درک نبوده و فقط
مخاطب قرآن (پیا میرو یا بعضی علما که
سالها درس خوانده اند) آن را درک میکنند.
اما امام برخلاف این وعده قرآن و حج را برای
عموم قابل فهم میدانند اما مراتبی نیز
برای این فهم و درک قائلند. گرچه به همه
توصیه میکنند که ازل به دریای معارف
قرآن زدن و فرورفتن در آن نهرا سندان
یادآوری می نمایند که هر کدام از اندیشمندان
و غوامان که دل به دریای زده و به عمق بیشتر
میروند گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و
آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود. ریشه
یابی مهجور بودن قرآن و حج را باید در
مقالات جداگانه پیگیری کرد.

واقع دفاع در مقابل توسعه طلبی و تجاوز
استعمار راست. در حقیقت وجود یک ملت مستقل
و ضدا میریالیست با سلطه جهانخواهان وجود
آنان تناقض پیدا میکند. در دوران نهضت
ملی و ملی کردن نفت استعمارگران
میگفتند که ایران تشنج طلب است و صلح
و ثبات دنیا را بهم زده است در حالیکه ایران
خواهان حقوق حقه خود بود و چیزی جز استقلال و
حاکمیت ملی نمی خواست.

۸ - اسلام محمدی ضد کمپ دیوید
در
مقابل اسلام آمریکایی

در پیام آمده است که هدف ما سرنگونی
نظامی است که بر سه پایه فاسد
صهیونیسم و سرمایه داری و کمونیسم
استوارند. باید توجه داشت که در این بیان
مراتب اولویت منظور نشده و ممکن است
عده ای به کمونیسم اولویت دهند و یا عده ای
به سرمایه داری یا صهیونیسم و به سه خط مشی
مختلف برسند برای جلوگیری از این اختلاف
باید یکی از محکمات خط امام توجه شود
و آن آزادی قدس و میا رزه با کمپ دیوید و
رد قطع نامه ۲۴۲ میباشند که اتحادی است
از عاملین اصلی آن یعنی صهیونیسم و
امپریالیسم و ارتجاع عرب. توضیح اینکه
دوستی یا دشمنی ما با هر کشور و نظامی بر
اساس موضعشان نسبت به آزادی قدس و
میا رزه با کمپ دیوید است قبلا یکی از مسئولین
گفته بود که قطع نامه ۵۹۸ مثل ۲۴۲ بوده و
پذیرش آن به منزله خیانت است. توضیح
اینکه فرق اساسی بین این دو پذیرش این
است که امام خمینی پذیرش قطعنامه ۵۹۸
را به نوشیدن زهر تشبیه نمود و آنرا از
مشروعیت ایدئولوژیک انداختند و راه برای
نهضت و قیامهای بعدی گشودند ولی در موقع
پذیرش ۲۴۲ کشورهای عربی چنین تفسیری
نمی نمودند.

۹ - نامحرمان نجس آمریکایی
در حرم ناس چه می کنند ؟

دردوره رژیم شاه یکی از مشکلات
نیروهای مبارز در زندان نحوه برخورد با

مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند
که عده ای از خدا بی خبر، برای از بین بردن
انقلاب، هر کس را که بخواهد برای فقراء و
مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را
ببیماید، فوراً او را کمونیست و التقاطی
می خوانند. از این اتهامات نباید ترسید.

۷ - توسعه طلبی انقلاب پیا
کاهش توسعه استعمار

یکی از برجسیهایی که دشمنان انقلاب
اسلامی به آن میزنند آنک توسعه طلبی،
ایجاد امپراطوری اسلامی و قدرت طلبی
میباشد. امام به نکته بسیار مهمی اشاره
و استدلال کرده اند و آن اینکه گسترش اسلام
در جهان مساوی کاهش سلطه استعمار روبر

آمریکای مسیحی، اسرائیل یهودی و اعراب
مسلمان باید متحد شویم (کمپ دیوید) علیه
بی خداهای عالم (شوروی و کمونیسم).
ملاحظه میکنیم امام در پیام حج نامحومان
آمریکایی و آمریکا زادگان را نجس میدانند.
اگر چه به ظاهر خدا را قبول داشته و حتی
تبلیغ هم میکنند البته منظورا امام آمریکا،
حکام جنایتکار و جهانخواه راست.
ممکن است تصور شود که امام بدلیل
اینکه آمریکا بی با اهل کتابند آنها را نجس
می دانند در حالیکه امام با مطرح نمودن
ایدئولوژی ابراهیمی و انبیاات آزادی -
بخش عنوان میکنند که امروز با بدندای مرگ
بر آمریکا را نه تنها از مساجد بلکه از ناسوس
کلیسا ها به گوش مردم جهان برسانیم و بنا بر این
نامحرمان آمریکا بدلیل نظام توسعه
طلبشان نجس قلمداد میشوند. بنظر میرسد
مطلب فوق یک تحول در فقه موجود و آموزشهای
رایج میباشد.

۱۰ - خطر سیادت
ایدئولوژیک آمریکا

امام با نفی سیادت ایدئولوژیک
آمریکایک مسئله زیربنایی را مطرح میکنند.
سیادت و آفایی آمریکا و سایر جهانخواهان
ابعاد مختلفی دارد. سیادت سیاسی،
اقتصادی، فرهنگی، نظامی، علمی و...
گرچه این زوایا همه اهمیت دارند ولی مظهر
اصلی سیادت ایدئولوژیک میباشد. چرا که
استقلال مکتبی در تمام وجوه دیگر اثرات
بنیادی میگذارد.
از این مسئله نباید غفلت کرد که
بدترین سیادت امپریالیسم زمانی است
که خود ما آگاهانه منطق و متدولوژی غرب را
بپذیریم که در آن صورت برده فکری بی حیره
و مواجب آمریکا خواهیم شد و این پذیرش از
چپا و چاههای نفت و منابع دیگر کشور
بدتر میباشد.

۱۱ - خط مشی " شهادت یا
پیروزی " و عقب نشینی
تاکتیکی

گرچه شعار " یا شهادت یا پیروزی " نقش
تعیین کننده ای در پیروزی های ما داشته
و خوف نداشتن از مرگ تنها راه مبارزه با
ابر قدرتهاست، ولی در ارزیابی این
خط مشی باستی به ظرایفی توجه نمود. مثلاً
برخی از رزمندگان وقتی پیشنها داشتند
یا ایجاد کارهای دفاعی برای عقب
نشینی تاکتیکی میدادند، با برخورد های
تندی روبرو شده و انگ ترس از مرگ میخوردند.
در حالیکه اگر به هیچ وجه احتمال عقب

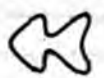
نشینی را ندهیم با اوج گرفتن توطئه ها و
طاعت فرسایش فشا دشمن بدلیل فسادان
تاکتیک عقب نشینی نبودن خط دفاعی و
با شکستن خط اول امکانات برای مقاومت
نبوده و منجر به کثرت شهدا میگردد. تکرار
این رویه که پیش بینی شکست خط اول را
نکنیم، جمع بندی بی اعتمادی در میان
رزمندگان بوجود آورده و عقب نشینی به
فرار تبدیل میشود. ولی اگر احتمال عقب
نشینی را از اول بدهیم و تجهیزات دفاعی
و پشتیبانی لازم را نیز بوجود آوریم با
جمع آوری و سازماندهی مجدد نیروها
میتوانیم عقب نشینی تاکتیکی را به
پیروزی مجدد تبدیل نمائیم. خط مشی
" یا شهادت یا پیروزی " با به پیروزی های
قاطع تبدیل شده و یا به مقاومت جانانه و
شهادتهای زیاد و یا به فرار. مگر اینکه
عقب نشینی تاکتیکی هم در این فرمول
منظور شود.

۱۲ - همزمان با معنویت انقلاب
شیوه های غیر اسلامی هم
صدا در می شنوند

من در میان شما باشم و یا نباشم، به همه
شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید
انقلاب، بدست ناهلان و نامحرمان بیفتد.
نگذارید پیش کسوتان شهادت و خون در پیچ و
خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده
شوند.

همانطور که امام گفته اند انقلاب و
معنویت آن مستقل از همه افراد ادارات و
سیستمها به جهان مستضعفین ما در شده و میشود
ومی بینیم که چگونه در گوشه و زوایای جهان
حرکت های اسلامی اوج گرفته است. اما باید
توجه داشت همانگونه که شورا انقلابی و شیوه
سیجی و ضدا میریالیستی ما در می شود،
حرکت های غلط انقلاب نیز در جهان و در نهضت
های آزاد بخش انعکاس پیدا کرده و باعث
بدبینی آنان به انقلاب میگردد بنا بر این
به همراه اوج گیری حرکت انقلاب باید به
اصلاح شیوه های غلطی مانند شیوه های غیر
اسلامی در با جوشها، مقابله به مثل و...
همت گماریم. بنظر میرسد یکی از علل اینکه
در فلسطین قیامهایی انجام شده اما در عراق
قیامی صورت نگرفت، شیوه های غیر اسلامی
چه در داخل و چه در جنگ بوده که با بعضی از آنها
امام در همین پیام برخورد کرده اند.

امام در سال ۶۱ به هنگام مقامت ۸۸
روزه لبنان سخنانی به این مضمون گفتند که
راه آزادی قدس از طریق عراق است. در
پیام حج ۶۶ نیز بر آزادی قدس تا کید
نمودند. و پس از قیام خود جوش و سرکوبان
گفتند: که ما اگر از مسئله قدس بگذریم،
اگر ما از صدام بگذریم، اگر ما از همه کسانی
که به ما بادی کرده اند بگذریم نمی توانیم از
مسئله حجاز بگذریم. عده ای معتقدند این
بیانات حاکی از نقطه عطف یا چرخشی است در
اولویت قرار گرفته و قیامهای فلسطینی نیز



جوانها، علماء، روشنفکران روی احکام اجتماعی سیاسی قرآن کار کنند
امام خمینی



از برکات استراتژی ضدآل سعود است و این قیامها نتیجه مستقیم خون شهدای فلسطین است که در بکه به زمین ریخت. برخی معتقدند که آزادی قدس همچنان در اولویت باقی مانده. منتها شعار آزادی قدس از طریق کربلا به شعار آزادی قدس از طریق مکه تبدیل شده، یعنی صرفاً "طریقه" آزادی قدس عوض شده است. برخی معتقدند تغییر در اولویتهای خط مشی بوجود نیامده بلکه امام در این برهه آل سعود را که از حمایت صهیونیستها و آمریکا برخوردار است اصلی ترین کانون توطئه علیه انقلاب و اصلی ترین مانع برای آزادی قدس میدانند و امام صرفاً "میزان" افشاکری را نسبت به آل سعود بالا برده اند. اینک در خط مشی تغییری داده باشند.

در پیام حج سال ۶۷ امام، بیش از هر چیز به آل سعود پرداخته شده و از قدس و کربلا کمتر صحبت به میان آمده و قیامهای فلسطینی را همان شی از برکات خط مشی پراخت دانستند، که در استراتژی ضدآل سعود معنا می یابد. از امام میخواهیم که در این رابطه توضیحات بیشتری داده تا نمایمندان به انسجام لازم برسند و از این سرگردانی مقدس پرهیز شود.

۱۳ - گرسنگی آری، ضربه به اصول انقلاب هرگز

مطابق سخنان امام شاهدیم که مردم علییرغم نارضایتی هایی که وجود دارد نظیر تبعیض، برخورد با سرمایه داران، برخورد با رفا و سیاست خارجی و صدور انقلاب، مارک زنی وانگالتقاط، همیشه در مواقع حساس در صحنه های انقلاب حضور فعال داشته اند به طوری که تمام دشمنان متعجب میشوند. شاهد بودیم در روز قدس سال ۶۴ با وجود تمام فشارهای روحی مردم شجاعانه عظیم ترین راهپیمایی تاریخی خود را برگزار کردند. در موارد اخیراً میریالیسم فکر میکرد که با پذیرش قطع نامه در داخل ایران اختلافات و تفاذهای گرفته و سرانجام به جنگ داخلی خواهد انجامید. در حالیکه با برخورد صمیمانه امام با مردم قضیه برعکس شده و مردم از امام صداقت و از صدام حماقت (بخاطر حمله مجدد به ایران) دیدند و به این ترتیب در جهت دفاع از انقلاب را سختر از پیش گشتند. شاهد بودیم که حتی تمام مخالفین جنگ حقانیتی برای صدام قائل نبوده و او را متجاوز می دانستند. مردم مظلومیت نظام و انقلاب را قبول دارند و معتقدند جنگ به ما تحمیل شد، صلح هم تحمیل شد.

۱۴ - ریشه یابی وقایع اخیر: سرمایه داران و مرفهین بی درد قابل نصیحت نیستند

در پیام آمده که سرمایه داران و مرفهین بی درد قابل نصیحت نیستند. در شرایطی که در آموزشهای جاری حوزه ها، مالکیست و سرمایه اصالت دارد، تبیین جمله فوق چه میتواند باشد؟

واقعیت این است که در گذشته امام چنین اعتقادی نداشتند که هیچ کدام از سرمایه داران قابل نصیحت نیستند. و اسلام

هم به تغییر طبقه اصالت داده، نه به طبقه، حال باید دید منظور امام چیست که به این شدت چنین حکمی نموده اند؟ بنظر میرسد منظور امام جریانی از سرمایه داران و مرفهان بی دردهستند که در وضعیت فعلی انقلاب به صورت یک خطر بالفعل در آمده اند که در ایجاد زمینه های پذیرش زهرنا منقش تعیین کننده باشند. بنظر میرسد امام در همین پیام حج به ریشه یابی پذیرش زهرنا منقش پرداخته اند و به سرمایه داران و مرفهان بی دردا اشاره نموده اند. برخی از تحلیلگران اجتماعی معتقدند که در سالهای

معتقدند اکثریت جامعه هم مرفهانند و هم آرمانگرا، برخی از روشنفکران و روحانیون معتقدند که اصولاً رفا و مبارزه تضادی با هم ندارند. ولی امام بارها لزوم ساده زیستی و ضرورت هم سطحی زندگی مبارزین و مسئولین با زندگی مردم مستضعف را تذکر داده اند. امام معتقدند که ساده زیستی جزء الفبای مبارزه بوده و یک انسان مبارز قبل از هر چیز آرمانهایش را باید در زندگی خصوصی خود پیاده نماید.

در بین مسئولین و برخی بازجوه های مراکز قضایی خطی بود که به همه توصیه

باید تمام تلاشمان را بنمائیم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم.

بزرگترین درد جوامع اسلامی اینست که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده اند.

هیچ چیزی، به زنی دنیاگرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله ای هم نمی تواند پلنگ از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند.

این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج به سان قرآن مهجور گردیده است و به همان اندازه ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حقایق خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در دل خروارها خاک کج فکریهای ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است.

علیرغم آموزشهای فقهی جاری، خمینی در این پیام و پیامهای قبلی رضای خداوند و منافع مستضعفین را در یک راست قرار داده است. امام تاکید میکنند که دفاع از مستضعفین یک خط اصولی است و اصول اسلام تطابق کامل دارد. در درون جمهوری جریاناتی هستند که به هر کس بخو در جهت محرومین قدمی بردارد، مالتقاط و کمونیسم میزنند. در حالیکه در مواردی گفته امام میبایست به خدا پناه برد اما از مارک نهراید و به خط اصولی خود ادا مدهاد. ناگفته نماند که این جریان که به حامیان مستضعفین انگالتقاط میزند با تقویت خط رفا در زمینه سازی پذیرش قطع نامه نقش مؤثری داشته است.

اصلی ترین حامیان انقلاب از بی طبقه محروم و مستضعف بوده اند و امام در این از یک جریان به ظاهر مارک خورده و منزه حمایت میکنند. گرچه بعضی روشنفکران بودند که نظام یک دست بوده و کسی قصدی با جریان حامی سرمایه داری را ندارد.

۱۶ - خطر دستهای مرموز

مرزبندی اسلام محمدی و اسلام آمریکا از مهمترین محورها و تلاشهای خط امام است ولی متأسفانه عده ای سعی دارند که به چپ روی هم روحانیون را به اسلام آمریکا منتسب نموده و سیر طبیعی و انقلابی این مبارزه حق و باطل را فلج نمایند. ما شاهد آن بودیم که عناصر معلوم الحالی سعی داشتند چنین وانمود کنند که آلافلان روحانی یا شخصیت را هم آمریکا بی میدانند و اینها این مسئله از جانب کسی مطرح شده باشد. این عناصر معلوم الحال دامنه آمریکا را به حدی وسعت بخشیدند تا عنا خوشنام را هم شامل شود و زمینه را برای ضد حمله به خط امام فراهم آورند. بیت الل جنتی در رابطه با ما گفتند بسیار بی پیام اما ما چرا غرمان کنیم نه چماق تکفیر مسائل را دلسوزانه به بحث بگذاریم و به نتیجه مطلوب برسیم. به نظر ما از وظایف نیروهای انقلابی خط امام این است که علییرغم هرفشار و توطئه های تضاد ساز آمریکا بی و محمدی را به عنوان تضاد حق و باطل دنبال نمایند و یک چپ روی یا راف روی موجب فراموش شدن این خط امام نگ

۱۷ - تهدید آمریکا با انسجام درونی بیشتر

می بینیم که همزمان با پیام حج و جنگ با ما به آمریکا اخطار داده و ناوهای آن را تهدید میکنند. باید دید چه تحولی روی داده به نظر میرسد بعد از پذیرش قطع نامه موضع قانونی نظام در برابر حضور ناوگان آمریکا بی حفاظت کشتیها و دعوت کویت به جنگ نفت کشها در خلیج فارس بسیار آمریکا باقی نمانده است قبلاً نظام جمهوری اسلامی یک محمل قانونی برای درگیری آمریکا نداشت و اکنون امام با منطق قوی می تواند با آمریکا درگیر شود به صورتی مسئولین هم توجیه شده و بتوانند درگیری موضع منسجم تر تحمل نمایند.

۱۵ - امام دفاع از مستضعفین را یک خط اصولی می دانند

به نظر میرسد امام از باب ریشه یابی عقب نشینی های اخیر و پذیرش قطع نامه به رفا اشاره کرده اند. برخی از مسئولین

فقراء و متدینین بی بضاعت، گردانندگان و برهادرانندگان واقعی انقلاب ها هستند.

۱۸ - آمریکا با هویت ایرانی - اسلامی ما تضاد دارد

بعضی جریانها معتقدند که ما نباید با بریالیسم درگیر شده و بقول معروف پای روی یک بگذازیم، این جریانها حمله به منافع آمریکا و بریالیسم و به خطراتناختن ثبات آنرا ج آفرینی میدانند و معتقدند اگر ما به قاع او ضربه نزنیم امپریالیسم نیز ما را ت خواهد گذاشت. ولی امام معتقدند یکا با ما بخاطر ما هیت هواداری از حکومت نمی، ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی، ورتجاع ماست و تازه زمانی که هویت ملی می خود را حفظ نمائیم همواره در زیر پرهای امپریالیسم خواهیم بود مگر اینکه بی ملی " میلی " و به جای مذهبی " شاه الحقی " شویم و از اصول و محتوای بگذریم.

۱۹ - آزادی واقعی در راهایی ملتها نهفته است

در حال حاضر فرهنگ جهان سوم و ملت های عقب و رهنمودهای امام مالا مال از فرهنگ بی بخشی ورهایی ملتهاست. امام بیش آزادی های فردی بر روی رهایی ملتها از آل استعمار و استثماتنا کید میکنند. های این خط مشی رادرك نکرده و معتقدند ما به آزادی فردی بهانی دهند. این ه متوجه نیستند که رهایی ملتها از زیر یغ امپریالیسم و صهیونیسم در واقع همان آزادی واقعی و آزادی در راه مقابله با ظلم استعمار است و در نهایت به آزادی فردی بیشتری هم منجر میشود. رهایی ملتها ازیت عملی با امپریالیسم است و از این آزادی دیگر نمیتوان سوء استفاده نمود با یک جهت تاریخی معنی آزادی در فرهنگ انقلاب بهتر درک میگردد.

۲۰ - ایران دژ نظامی محرومین است

در حالیکه یکی دو هفته قبل از پیامی از مسئولین گفته بود ما به خاطر جذب انقلابی رابطه مان را با اکثر کشورها از پت دادیم ولی امام در پیام حج گفته اند که و ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب پذیر، نیاز سربازان اسلام راتا، مین و ان راه میانی عقیدتی و تربیتی اسلام تم چنین به اصول و روشهای مبارزه علیه تا مه های کفر و شرک آشنا میسازد.

قبلا تصور میشد که صدور انقلاب الزامی به تشکیلاتی و نظامی دارد ولی امام در پی پیام تصریح کرده اند که ایران یک دژ - می برای آموزش شیوه های انقلابی و تربیاتی انقلاب و میانی عقیدتی است. هغه ه رملتی است که خود قیام نموده و کیلات قیام را سازماندهی نماید. مناز از تدای انقلاب نیز پیشنهاد می نمودیم که در حله فعلی نیایستی به فکر صدور تشکیلاتی می انقلاب بوده بلکه اصلی ترین کار اگر شیوه های انقلابی میباشد. در کتاب تکبیر تا قدس چاپ سال ۶۱ نیز مطرح بودیم که ابتدا باید در درون عراق حُر آزادی شده و مردم عراق قیام کنند و قیام ما هم هماهنگ با نیروهای داخل انجام

۲۱ - پذیرش قطع نامه قربانی کردن عزت و اعتبار در راه مصلحت اسلام

" إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْخَنْزِيرَ وَمَا أَهَلَ بِهِ لَغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ أَضْطُرَّ بِبَاغٍ وَلَا عَادِلٍ فَلَا تَمُ عَلَيْهِ . إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ "

سوره بقره ۱۷۳

حزاین نیست که حرام کرد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را نام حزن خدا بر آنان برده شده. پس اگر کسی به اضطرار ریفتند (ناچار شود) ستم کننده و تها و زکندنده نیست و گناهی برا و نیست همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.

طبق آیه فوق و آیات دیگر در این زمینه مثل آیه ۳ سوره مائده حکم قرآن به این صورت است که اگر بنده ای مضطرب و ناچار شد در شرایط خاصی برای دفع ضرر میتواند عمل حرامی را انجام دهد اما به شرط و شروط خاصی که بدین مضمون در تفسیر پرتوی اقرقرآن آقای طالقانی آمده است. و شرایط را آیات مشخص نموده است:

- ۱ - دلایل محکمی برای شرایط اضطراری داشته باشد.
- ۲ - انجام حرام برای رضای خدا باشد یعنی ن به حکم قرآنی بدهد.
- ۳ - در انجام عمل اکراه داشته و احساس لذت ننماید.
- ۴ - در شرایط واقعا " اضطراری " عدم انجام این عمل حرام است.
- ۵ - وقتی این عمل را انجام میدهد استغفار کند یعنی خود سازی نماید تا با رد دیگر مضطر نگردد. البته این عمل عقوبت اخروی ندارد.
- ۶ - انجام عمل در حد دفع ضرر باشد و از آن - حد تجاوز نشود.
- ۷ - این عمل موقت و گذرا و نسی است یعنی وقتی شرایط اضطرار از بین رفت باید به حکم و روال اول برگردیم.

بنظر میرسد شرایط پذیرش قطعنامه نیز مانند این حکم قرآنی به علت اضطرار بوده است به این دلیل که ما مبارها تا کیسد کرده بودند که صلح بین اسلام و کفر معنا ندارد (منظور امام صلح و آشتی دائمی و همزیستی مسالمت آمیز دائمی با کفر بوده و به این مفهوم نیست که با ید تا روز قیامت مبارزه را کنا رگذاشت ولی آنچه در صدر اسلام هم داشته ایم، در حد بییه، صلح امام حسن (ع) و ... همه محدود و مدت دار بوده است و امام با زهردانستن این قطع نامه محتوای آنرا در ردیف گوشت خوک و میت و پذیرش آنرا در ردیف آکل میت که یک عمل اضطراری است قلمداد کرده اند و با این کار قطعنامه را از -

اعتبار ایدئولوژیک انداخته و به عهدنا مه و مقابله نا مه موقت و گذرا تبدیل کرده اند. دلایلی که حجه الاسلام هاشمی برای شرایط اضطرار در مصاحبه ۲۷ تیر مطرح کردند عبارت بود از:

- ۱ - کاربرد وسیع سلاح شیمیایی ۲ - موضع عمدی آمریکا در قسوات و بی گناه کشی مسافرین ۳ - انگاشغالگری و جنگ طلبی که هواداران ما را مسئله دار کرد ۴ - مبارزه با علت و رها کردن ظاهری معلول برای بهتر مبارزه کردن با آن.
- بنظر میرسد ما م برخی از دلایل خود را برای تشخیص شرایط اضطرار در پیام حج آورده اند نظیر غیر قابل نصیحت بودن سرمایه داران و مرفهان بی درد، عملکرد غلط روحانیون و مسئولین در برخورد با التقاط فکری و هل دادن آنان به سمت تشکیلات ستون پنجم رجوی. مطلب مهمی

که در بیان امام به چشم میخورد این است که به امت حق دلیل خواستن داده و خودشان هم معتقدند که با یتی دلایل اضطرار را برای امت توضیح داد ولی امام گفته اند که فعلا " از ذکر آن دلایل خودداری می کنیم. (رجوع شونده مقاله بن بستهای عملیات چشم گیر بن بست تک گسترده).

امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامیمان احساس می کنند که می توانند اندیشه های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، علماء و روحانیون با روی گشاده و آغوش باز، حرفهای آنها را بشنوند و اگر بیراهه می روند با بیانات آکنده از محبت و دوستی، راه درست اسلامی را نشان آنها دهند.

به نظر میرسد تشخیص امام از شرایط پذیرش قطعنامه نیز شرایط خاص علت است اضطراری بوده است و گفتند بیدا به حال من که این زهر را نوشیده ام و با این کار زهره سر نوشیده ام و دعا کردند که خدا و ندا تلخی این زهر را به شیرینی لقاء خود و فرج صاحب الزمان بر طرف نما و گفتند که من بروی خود را با خدا معامله نموده ام، اما در حالی که نوشیدن زهر را به خود نسبت داده اند و لسی از محیط و شرایطی که موجب پذیرش زهرنا مه شد غافل نیستند و این یکی از ظریفترین هنرنامه های امام در عالم سیاست بود امام مثل برخی تحلیلگران این پذیرش را به شرایط و محیط جبری نسبت ندادند و تسلیم جبر و اختیار فلسفی نشدند که معتقد است بعضی کارها جبری و بعضی کارها اختیاری است و یا حداکثر به میانگین جبر و اختیار میرسند. بلکه امام در باب اختیار و اضطرار قرآنی محتوای پیام حج را اختیار نمودند و نشان دادند که در هر شرایطی اراده و اختیار است که اصلت دارد و این عمل را به انسانی چون خود نسبت دادند و گفتند بیدا به حال من که زهر را نوشیدم. و با این هنرنامه بی درکار در اعتقاد نشان حداقل امتیازات استراتژیک را داده و حداکثر امتیازات ایدئولوژیک علیه دشمن را به صورت یک نهاد و نهضت تثبیت میکنند.

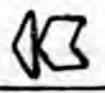
ندادن برای پایان جنگ عملا راه حل قطع نامه شورای امنیت به رهبری آمریکا را هموار کردند. امام درس بزرگی به اینها دادند و نشان دادند که هدف ابرقدرتها صرفا پایان جنگ نیست. بلکه پایان جنگی است که همراه با پذیرش رهبری ابرقدرتها و بساز شدن شیرهای نفت و پیدا شدن سروکله آمریکا

و ابرقدرتها باشد در حقیقت سعی ابرقدرتها انتقال رهبری و استقلال از ایران بشورای امنیت و ابرقدرتها بود که البته جریانیهای فوق الذکر بدون انتقاد از خود حق اعتراض به شرایط پس از پذیرش قطعنامه ندارند. امام با علم به اینکه خواسته ابرقدرتها از ابتدای جنگ و محتوای قطعنامه ۵۹۸ زهر آلود است در برابر قطعنامه مقاومت نموده و برای نیروهای انقلابی جای سو ال نیست که چرا زودتر این کار نشد بلکه جای این سوال خالی است که چرا بیش از این مکمل مقاومت امام نبودیم. البته صاحب دستهای مرموزی که در ابتدا موافق پذیرش قطعنامه بوده و اکنون با پذیرش آن مخالفت میکنند جدا میباشند (۱۳۳) در اینجا یک سوال دردناک وجود دارد و آن اینست که همان جناحهای مطبوعاتی که هنگام تصویب لوایح مترقی به نفع مستضعفین نظیر تقسیم زمین، قانون کار و ... مقا و متها کردند و با راه اکثریت آرا مجلس را زیر سوال بردند و با این منطق که دلایل اضطرار رکافی نیست همه چیز را تو کردند چگونه در برابر پذیرش قطعنامه هیچگونه مقاومتی ننموده و فقه را به رخ نکشیده و دلایل اضطرار نخواهند استند این تصور پیش میاید که دلیل این است که مستضعفین قدرت فشار نداشته ولی امپریالیسم این قدرت را دارد که عملا موجب میشود معنویت انقلاب در اذهان

مردم عزیز و شریف ایران من به شما عشق می ورزم و شما را می شناسم و شما هم مرا می شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب این امر شد، تکلیف الهی ام بود شما می دانید که من با شما همچنان هستم بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بچنگم.

همین محتوای پیام حج بود که نهال و نهفتی برای مبارزات آینده است و در همین ویژه نامه به ذکر وجوه مختلف آن میپردازیم. امام در هنگام پذیرش همچنین میگویند بیدا به حال آنانی که در این قافله نبودند، بیدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عنیم الهی تا به حال ساکت و بی تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند. بنظر میرسد عملکرد این عده با وجود صداقت و سوابق مبارزاتی که داشتند در ایجاد زمینه برای پذیرش قطعنامه تا شایسته نباشد داشته. اینها با مخالفتشان با جنگ و شیوه

بشکند. ما از امام و سران سه قوه و سایر مسئولین استدعا داریم که با توجه به دلایل واقعی پذیرش قطعنامه نسبت به انقلاب و سازمانهای فلسطینی نیز با زنگری کرده و توجه کنند که تاکنون هیچ کدام از گروههای فلسطینی هنوز قطع نامه ۲۴۲ را نپذیرفته اند. هلیرغم اینکه تمام کشورهای عرب حتی سوریه و لیبی این قطع نامه را که شناسایی موجود است





اسرائیل است قبول کرده اند. امیدواریم با توجه به آوارگی و فشارها و توطئه‌هایی که بوده و مقامات و متبانی که تاکنون فلسطینی‌ها کرده اند و خونهایی که داده اند با نظر مساعذری نسبت به آنان بنگریم آیا راست که در مقابل ترور بوجها دبه دست صهیونیستها بی‌تفاوت و بی‌تعلیقا "خوشحلال" باشیم ولی در برابر ترور ضیاء الحق بیه

اکنون نیز باید هوشیار بود و جمع بنسبتی داد که توانمندی مردم با لایحه و ولی شکالات نمود که کسانی که با حاکم مخالف بوده بر خط امام و جنگ را تضعیف می نمودند و همیشه خواهان پایان جنگ بوده و در واقع برای پذیرش قطعنامه فشار می‌آوردند. اکنون به خط امام مارک سازش نزنند. این موضع در صورتی قابل انتقاد بود که تمام جریان‌های سیاسی در رابطه با محتوای قطعنامه موضعگیری کرده و با لایحه انجم

است که امیدواریم جبران شود.

۲۷ - اقتصاد غیرمتکی به درآمد نفت تضمین کننده انقلاب

مواردی که به عنوان اولویتها پس از آتش بس در پیام امام مطرح شده از یک طرف با زسازی مملکت و بودجه عظیم دفاعی و از طرف دیگر تقویت مبارزه علمی در دانشگاهها و حوزه‌ها میباشد. این موارد همه بودجه مالی عظیمی را ایجاب میکند و بدین لحاظ ممر این درآمدها باید مشخص و معین باشد. بودجه موارد بالا از چند طریق میتواند تامین گردد: اولاً از طریق مالیاتها: از یک طرف یکی از محکومات خط انقلاب و امام این است که وام خارجی بگیریم و از طرف دیگر مالیات بندی به شیوه جاری هم که در طی چند سال اجرا شده، با هدفهای انقلاب و امام نمیخواند و موجب نارضایتی تراشی میگردد. بهترین راه ایجاد اعتماد بین دولت و مردم بوده به این صورت که دولت شرایط را صادقانه برای مردم توضیح داده و از آنان قرضه ملی بگیرد و در ضمن با یک نگرش عمیق، قسمت اعظم مالیاتها هم ناشی از درآمد نفت است.

۲۵ - نقش دشمن در تحمیل قطعنامه

منظور امام از "تصمیمگیری مستقل" این است که مسئولان ما گوش به فرمان فلان قدرت یا بهمان ابرقدرت نبودند ما باید توجه داشت که فشارهای دشمن و بوج آوردن شرایط اضطرار در پذیرش مابسی تاثیر نبوده است. می دانیم که همه قدرتها بالاتفاق این قطعنامه را تصویب و سعی در تحمیل آن به ما نموده اند ولی همانطور که گفته شد در ضمن اضطرار امام محتوای پیام حج را اختیار نمودند منظور از تصمیمگیری مستقل این است که مسئولین ما بر اساس اعتقادشان متقاعد شوند که پذیرش کار درستی است.

۲۶ - غرور مقدس در مقابل امپریالیسم

مردم ایران ثابت کرده اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آنرا هرگز نخواهند داشت.

غرور مقدسی را که امام از آن نام برده اند غروری است که در مقابل امپریالیسم بوده و دشمنان قصد شکستن آنرا دارند و نباید ضربه بخورد. امیدواریم که این غرور مقدس موجب برخورد های غرور آمیز با مستضعفین نگشته و در مقابل ضعفای و ارباب توابع تبدیل گردد. در گذشته سازمان مجاهدین

آنان که فکر می کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و اندرز، متنبه می شوند و به آنان پیوسته و به مبارزه کمک می کنند، آب در هاون می گویند.

درونی توان مقابله با آن را تقویت می نمودند. در قضیه صفین هم ساده اندیشانی بودند که حضرت علی (ع) را به پایان جنگ دعوت کرده و فشار می‌آوردند ولی وقتی حکمیت انجام شد و فهمیدند که فریب خورده اند بیچارگی

۲۲ - ریشه یابی نقصها

جمع بندی اغلب افراد در جامعه این است که علت پذیرش قطعنامه حوادث و عواملی بود، ولی چه باید کرد که این حوادث تکرار نشده و با لاجرا در شرایطی بدتر قرار نگرفته و مجبور نشویم زهرهای کشنده ترازا پس را بخوریم. بنظر می‌رسد که چاره این امر جمع بندی از شرایط و اوضاع و بکارگیری این جمع بندی در آینده میباشد و اقعیت این است که برخی رزمندگان از سقوط فنا و و شلمچه به حدی ناراحت شده بودند که میگفتند اگر قوانین اسلامی اجازه میداد انتحار میکردیم و لذا عمیقاً به فکر ریشه یابی هستند و چه بخواهیم وجه نخواهیم ریشه یابی انجام میشود منتها چون امکان تبادل جمع بندی و ریشه یابی وجود ندارد هر فردی در محفل در ریشه یابی خود به یقین رسیده و امکان تفاهم کم گشته و ممکن است موجب درگیری های بی گردد. تقاضای ما این است که سازماندهی این جمع بندی و ریشه یابی را خود امام تعیین کنند بخصوص که پس از آزادی اسراء اگر جمع بندی و ریشه یابی واحدی نباشد مشکلات زیادی به بار خواهد آمد.

ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس مآب و دین فروش زده اند و می زنند.

۲۴ - آیا شرایط جامعه عوض شده است ؟

مدتی بود که روال انقلاب و جنگ و جامعه ایجاب میکرد که رهبران انقلاب و مسئولین وضعیت واقعی را صادقانه با مردم در میان گذاشته و مطرح کنند و از خدا درمناحا تا مردم در خط مشی استعانت جویند. بنظر می‌رسد اگر قبل از پذیرش شرایط حسینی بوده است، تا کتیکتی چون چل بیعت امام حسین (ع) در عسرتا سوعاً اتخاذ میشد و امام محتوای زهر آلود قطعنامه را با مردم مطرح میکردند مردم به کوچه و خیابانها ریخته و مانع زهر نوشی امام میشدند و آنوقت سیل مردم به جبهه ها سرازیر میگشت و در مقابل همه توطئه ها می ایستاد و آنچنان عظمتی بوجود میآید که تشکیلات ستون پنجم رجوی و صدام جرات تجاوز به مرزهای ما را نداشتند البته وضعیت بعد از پذیرش که ترکیبی بود از صداقت امام و حماقت صدام و روحی و هویت ملی و غیرت و حمیت ملی و ناموسی مردم، نشان

۲۳ - دیروز شعارها با جنگ میدادند امروز اتهام سازش می زنند

تجربه تاریخی که در این مورد قابل ذکر میباشد این مسئله است که در زمان تسخیر جاسوسخانه آمریکا در ایران لیبیرالها و رچویستها دست به دست هم داده و مواضع خط امام را در ارتباط با نگهداری جاسوسها تضعیف میکردند اما بعد از آزادی جاسوسها همه با هم به امام مارک سازشکاری زدند

ثانیاً: اینکه بودجه را از طریق فروش نفت تامین نمائیم؛ در این صورت یک اقتصاد دگملا "شعاری (وسرابی) خواهیم داشت. و دیدیم که امپریالیسم قیمت هر بشکه را از ۳۶ دلار به ۸ دلار کاهش داد که با توجه به کاهش قدرت خرید دلار به مراتب از ۸ دلار هم کمتر میشود. این چه اقتصادی است که به فرض ثبات قیمت نفت تازه مشروط است به برتری دریایی، که نداریم. و برتری هوایی، که نداریم، و نفوذ در بازارهای بین المللی که به علت استقلال و عدم وابستگی مان، اجازه نمی دهند. این اقتصاد دسرابی و شعاری استقلال اقتصادی ما را مخدوش کرده و در او یک ما را تابع ایادی امپریالیسم یعنی عربستان و کویت و عراق و ... می نماید. ریگان همزمان با قیمت شکنی نفت گفت: ما سر نخایی در او یک داریم که با زهم قیمتها را کاهش خواهیم داد. از امام استدعا داریم که بطور جدی با مسئولین برخورد های بنمایند که اقتصاد دسرابی نفت تکیه گاه ما نشود که در این صورت جز وعده و وعید دادن به مردم کاری انجام نمی گردد بخصوص که در پیام حج مسال گفته شده راهیما فی برفاقت از مشرکین است

امروز همه مصیبت و عزای امریکای شوروی و شرق و غرب در اینست که نه تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است که دیگران را هم به خروج از سلطه چهاران دعوت می کند.

که شیرهای نفت را می بندد حال اگر خط مشی برفاقت از مشرکین درون جمهوری و مسئولین آن جریان داشته باشند نفت ما را نخواهند خرید. (رجوع شود به مقاله چهارستان مولود و مبارز)

به علت درگیری های مستمری که با ساواک و دربار و ایادی بیگانه داشت دچاریک غرور مقدس تشکیلاتی شده که ناخودآگاه در بر خورده با اعضا آنها را خود کم بین می نمود باید توجه داشت، یکی از زمینه های ناراضا پتبی نسبت به سپاه و کمیته انقلاب علیرغم شهادت طلبیها و جانبازیها همین پدیده ظریف بوده

۳۲- گناه بر حسب التقاط و کمونیم کتر از خود آن نیست

استدعای ما این است که این فراز چندین با زخواننده و در مورد آن تعمق شود. بنظر میرسد که ما در این فراز جمع بندی و ریشه یابی عمیقی از ده سال گذشته انقلاب و برخی عملکردهای غلط را شده داده اند و حتی بعید نیست که ریشه یابی پذیرش قطعنامه نیز باشد. اما من باب تذکرتا گفتم خطاب به علما و روحانیون گفته اند جوانان دلسوزی را که قلبشان برای اسلام می تپد با انگ التقاط و کمونیسیم از صحنه خارج نسازید در حالی که برخی فقها هستند که التقاط را در مرحله فکری آن هم، جرم دانسته و ملتقط را مجرم می شمارند بدون آنکه عمل خلافی درجا معافا و سرزده باشد ملتقط را مرادف با مبدع و بدعت گزار می دانند و ما گناه این برخوردارها را از خود التقاط بیشتر می دانند. آیت الله ابراهیم مینی در پیش خطبه نماز جمعه تهران بدین مضمون گفته اند: " علت پیدایش گروههای مبارز جدا از روحا نیست این بوده که روحا نیون و ردمبارزه نشدند و مطالب راهنمای عملی به جوانان ارائه نکردند. " طبعاً " جوانان نی که بدنیا ل اسلام را هنمای عمل و عدل طلبی و ضد ظلمی بودند به تجربه انقلابیون جهان روی آورده و آنجا که این تجربیات مقداری هم با فلسفی بدنیا ل داشت، عدم انسجامهایی بوجود آورد که این را نمی توان التقاط نامید. بنظر ما التقاط وقتی است که دو سیستم فلسفی با هم ترکیب شوند مثل اینکه بگوئیم کلید فهم قرآن محمدی کتابهای یونانی غربی ارسطویی است؛ شاید ما مدرریشه یابی خودیکسی از عوامل تغذیه تشکیلات ستون پنجم رجوی راهمین برخوردارهای غلط دانسته اند و گفته اند گناه این برخوردارها کمتر از التقاط نیست.

۲۸ - نیاز به روشهای جدید در انقلاب فرهنگی

یکی از مسائل عمده ای که در رابطه با پیشرفت علمی مطرح است این است که پیشرفت علمی نباید حالت تقلید از غرب داشته باشد و باید در آن بتکا رونق و پویا باشد. در انقلاب فرهنگی نیز با اینکه با چنین نییتی آغاز گردید اما به جمع بندی واقعی و صحیحی نرسید و فقط به اضافه کردن بعضی دروس و گذاشتن برخی ضوابط اکتفا شد و واقعاً رابطه علم با ایدئولوژی بیان نگردید. از امام تقاضا داریم برای تغییر بنیادی نظام آموزشی روشی هم ارائه دهند تا پاسخگوی نیاز زمان شود.

۲۹ - مایه گذاشتن از آبرو برای دفاع از منافع محرومین

به نظر میرسد منظور ما از بخطر انداختن آبرو و اعتبار برای خدمت به محرومین همان آبرو و اعتباری است که جریانات روحا نیست یا دید برای تصویب شدن لوایح انقلابی مایه بگذارند. بنظر میرسد خطا با امام روحا نیونی است که با تصویب شدن لوایح انقلابی مخالفت می ورزیدند.

۳۰ - ضرورت مبارزه عملی با روحانیت وابسته

بسیار مناسب است که وقتی امام به این شدت از جناحی از روحانی نام برده و آنهارا ضربه زنده اصلی انقلاب می دانند، ارگانهای انقلابی و وزارت اطلاعات مصادیق این دسته از روحانیت را پیدا کرده و به مردم معرفی کنند تا مبارزه عملی نیز با این افراد بشود و جلوتکرا رضیه گرفته شود.

۳۱ - کاسه های صبر و مقاومت رایجاً ناشکستیم

به نظر میرسد منظور ما از ملی گراها در این پیام ملیون واقعی نیستند چرا که در جای دیگری ما از هویت ایرانی اسلامی نام برده اند و روی ملیت تا کید می نمایند. بهتر است برای مرز بندی، واژه " ملی نما" هم مثل واژه " روحانی نما" بکار برده شود. امام در پیام خودشان استدلال عمیقی بکار برده اند و آن اینکه می گویند اگر ملی گراها بودند همه کاسه های صبر و مقاومت را یکجا می شکستند و حتی حالام میگویند چرا زودتر نه، و آن موقع که قوی بودیم دست به اینکار نزدیم امام در جواب چنین استدلال میکنند که همه کاسه های صبر و مقاومت را نباید یکجا شکست و اگر قطعاً مه زهاست و پذیرش حاکمیت آمریکا در آن مستقر است چرا تا آخرین لحظه و آخرین نفس مقاومت ننماییم. اگر از موضع قدرت زهری را آکاها نه بنویسیم که چیزی جز خیانت تلقی نمیشود. برای تقریب به ذهن مقادمت یک متهم در برابر شکنجه های شاه را مثال میزنیم، آیا درست است که هنوز شلاق نخورده در اولین لحظه همسه رزمندگان را حق را بدهیم، آیا درست است مقاومت زیر شکنجه را از قیاس با مقاومت دیگران نتیجه گیری کنیم و بگوئیم: فلانی و فلانی حرفهایشان را زدن پس بهتر است قبل از شلاق خوردن و از موضع بالاتری حرفهایمان را بزنیم و آیا درست است در لحظه مقاومت تصور سازش را بنماییم. البته دیده ایم بسیاری تا پای مرگ مقاومت کردند و بسیاری هم نیتشان مقاومت بود ولی نتوانستند. در اینجا ملامت جایز نیست آنها را زجانب عافیت طلبانی که اصولاً پروسه مقاومت و مبارزه با امپریالیسم را انتخاب ننمودند و از ابتدا پرچم سفید را بلند کرده و معتقدند ما مبارزه ای با آمریکا نداریم و ظلم ستیزی و کفر ستیزی یعنی چه؟

باقیه از صفحه ۲۵
عروبت در مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق هم قوی است و شاید انتصاب آقای حکیم بجای سید محمودها شمی بهمین دلیل باشد. بعد از شعیان، ما روی کردها و عناصر ملی عراق نیرو گذاشتیم و با آنها رابطه گرفتیم و دیدیم که در کردستان عراق پیروزیهای دست یافتیم. این نشان میدهد که با ایداصل را بر مبارز بودن و عدل طلبی افراد گذاشت. فطرت خدا جو و عدل طلب را همه دارند و نباید دسته بندیهای ظاهری مذهبی برایمان ملاک استراتژیک شود. که در این صورت به قیامهای فلسطینی نیز بدبین خواهیم شد. چرا که قیام کنندگان شیعه اثنی عشری نیستند و با عنوان مثال انقلاب اسلامی مصر... بعبارت دیگر با ایستی در کادر " تضاد اسلام محمدی و اسلام آمریکا" کار کرد و لانه می توانیم به انقلاب افغانستان کمک کنیم و نه به انقلاب عراق و مصر و فلسطین و سایر کشورها. باید نصیحت مرحوم آیت الله طالقانی را به گوش جان خرید که گفتند: حرکت اسلامی آنجاست که حرکتهای خداست و استبداد و استثماری وجود دارد. امام نیز در تفسیر الحمد گفته اند: همه انسانها فطرت خدا جو دارند، حتی کافرتر و دزد سرگردنه. این ایدئولوژی میتواند استراتژیک مناسبی برای آزادی قدس نمی تواند باشد البته این امید وجود دارد که

بدنیا ل پیامهای هرساله حج، قرآنی ترو مبنای سعده را سلام میمان قرار گیرد. با توجه به این سعده و تضاد اسلام محمدی و آمریکا ای است که می توانیم مطمئن باشیم که در عراق هم " خرافینی" انجام خواهد شد و صدام هم قصاب می گردد. باید جنگ را از این حالت خصومت دو ملت و دو دولت در آوریم و به جنگ علیه اسرائیل تبدیل کنیم. از این طریق ما با استراتژی نیروهای مبارز منطقه هماهنگ شده و گام بلندی بسوی قدس، علیه اسرائیل بر خواهیم داشت. اسرائیل دولت قوی و نیرومندی است و بدون یک جنبه عمیق و قوی نمیتوان با او درگیر عملی و رسمی شد بنظر میرسد که جنبه عمیقی چون لبنان، عراق و ایران جنبه مناسبی برای درگیری با عراق باشد و از مردم رزمنده ای هم برخوردارند و می توانند دائماً " جنبه ها را از نظر نیرو و... تدارک کنند. بنظر میرسد که خط مشی عمده کردن درگیری با عربستان فاقد عناصر لازم برای آزادی قدس است و ما را در داخل و خارج میان نیروهای رزمنده منزوی نیز میسازد. چرا که ملت عربستان از تحرک لازم برخوردار نبوده و ملاک اکثر کسانیکه به حج میروند استطاعت مالی است و نه استطاعت جسمی و عقلی و... با توجه به این مسائل از یک طرف و مبارزه ای که امام با رفاه طلبی و مافیت طلبی شروع کرده اند از طرف دیگر، بنظر میرسد که کنگره حج در این مقطع مبنای

سیاسی تر شده و مبنای جهت استراتژی آزادی قدس گردد، که البته زمان میخواهد. عمده شدن مبارزه با آل سعود در این مقطع را نه نظام جمهوری اسلامی قادر است بپذیرد و نه سایر کشورهای مسلمان و نه سازمانهای رزمنده منطقه و نه حوزه های علمیه، در این فرمول عملاً فلسطینی ها هم حذف خواهند شد. شعار آزادی قدس از طریق ملت عراق، یک رکن ما هستیم، یک رکنش ملت عراق است که زرفشار رعیتی ها هستند و سایر ارکانش فلسطینی ها هستند و معاودین و مردم لبنان و بیسجی های جهان برخی معتقدند که آزادی قدس از این طریق به یک شعار رکنه و ناموفق تبدیل شده و آب و رنگی ندارد. بنظر ما اینطور نیست، بلکه شیوه های غیر اسلامی و نارسای مبارز جنگ بود که آنها ما تی در مورد این خط مشی بوجود آورده است. بعنوان مثال پس از آزادی خرمشهر ما در اجرای قصاب صدام برنامه ریزی نداشتیم و یکباره و بدون زمینه و بدون شناسائی نظامی و بدون ارتباط با مخالفین مترقی صدام و بدون اقتناع نیروهای رزمنده داخلی و بدون " خرافینی" و بدون توجه به قانون مبارزه و جنگ (که مراحلی دارد و از عملیات کوچک کوچک شروع شده و سپس به عملیات محدود و بعد از آن به تک گسترده میرسد) به یکباره به شیوه کلاسیک و تک گسترده رمضان وارد خاک عراق شدیم و نشوند.



تجدید رابطه با آمریکا خیانت به آرمان‌های انقلاب است

نخست وزیر در مصاحبه با نشریه
کرسنت آپتیشنشنال . کیهان ۱۲ شهریور
۶۷ .

"... با توجه به اعمال آمریکا علیه
ایران ، تجدید روابط با واشنگتن خیانت
به آرمان‌های انقلاب و ایثارگران و محافظان
آن خواهد بود .

این ها (شرکت های خارجی) بعنوان
دوست به ایران سرا زبرنده اند اما اگر
واقعا "دوست ایران هستند قبل از آتش بس
کجا بودند در واقع آنها در جناحی که علیه
ما صورت گرفته شریکند .

پذیرش آتش بس به معنای کنا رگذاشتن
ارزشهای انقلاب نیست . جمهوری اسلامی
اهداف خود را در طول جنگ رها نکرده و بعد از
صلح نیز چنین خواهد کرد .

مهندس موسوی در مورد مردم اسلام
آیا دگفت : اینها سرمایه های واقعی ما
هستند ، لازم است که ما آنها را حفظ کنیم .

رهاشی از درد وابستگی خواسته همیشه بود

سخنان نخست وزیر در سمینار استانبول
سراسر کشور . کیهان ۱۲ شهریور ۶۷
"... درد وابستگی در دهه بود و همه
خواستند که از این مساله رها شوند ، بخصوص در
امور اقتصادی و در مورد قراردادها ، توافق-
نامه ها ، و ام گرفتن ها و حتی در رابطه با
شیاستهای اقتصادی . در دوران جنگ هم
دائما "روی این شعارها ایستادیم و اتفاقا"
همین شعارها باعث ایستادگی پیروزمانندانه
ما در جنگ بوده است .

... فکر نکنیم که اگر در جنگ به غرب و
شرق متمایل می شدیم ، میگذاشتند که بنا
به یک حالت فاتحانه نسبت به عراق سرگرد
بیاوریم ، ما را کوکر میکردند . جنگ راهم
آنطور که میخواستند به تمام میرسانند .

... ممکن نیست حالا که وضع آرام شده
تحت سیطره سرمایه های خارجی قرار بگیریم .
طبیعتا "هیچ یک از مسئولان و از نیروهای
انقلاب نمیتوانند با این مسئله موافق باشد .

توجه به سرنوشت مسلمانان جهان را نمی توانیم کنا ر بگذاریم

... فراتر از آن ، مسائل سرنوشت
مسلمانان جهان است ، بعد از آتش بس ما
دیدیم که بعضی از دوستان انقلاب اسلامی
در سطوح جهان نگران شدند که مبادا این
توجه قطع شود . چرا که اصل این توجه باعث

گسترش امواج اسلام خواهی و رفتن به سمت
اسلام واقعی در مسلمانان جهان است و این
هم یکی از اهدافی است که ما نمی توانیم
آن را کنا ر بگذاریم .
شعارها و اهداف اصلی انقلاب باید در
تمام سیاستهای ما بخصوص سیاستهای
داخلی ، خارجی و اقتصادی خودشانرا نشان
دهند .

راه مجاهد:

توجه شود که این مواضع آقای مهندس
موسوی قبل از استعفای ایشان بوده و
هدایتی است نسبت به روند آتی انقلاب
برای دلسوزان انقلاب .
بمنظر میرسد که مسئله ای که ایشان را تا
به این حدنگران ساخته فراتر از یک رابطه
معمولی بوده باشد .

دربازسازی

گام نخست ساختن اقتصاد ملی است

مصاحبه بهزاد نبوی پیرامون تدوین
استراتژی توسعه . ۸ شهریور رسالت

اشکالات طرح زودرس بازسازی

" ما خیلی زود مسئله بازسازی را به
صورت موضوع روز در آورده ایم ، باید اول
تکلیف جنگ روشن میشد و بعد این موضوع به
عنوان موضوع روز مطرح میشد . طرح زود رس
بازسازی اشکالات زیادی دارد که عیار رسیدن
از ۱ - جوامع برکشور طی هشت سال گذشته
یک جو جنگی و مبارزه بود که بطور نا خود آگاه
با طرح این مسئله از بین میرود . زیرا فاصله
آتش بس و صلح دائمی و پایداری ممکن است
یک فاصله طولانی باشد . تجربیات منطقه
خلیج فارس مثل جنگ اعراب و اسرافیل
در سال ۱۹۴۸ که از آن پس تاکنون مرتب
آتش بس برقرار رونق میگیرد و پایداری ما
درس عبرتی باشد . و املا" معلوم نیست که
واقعا "آتش بس مترادف با صلح باشد در این
فاصله آتش بس ، تا صلح دائمی بیاورد آماجگی
کامل خود را حفظ کنیم . زیرا دشمن مادشمنی
نیست که بشود به او اعتماد کرد .

۲ - ما نباید قبل از آنکه چاههای را
بکنیم منار را بزدیم . پذیرش قطعنامه
امرنا گهانی بود ، هیچکس آنرا پیش بینی
نمیکرد ، بنا بر این ما از پیش نتوانستیم
خود را آماده کنیم و بر نامه مدونی داشته
باشیم . ما برای اینکه بفهمیم چه باید کرد
تبا زه زمان داشتیم ، با بستن مطالب را
جمع بندی کرده تا اعلام نمائیم ، در حال حاضر
نظرگاه واحدی برای امر بازسازی وجود
ندارد .

دربازسازی گام نخست ساختن اقتصاد ملی است

... ما قبل از جنگ فرصت ساختن اقتصاد
ملی را پیدا نکرده بودیم ، تا بعد از جنگ
بخواهیم آن اقتصاد را بازسازی کنیم . ما
پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارث اقتصاد
یک رژیم وابسته بودیم و در یکسال و هشت ماه
اول انقلاب فرصت کوچکترین تغییری نیافته
بودیم . حتی در چارچوب همان نظام و اقتصاد
وابسته برخی از امور نیز بدنبال انقلاب
مختل شده بود . جنگ هم که پیش آمد مشکلات
فعلی افزود ، اگر چه استعدادها در جنگ فعال
شد ، ولی موفقیت کامل حاصل نگردید ...

ضرورت تدوین استراتژی توسعه

... خلاصه اینکه ما هنوز یک استراتژی مشخصی
برای توسعه نداریم ، باید این استراتژی
تدوین شود تا بتوان بازسازی را بر آن مبنا
استوار کرد . آیا ما بازمیخواهیم به شکل سابق
بندر خرمشهر داشته باشیم و نقش اول ترابری
را به آن بدهیم ؟ آیا ما میخواهیم اسکله های

نفی را به همین شکل ادامه دهیم ؟ یا خارک
به همان صورت گذشته با یک خارک باقی مانده ؟

دورنمای دستیابی به اقتصاد ملی

... ما دوران سختی را در پیش داریم تا به یک
اقتصاد ملی دست یابیم . اقتصادی که هم
مستقل وهم نیرومند و درخور شعرا ره های
سیاسی و ایدئولوژیک ما باشد .

سیاست درهای باز به چه معنی است ؟

... اگر سیاست درهای باز به معنای انتقال
تکنولوژی ، خرید تکنولوژی ، گرفتن دانش
فنی و اعتبارات تولیدی و سرمایه گذاریهای
زیربنایی و عمرانی باشد من آن موافقم
ولی اگر دریافت وام خارجی ، استقراض
خارجی برای تامین ما محتاج عمومی و
نیازهای جاری باشد آنرا منشا اسارت
مملکت میدانم و آن به شدت مخالف هستم .

بازسازی تحمیلی خطرناکتر از جنگ تحمیلی

فروریخته و با همت داخلی و مشارکت غرب
اقتصاد آن کشور از نو ساخته شده ، ابتدا "چنین
نبوده است و لا" ز این سابقه یک قرن قبل از
جنگ (از ۱۸۴۵) در زمینه ورود صنعت و
تکنولوژی رادار بوده و از نقطه نظر پیشینه
اقتصادی ، با ایران اساسا " قابل مقایسه
نیست ، ثانیاً " ز این در جریان جنگ دوم صنایع
اصلی اش از دست نرفت و عمدتا " صنایع
نظامی و سرمایه های تجاری آن کشور
تخریب شد و مضافا " و مهمتر از همه در جریان
تخریب صنایع ، دانش فنی و مهارت های
علمی و تکنولوژیک که از یک قرن قبل
اندوخته شده بود از میان نرفت لذا ز این
اساسا " نمی توان در همنودی عملی برای
ایران کنونی بدست بدهد .

با دداشت اقتصادی ، کیهان ۲۴ مرداد ۶۷ .

دو تمایل عمده در خصوص بازسازی اقتصادی

۱ - گروهی معتقدند که اقتصاد کشور
باید در راستای همان اهدافی که انقلاب بنا
جنگ بخاطر آن انجام گرفته ، پایه ریز شود .
این تمایل ، بازسازی اقتصادی را ادامه
طبیعی انقلاب یا جنگ در عرصه دیگری میدانند
و عمدتا " به توانها و امکانات موجود تکیه
میکند به گونه ای که موجبات تأمین استقلال
ورشده و اعتلای انقلاب را فراهم نماید .

۲ - لیکن گروهی دیگر بر این اعتقادند
که انقلاب و جنگ فشارهای عمده ای را متوجه
منابع مالی کشور و مردم نموده و پس از آن -
لازم است تا گشایشی در این منابع اعتدال
شود و این گشایش هرگاه به اتکا " منابع
داخلی انجام پذیرد بنا شد باید جلب سرمایه
خارجی پرداخت .

درا مربا زسازی چه کشورها پسوی را مشارکت دهیم ؟

اگر اعتقاد داریم که در طول هشت سال
جنگ کشورهای غربی بخصوص آمریکا در کنار
عراق علیه ایران جنگیده اند چرا باید
امتیازات اقتصادی و مشارکت در روند
بازسازی را به غرب واگذار کنیم ؟

ز این نمی توان در همنودی عملی برای ایران کنونی باشد

نمونه ای که در ایران با یک ارزیابی
محدود و نادرست موردا شاره قرار میگیرد ، مورد
ز این است . برخلاف یک تصور ما میانه که
ز این در جریان جنگ دوم بنیای نهی اقتصادیش

فرجام مصر ما به عبرت مشارکت غرب در امر بازسازی است

نمونه واضحی که ایران در پیش روی دارد ،
مصراست و غرب تنها حاضر است سیاست خود
در خصوص مصر را در ایران تکرار نماید . دو -
کشور ایران و مصر از اهمیت ژئوپلیتیک ،
جمعیت ، پیشینه اقتصادی و زمینشناسی و
امکانات مالی و سرمایه ای نسبتا " مشترکی
برخورداری بوده و هر دو کشور دارای نفت نیز
هستند .

رو بای تبدیل مصر به " ز این دنیای عرب " و واقعیت " بحران اقتصادی و " بحران مشروعیت

مصر پس از جنگ اکثر تصمیم گرفت تا
بازسازی اقتصادی خود را با همکاری غرب
تعقیب کند . در آن شرایط بسیاری از مدیران
و کارشناسان اقتصادی مصر قلیبا " با اور

امام: با کشورهای که نمیخواهند ما را ببلعند رابطه باید باشد



اخبار و افشا

داشته اند که اتخاذ یک استراتژی اقتصادی با همکاری غرب مصر را به ژاپن دنیای غرب و اسلام تبدیل میکند.

در آن شرایط سیاست "دروازه باز" یا "انفجاف" در مصراع عمل شد و سرمایه گذاریهای خارجی در کشور آزاد شد. آیا نتیجه ۱۵ سال این سیاست برای مصر، توانسته بحرانها و مشکلات اقتصادی آن کشور را حل کند؟

در ابتدای سیاست جدید مصر، آن کشور نزدیک به ۲ میلیارد دلار بدهی را دارا بود. امروز مصر کشوری است با ۴۶ میلیارد دلار بدهی. بحرانهای اقتصادی نه تنها کاهش نیافته، بلکه "بحران مشروعیت" قدرت سیاسی، نیز بیدارها افزوده شده است.

ناخشنودی مردم مصر از سیاست دره های باز

... مردم مصر که در ابتدای اتخاذ سیاست "انفجاف" (دره های باز) به امید دستیابی به یک گشایش و رفاه اقتصادی از آن حمایت میکردند، پس از آنکه سالها علیه این سیاست به خیابانهای قاهره ریختند و با شعار "انفجاف انبطاح" (سیاست دره های باز ذلت و خواری است) ناخشنودی خود را کاملاً این سیاست را اعلام داشتند. مسئولین اقتصادی ایران باید از گمان پروری و وسوسه میان تناسی به نمونه های ژاپن احتراز جویند و سیاست مصر را به مثابه فرجام مشارکت غرب در بازسازی اقتصاد جنگی ایران دقیقاً به یاد آورند.

با دداشت اقتصادی، استراتژیهای "بازسازی اقتصادی ایران" جذب سرمایه خارجی، واقعیت و رویاها کیهان ۰ پنجشنبه ۲۷ مرداد ۶۷

عواقب وخیم جذب بی رویه و غیر کارشناسی سرمایه خارجی در ایران

خوش بینانه ترین برآورددهای کارشناسی زمینه های موجود سرمایه گذاری در ایران را بیش از سالانه ۴ میلیارد دلار نمی بیند و تزریق بیش از این سرمایه، آنچنان حرکت بخشهای مختلف اقتصاد کشور را مختل و ناهماهنگ میسازد که عواقب وخیمی نظیر تورم و منفی شدن ضریب بازدهی سرمایه و بحرانهای شکننده اقتصادی - اجتماعی و لاینحل شدن مشکلات موجود را به بار میآورد.

سرمایه اندوزان خارجی بدنبال سودجویی بیشتر

دیوید راگفلدر در خصوص مصر گفته است: وقتی سرمایه ای از کشور خارج میشود دنبال بهره ای است که معادل آن را نمی تواند در کشور خودش بدست آورد. نسبت بهره اکنون در آمریکا بین ۱۵ تا ۱۶ درصد است اگر سرمایه را از کشور خارج شود، حداقل سودی را که خواستار آن است بین ۳۰ تا ۳۵ درصد است.

سیاست سودجویانه با نگذاران غربی و بی تفاوتی نسبت به بحران اقتصادی مصر

بانکداران برای محاصره و به تسلیم درآوردن یک کشور معمولاً ابتدا دو واقعیت را زدیده می پوشانند. یکی محدودیتهای ذاتی و عملی منابع مالی و دیگری مبالغه گویی در خصوص اهمیت کشوری که مقصد سرمایه خارجی میباشد.

راگفلدر و کیسینجر در مذاکراتشان با مقامات مصر بعد از جنگ اکتبر این گونه عمل کردند آنها گفته بودند اهمیت مصر برای ما چنان است که معتقدیم در نبردمیان سرمایه داری و کمونیسم درآینده برنده بلوکی است که مصر متحد آن باشد.

همچنین راگفلدر در ۱۳ با ملاقات شخصی و محرمانه خود با سادات - قبل از آخرین جنگ مصر و دشمن خبیث صهیونیستی - به وی گفته بود شما صلح اسرائیل را بپذیرید ما همچون برنج بر سر اقتصاد مصر دلار خواهیم ریخت. این اطمینان خاطر نا جایی بود که سادات قلباً پذیرفته بود که سیاست گذشته مصر اشتباه بوده چرا که: مصر مدتهاست در راه اشتباه گام برمیدارد و خود را با افراد مفلس دمساز کرده و اکنون وقت آن رسیده که خود را با ثروتمندان پیوند دهد.

اما مقامات آمریکایی و بانکهای جهانی نتوانستند واقعیتها را تغییر دهند و همانگونه که باید عمل کردند، نشان به آن نشان که مصر طی ۱۵ سال گذشته حدود ۳۲ - میلیارد دلار از غرب وام گرفته و نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار هم بهره آن شده است و مشکلات اقتصادی مصر نه تنها رفع نشده بلکه تبدیل به "بحران" گردید.

مسئولین اقتصادی ایران باید از گمان پروری و وسوسه عامیانه تناسی به نمونه ژاپن احتراز جویند و سیاست مصر را به مثابه فرجام مشارکت غرب در بازسازی اقتصادی ایران به یاد آورند.

افزایش بوجه تسلیحاتی مصر در شرایط صلح

... پس از صلح مصر و اسرائیل بخش عمده ای از اعتبارات غرب برای مصر در امور نظامی و تسلیحاتی بوده است، بگونه ای که مصر با حدود ۳ میلیارد دلار تسلیحات شوروی سه جنگ مهم را با دشمن صهیونیستی در ۲۱ سال به انجام رساند. لکن طی ۱۵ سال اخیر بودجه تسلیحاتی مصر ۷ برابر دوران ناصر شده بدون آنکه جنگی صورت گرفته باشد.

محدودیتها و موانع جذب سرمایه خارجی در ایران

یکی از جدی ترین موانع در روند جذب سرمایه خارجی، محدودیت زیر ساختها و فراساختهای اقتصادی با ظرفیت اقتصادی ایران برای سرمایه گذاری است. یکی از محدودیتهای دیگر در منابع تا ۰ مین سرمایه خارجی، بحران جهانی بدهیها و روند

نقل و انتقالات جهانی سرمایه است. منابع مالی جهانی بر پایه شاخصها و علائمی حرکت می کنند که تا مین حداکثر با زدهی و سود و نیز امنیت سیاسی و حقوقی و کشش اقتصادی کشور مقصد، در رأس آنها است. و همه این علائم به نسبت ایران برای جلب سرمایه خارجی دارای آرایشی با زدارنده هستند.

یکی دیگر از علل محدودیت سرمایه گذاری در ایران و بازدهی بسیار محدودتر آن، گرانی نیروی کار در ایران است.

از جمله دیگر محدودیتهای جلب سرمایه خارجی، شرایطی است که بانکهای وام دهنده و همچنین بانک جهانی و صندوق جهانی پول تحمیل می نمایند. حذف سوبسیدهای دولتی و کمک دولت به بخشهای اقتصادی و انتقال سرمایه ها و کارخانه های دولتی به بخش خصوصی ... است که هیچ تناسی با شرایط ایران را دارا نیست.

یکی از موانع ورود سرمایه خارجی به خاطر "عمل" این است که در این منطقه جنبش انقلابی داریتای نسلی بالقوه قوی میباشد. این تحلیل در مورد کشور ما این نتیجه را میدهد که غرب ممکن است در ایران برای مدت محدودی حضور پیدا کند و به سرمایه گذاری بپردازد. اما بسیار بعید است این سرمایه رازمانی که اقیانوس طوفانی خشم انقلاب اسلامی بالاگرفت، نجات دهد.

با دداشت اقتصادی، استراتژیهای "بازسازی اقتصادی ایران" و "فوریا گشایش" اقتصادی، کیهان ۳ / شهریور ۶۷

تصورات و توهمات غیر مسئولانه از بازسازی اقتصادی

یکی از گمان پردازیهای رایج در خصوص "بازسازی" اقتصادی نیل به شرایط عادی یا "فور" اقتصاد است ... محافل سرمایه داری داخلی که عمدتاً "در پشت این استنباط ضد انقلابی قرار دارند برای اعتقادند که سیاست گذاری و محدودیتهای مصرف، توزیع، واردات و تولید داخلی شرایط جنگ و نظامی هشت ساله بود، و در حال حاضر باید تمامی محدودیتهای مزبور لغو و محدودیت دولت در امور اقتصاد کشور ... محدود شود.

سیاست توزیع کالاهای اساسی توسط دولت و جیره بندی ها لغو و محتوای برنامه ریزی اقتصادی در ایران به "عصر شاهان" بازگردد و با حداقل شیب سال ۶۲ (دریافتهای ارزی ما در حال حاضر حدود ۴۷ درصد دریافتهای سال ۶۲ میباشد و تا مین حتی ۵۰ درصد از ۳/۴ میلیارد دلار (درآمد ارزی سال ۶۲) برای ما مقدور نیست) باشد. شکل خفیف تری از این توهمات میسود ملت ایران با رنج و مرارت و فداکاری ده سال شرایط انقلابی و هشت

سال موقعیت جنگی را تحمل و سپری کرده اند و در مقابل هرگونه مطالبه مادی و رفاهی طی سالهای گذشته این پاسخ داده شده که ما در شرایط جنگ یا انقلاب هستیم و در این برهه که جنگ نظامی پایان یافته چینی است و لذا باید دورانی از رفاه و وفور را آغاز کنیم.

راههای غیر اصولی سیاست حذف سهمیه بندی دولت برای حذف سیاست سهمیه بندی توزیع کالاهای اساسی تنها به دو طریق امکان عمل دارد. اول آنکه با توزیع سالانه حدود ۲/۵ تا ۳ میلیارد دلار از رزبه ارقام تخصیص یافته به واردات کالاهای اساسی، ما محتاج مردم را به وفور سرازیر سازیم و تنها راه تامین چنین وجهی استقرار اخراج خواهد بود.

دوم آنکه با میزان واردات موجود حمایت و نقش خود را در توزیع عادلانه کالا حذف کند و کالاهای موجود بر پایه مکانیزم عرضه - تقاضا و بصورت آزاد در اختیار مصرف کنندگان قرار گیرد. این امر برای کالاهای اساسی را بلافاصله به چندین برابر قیمتهای تثبیت شده افزایش میدهد و حجم موجود کالا تنها با سنگینی حدود ۴۵ درصد از نیازهای مصرف کنندگان است که به ترتیب نیمی از مردم با درآمد پایین کالاهای موجود را با نرخهای بالا خریداری کرده و حدود ۵۰ درصد مردم از تامين نیازهای خود را جزیی مانندی و بیایا مدهای سیاسی - اجتماعی چنین فرآیندی برکسی پوشیده نیست و دولت نیز هیچگاه، به سمت چنین سیاستی نخواهد رفت.

تفاوت "فور" و "گشایش" اقتصادی نکته ای که شاید تاکنون تاکید و تذکر است تفاوت میان "فور" و "گشایش" اقتصادی است. دولت باید برای ایجاد گشایش اقتصادی که مضمون آن افزایش بنیادین تولید ملی و ظرفیتهای تولیدی و اشتغال در کشور است، تلاش کند، چنین گشایشی هم ضروری و مفید و هم دست یافتنی و توانای موجود در ایران متناسب است. جهت چنین گشایشی دقیقاً "بمحتوای فور" اقتصادی مغایر بوده و دارای مضمونی مردی و انقلابی است.

بازسازی اقتصادی ادامه انقلاب و جنگ دفاعی است

با دداشت اقتصادی، بازسازی ادامه، "انقلاب" و "جنگ دفاعی" است. کیهان ۹ / شهریور ۶۷

در رابطه با بازسازی اقتصادی، باید تأکید داشت که "بازسازی ادامه انقلاب و جنگ به شیوه سازندگی است" و تمامی اهداف و آرمانهایی که در انقلاب اسلامی و جنگ دفاعی برای پاکسازی خاک میهن از

تجدید رابطه با آمریکا خیانت به آرمانهای انقلاب است. نخست وزیر

نخست وزیر



اخبار و افکار

بازنگری به روستا

اساس بازسازی غیرتقتی و غیرتحمیلی

اشغال رژیم جنایتکار عراق مدنظر بوده باید در فرآیند بازسازی اقتصادی به عنوان اصول راهنمای عمل، مورد تأکید و تعقیب باشد.

دوستان و دشمنان مادر عصر بازسازی چه کسانی هستند؟

دوستان و دشمنان مادر عصر بازسازی همان دوستان و دشمنان عصر انقلاب اسلامی و جنگ دفاعی هستند، آرمانها، اهداف و حسابها نیز به هیچنیز تغییر نکرده است. کناره‌ها و رژیم ارتجاعی عراق و تانکهای کهنه که در منابع مالی و تسلیحات شیمیایی می‌بودند، همچنان دشمنان آشتی ناپذیر ملت مسلمان ایران و آرمانهای انقلابی آن هستند. امپریالیستهای آمریکا، اروپای و ژاپنی و ارتجاع عرب نباید و نه متبویانند در فرآیند بازسازی اقتصادی ایران کمترین نقش مثبتی ایفا نمایند.

همکاری منطقه‌ای بجای جذب سرمایه ز کشورهای امپریالیستی غرب

ایران میتواند با کشورهای متعددی غیر وابسته و بعضی از کشورهای جنوب خلیج فارس همکاریهای مالی و سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشد. نمونه خوب چنین همکاری سرمایه‌گذاری مشترک لیبی، کویت، امارات متحده عربی و قطر در تشکیل "شرکت بیعه‌کشتریانی عربی" است که منافع شرکت لویدز لندن را بطور جدی به مخاطره خواهد افکند. اگر ما واقعاً "با هدف تأمین منافع ملی سوا" دنبال جذب سرمایه از کشورهای امپریالیستی غرب میرویم چرا این جذب سرمایه در جابجایی رجوی یک همکاری منطقه‌ای جهت دار انجام نگیرد.

سیاست تنزه طلبی در گرو تکیه به توان داخلی و همکاری با کشورهای خاصی است.

ایران در شرایط کنونی و به فاصله زمانی یک برنامه "پنجاهه" باید اهتمام خود را در سرمایه‌گذاری معطوف به بازسازی زیرساختهای اقتصادی نماید که فاخر از نیاز به تکنولوژی و همکاری غرب است و بدون دستبرد در کیفیت آن میتوان این مرحله را با همکاری کشورهای همانند و چین و چکسلواکی و یا حتی با تکیه به توانهای داخلی به انجام رساند. ایران در مرحله پایه‌ریزی بنیادهای مورد نیاز برای انتقال تکنولوژی است و این مرحله چندین سال طول خواهد کشید. سطح تکنولوژی کشور همانند کمترین از ایتالیا و یا کشورهای اروپای جنوبی. در بسیاری رشته‌ها کمتر از سطح استانداردهای تکنولوژیهای جهانی نیست و حفظ حیثیت ملی و انقلابی ما نیز همکاری با این گونه کشورهای راجح میدارد. ایران بهتر است در این شرایط "تنزه‌طلبی" را پیشه خود سازد و از تلاش‌های بدفرجام دوری گزیند.

مباحثه دکتر تقی زاده استاد ایرانی دانشگاه ژاپن با کیهان تحت عنوان انقلاب فرهنگی - اقتصادی مهمترین شرط بازسازی و توسعه - ۱۲ شهریور :

تفاوتهای فاحش ایران و ژاپن

بلور کلی ژاپن قبل از جنگ یعنی طی دو جنگ جهانی اول و دوم دارای بنیادهای صنعتی بوده و ساخت صنایع آن بطرف صنایع سنگین و شیمیایی استوار شده بود، و بعد از جنگ مشکل عمده ژاپن صرفاً تغذیه صنایع از جنبه مواد خام بوده است. بنا بر این تفاوتها فاحش بین ایران و ژاپن را شاهدیم.

در کشور ما یک بنیان صنعتی قوی وجود ندارد. در حالیکه ژاپن در طول جنگ در جهت سوق دادن صنایع سبک بطرف صنایع سنگین حرکت کرد. ولی ایران طی زمان جنگ از این اقدام محروم مانده است.

ثانیاً "در ژاپن بعد از جنگ بیش از شش میلیون نیروی انسانی که در سایر سرزمینهای تصرف شده و ما و راه‌ها بحار وجود داشت به کشورشان بازگشتند و در نتیجه بیکاری افزایش یافت.

ثالثاً "فرهنگ اقتصادی حاکم بر دو جامعه متفاوت است. فرهنگ اقتصادی بر اساس تولید، مصرف و صادرات کالای محلی استوار بود. و در این فرهنگ، کوچکترین انحرافی در جهت وابستگی و اتکا به رسوخ نمی‌باید و از ابتدا با عمل تمامی مشقات روی پای خود می‌ایستد و این در حالیکه که این کشور منابع سرشار طبیعی نیز ندارد

طراحی اقتصادی روی در آمدنفت محکوم، به شکست است

در ایران طراحی اقتصادی بر اساس منابع ارزی نفت صورت میگیرد قبلاً در وزارت برنامه و بودجه به محض شروع طراحی اقتصادی، ابتدای ده میلیارد دلار درآمد

این اشتباه تاریخی خواهد بود که در زمان صلح زیر بار قروض کشورهای بیگانه قرار بگیریم.

نفت فکر میکنند و بعد مدل میسازند و طبیعتاً این طرح از همان ابتدا محکوم به شکست است.

بازنگری به روستا آغاز خوبی برای بازسازی است

بازسازی اصولاً بایستی از اقتصاد اقتصادی - اجتماعی کشور آغاز شود و اتکا به واحدهای بزرگ پتروشیمی و نظایر آن نه تنها نمیتواند بازسازی تلقی گردد، بلکه نوعی خرید کمپلکس‌های بزرگ اقتصادی از خارج و انتقال آن به ایران است. اصولاً باید بجای فروش نفت خام صنعت نفت و پالایش و تولید فرآورده‌های

خواهد بود که در زمان صلح زیر قروض کشورهای بیگانه قرار بگیریم.

مجموعه‌ای از

ترتیبی مطرح شده در امر بازسازی

۱- سیاست‌های باز به معنای انتقال تکنولوژی، خرید تکنولوژی، و گرفتن دانش فنی و اعتبارات تولیدی و سرمایه گذاری زیر بنایی و عمرانی

۲- سیاست‌گذاری و محدودیتهای مصرف واردات و تولید خاص شرایط جنگ و نظامی هشت ساله بود و در حال حاضر باید تمامی محدودیتهای مزبور لغو و حدود دخالت دولتی در امور اقتصاد کشور محدود شود.

۳- ملت ایران با رنج و مرارت و فداکاری ده ساله شرایط انقلابی و هشت سال موقعبیت جنگی را تحمل و سپری کرده اند و در مقابل هرگونه مطالبه مادی و رفاهی طی سالهای گذشته این پاسخ داده شده که ما در شرایط جنگ با انقلاب هستیم و در این برهه

که جنگ نظامی پایان یافته چینیستند استدلالی دیگر فاقد توان محاب و قانع‌سازی مردم است و لذا باید دورانی از رفاه و وفور را آغاز کنیم.

۴- بازسازی ادامه انقلاب و جنگ به شیوه سازندگی است و تمامی اهداف و آرمانهایی که در انقلاب اسلامی و جنگ دفاعی برای پاکسازی خاک میهن از اشغال رژیم جنایتکار عراق مدنظر بوده باید در فرآیند بازسازی اقتصادی بعنوان اصول راهنمای عمل مورد تأکید و تعقیب باشد.

۵- انقلاب و جنگ فشارهای عمده‌ای را متوجه منابع مالی کشور و مردم نمود و پس از آن لازم است تا گشایشی در این منابع اعمال شود و این گشایش هرگاه به اتکا منابع داخلی انجام پذیرد باید به جلب سرمایه خارجی پرداخت.

عالم طراحی اقتصادی روی درآمد نفت محکوم به شکست است.

بازسازی اصولاً بایستی از اقتصاد اقتصادی - اجتماعی کشور آغاز شود و اتکا به واحدهای بزرگ پتروشیمی و نظایر آن نه تنها نمیتواند بازسازی تلقی گردد، بلکه نوعی خرید کمپلکس‌های بزرگ اقتصادی از خارج و انتقال آن به ایران است.

ج - بازنگری به روستا میتواند اساس کار بازسازی بعد از جنگ باشد.

راه مجاهد: توجه شود که آنهایی که از مدت‌ها قبل در خط صلح بودند و زهرنامه راهم به امام خوراندند برای بازسازی هم برنامه مدون دارند، اما آنهایی که پذیرش قطنامه با ایشان امر ناگهانی بوده است طبیعتاً برنامه تدوین شده برای بازسازی ندارند لذا باید با برنامه‌های تدوین شده با احتیاط برخورد کرد.

جهت دستیابی به یک برنامه اصولی و حساب شده در امر بازسازی و هماهنگی نظرات به زمان نیاز داریم. بنظر میرسد هدف امام نیز از تشکیل هیئتی از سران سه قوه و نخست‌وزیر، رسیدن به هماهنگی و وحدت نظر پیرامون بازسازی، باشد. همچنین روی عجله نمودن در امر بازسازی تأکید داشتند. توصیه میشود بجای افتادن در بحث رفاه دادن به ندادن که انزوای نیروهای انقلابی را هم در بردارد، محور بحث بازسازی را وابستگی و استقلال قرار دهیم.

خطر تصمیم‌گیری عجولانه در امر بازسازی

هجوم گروههای خارجی پس از قبول قطعنامه نوعی فشار برنامه ریزی شده برای اعمال تصمیم‌گیریهای عجولانه و بی مطالعه بنظر میآید. در حالیکه ما هیچ مسئولیت و تعهدی برای پاسخ دادن به آنها در حال حاضر نداریم و بهتر است که تا زمان کسب آمادگی، ورود نمایندگان این کشورها و شرکتها، متوقف شود.

اصلی راکه هیچگاه نباید فراموش کرد این است که شرکت‌های خارجی تنها به منافع خود تکیه میکنند و اگر جنگ نظامی پایان یافته از نظر آنها جنگ اقتصادی با ابزارهایی مانند وام بی بهره و کم بهره و نظایر آن شروع شده است ما در زمان جنگ برخلاف رژیم عراق و علی‌رغم فشارهای بسیار، هیچگونه بدهی به یار نیاورده‌ایم، و این اشتباه تاریخی



اخبار و فلسفه

لزوم برنامه ریزی

و تعیین مبارزه با آمریکا

پس از قبول قطعنامه ۵۹۸، خطوط متفاوتی در جامعه مطرح شده است مثلاً "عده‌ای توسعه اقتصادی را اصلترین مسئله میدانند، لذا دنبال ملاکهای فقهی و رسالتی برای این مسئله هستند.

عده‌ای خدمت به محرومین را اصل میدانند آنهم از طریق تصویب لوایح انقلابی در مجلس شورای اسلامی.

عده‌ای اصلاحات داخلی را مهم میدانند مثل مبارزه با گرانی، بیکاری و... عده‌ای رفاه و امنیت و معنویت را مطرح میکنند.

عده‌ای معتقدند باید با نهضت‌های آزادیبخش منطقه همکاری کرد.

عده‌ای هم آزادی قدس را می‌خواهند عده‌ای معتقدند باید با یگانگای آمریکا در داخل مبارزه شود مثل بوروکراسی ادارات، وابستگی به نفت، سرمایه‌داری عده‌ای معتقدند نظام جمهوری اسلامی ارزشهای انقلاب را زیر پا گذاشته و دارد به خطری برای انقلاب تبدیل میشود. لذا باید نظام را بازسازی نمود.

عده‌ای هم به آزادی مکه و مدینه معتقدند عده‌ای به... .

بالاخره این سؤال مطرح است که خط مشی آینده انقلاب چه خواهد بود؟ دشمن بیرونی مادر، درجه اول چه جریانی است و برای انجم بخشیدن به داخل و رفع نواقص چه باید کرد و از کجا باید شروع کرد؟

آیت‌ا... منتظری لزوم تدوین برنامه درازمدت برای مبارزه با آمریکا را مطرح کرده‌اند و امام خمینی در پیامهای اخیرشان چهارچوب اصلی حرکت را مشخص کرده‌اند (رجوع شود به سرمقاله فقها امام خمینی در راه مجاهد شماره

انشاء... صاحب نظران در این امر پیشقدم گردند و خط مشی آینده انقلاب را بطور مرحله‌ای و مشخص ترسیم نمایند

پیرامون " هسته‌های تعقل متفکر اندیشه "

در شرایط جدیدی که در ایران اسلامی بوجود آمده است نیازهای ایدئولوژیک و فکری بیشتری بیش از هر زمان دیگر در انقلاب بچشم می‌خورد. (رجوع شود به راه مجاهد شماره ۳۰ سرمقاله فکری بنی). لذا مطرح شدن هسته‌های "تعقل - تفکر" اندیشه که از طرف آیت‌ا... منتظری مطرح گردید پاسخگوی نیاز بسیاری از جوانان میباشد ولی مبنای شروع کار مشخص نیست و بنظر میرسد مبنای متفاوتی مطرح باشد، برخی معتقدند باید از تفسیر المیزان وفقه موجود و رساله‌ها و دروس حوزه شروع کرد، برخی دیگر معتقدند باید از دروس آیت‌ا... منتظری و سخنان امام و تفسیر پرتوی از قرآن مرحوم طالقانی و تفسیر محمد امام خمینی که

همه در یک راستا هستند شروع کرد. این جریان معتقد است که سخنان امام خود فقهی است غنی و مواضع ایشان مانند اینک گفته‌اند "فلسفه ارسطو با فلسفه‌ای که بعد از اسلام پیدا شده است فاصله اش زمین تا آسمان است". "امریکا در راه من ملحدین جهان است". "احکام یعنی مواجبه با خدا". "جهاد در راه احکام" و... از جنان عمقی برخوردار است که هم ضد استکباری است هم با نارسائیهای فکری درون حوزه‌های علمیه مبارزه میکند.

از آیت‌ا... منتظری نیز تقاضا داریم که در این باره رهنمودهای خود را ارائه دهند و به درد دل جوانان پاسخ گویند.

نظریه رفاه فوری ما را به وابستگی میکشاند

از بررسی اجمالی قرائن، مصاحبه‌ها و مقالات مطبوعات چنین برمیآید که در نظریه رفاه فوری اجرای بازسازی وجود دارد که طبیعتاً از دو بخش سرچشمه میگردد.

الف - نظر اول اینست که برای بازسازی بایستی به نیروهای داخلی تکیه کنیم و کارها را بدست مقاطعه کاران داخلی بسپاریم چرا که در این ۸ ساله، رنج و مرارت جنگ را تحمل نموده و در هر شرایطی کارهای مختلف را انجام داده اند. مثلاً شرایط جنگ جاده سازی نموده‌اند.

این عده معتقدند از این طریق مشکل بیکاری تا حد زیادی حل میشود. بد نظر دوم اینست که پس از ۸ سال جنگ و پذیرش رسمی قطعنامه ۵۹۸، بایستی سرمایه‌های مورد رفاه داد. به عبارتی وجه رفاهی اسلام را هم نشان بدهیم. اینها معتقدند اگر این رفاه سریع نباشد مردم سرخورده شده و نارضایتیها زیاد میشود که ممکن است شاهد تکرار جریاناتی

شبهه مصر عهد از کمپ دیوید باشیم. به همین دلیل این عده مایلند پروژه‌ها را مقاطعه کاران خارجی انجام دهند چرا که معتقدند مقاطعه کاران داخلی قیمت را کم نمیدهند تا در رقابت برنده شوند. آنگاه کار را نیمه تمام میگذارند. در حالیکه مقاطعه کاران خارجی سرعت عمل و وقت دارند.

نظریه رفاه فوری بطرح ساختن... ه هزار واحد مسکونی در سال میرسد که اگر همه مقاطعه کاران داخلی تمامی امکانات خود را بسیج کنند باز نمیتوانیم به چنین هدفی دست یابیم. تنها راهی که باقی میماند استفاده از خانه‌های پیش ساخته است که آنها فقط با وارد کردن قطعات

از پیش ساخته شده از کشورهای اروپایی مثل ایتالیا امکان پذیر است. مسلمانان روشن نه تولید ملی را بالا برده و نه ایجاد اشتغال میکند حتی باعث بروز یکسری مشکلات جانبی و پیچیده میشود. آیا نباید از رفاه فوری دست برداشت و مردم را از طرق مختلف بسیج نمود تا تن به شیوه‌هایی ندهیم که ما را وابسته نماید؟

جنگ و صلح و سرمایه داری تجاری

برخی معتقدند امام خمینی در این سیر هشت ساله دفاع و جنگ تابع سرمایه داری تجاری بوده است. و از آنجائیکه در این اواخر سرمایه داری تجاری جنگ را نفع خود نمیدهد. بر لزوم پایان آن رسید و بدینسان جنگ پایان یافت.

راه مجاهد: یکی از این سرمایه داران تجاری با ۳۰ سال تجربه تجارت گفته است که به سه دلیل در این انقلاب تضمینی برای آینده تجارت وجود ندارد.

۱- بدلیل قانون اساسی که بخش دولتی و بخش تعاونی را بر بخش خصوصی مقدمتر میدارد

برنامه ریزی، حق چه کسانی است؟

هر برنامه ریزی از یک پشتوانه سیاسی - ایدئولوژیک برخوردار است. به عبارت دیگر هر برنامه ریزی از یک "خط خاص" درمیآید.

مردم قهرمان و شهید پرور ایران از یکطرف دارای فطریتهای پاک و خدا جو بوده و از طرف دیگر آزادی رزمندگی دارند، یعنی مبارزه علیه ظلم و ستم با خون و گوشت و پوستشان عجب شده است. این مردم قهرمان دارای خط انقلابی اند و شعارهایی میدهند، نیاز واقعی شان بوده و از همان خط انقلابیگری شان برخاسته است. بایستی این شعارها که مبتنی بر خط مشی انقلاب است به شعور تبدیل شده و سپس تحقق یابد. یعنی هر برنامه ریزی برای این ملت بایستی بر این اساس باشد.

باید هشیار باشیم که ما را افراد و جریانهای مرموزی با وجهه انقلابی بهایند و مطرح کنند: دیگر شعار پس است، کار پرورد و شعارند هید که وقت عمل است. باید برنامه ریزی کرد. برنامه ریزی را هم مشخص میکنند. این افراد خودشان را بعنوان متخصصین میدانند. و اکثر "آمریکا باورو خود باخته" غریند. وقتی هم که میخواهند با اصلاح برنامه ریزی کنند واضح است که بر اساس "بیش" و "خط" خودشان برنامه ریزی در زمینه‌ها مختلف میکنند. ولی همیشه شعار میدهند برنامه ریزی باید مستقل از خط و خطوط سیاسی باشد.

پس باید هشیار باشیم، در شرایط کنونی انقلاب هر برنامه ریزی (چه دراز مدت و چه کوتاه مدت) بر اساس شعارهای فطری مردم باشد نه اینکه وقت خون دادن به مردم و شعارهاشان تکیه کنیم ولی در وقت سازندگی مردم و آرمانهایشان به کاری زده شوند و آدمهای خود باخته به غرب و شرق برای ایران اسلامی، برنامه ریزی کنند.

۲- بدلیل جنگ که ادا آن موجب میشود تا سیاست صدور نفت ضربه خورد و نتیجتاً ارزش نفت و صادرات نداشته باشیم که نتیجتاً آن رکود تجارت است.

۳- بدلیل نظام تعاونی توزیع و ولست مهندسی موسوی که نقش تجار را در توزیع محدود نموده است.

البته نمیتوان منکر شد که سرمایه داری تجاری بعنوان یک عامل فشار در پذیرش قطعنامه موثر بوده است.

ضمناً چون برخی از سرمایه داری تجاری آینده‌ای برای خود در انقلاب نمیدیدند، سعی داشتند آینده را به حال تبدیل کنند به این طریق که با احتکار و گرانفروشی مخارج چند نسل بعد از خود را در بر میآورند.

چکمی

مسئول خزنهای باحق ریخته بسجیان

در اسلام آباد، گزند، و سر بل ذهاب است؟

مصاحبه با آقای اسد... لاجوردی
جمهوری اسلامی ۶۷/۵/۱۵

بطور کلی گروهکهای و سبزه منافقین برای رسیدن بقدرت از هر وسیله‌ای اعم از آدمکشی، سرقت و رعایت نکردن موازین اخلاقی استفاده میکنند و طبعاً باید برخورد با اینها یک برخورد قرآنی باشد قرآن کریم به پیغمبر و مومنین دستور میدهد که بر کفار و منافقین سخت بگیرند و آنها را در فشار قرار دهند. متأسفانه در طول چند سال اخیر برخلاف مطمحست اسلام با منافقین برخورد شده است. طبق اطلاعاتی که در دست هست اکثر کسانی که بنام توابان زندان آزاد شده‌اند مجدداً به سازمان منافقین پیوسته‌اند که تعدادی از آنها نیز در عملیات مرصاد به هلاکت رسیدند از سال ۶۰ تا اواخر سال ۶۳ که با منافقین بشدت برخورد شد اینها حتی نتوانستند به نفع راهم جذب سازمان نمایند اما بعد از آن با منافقین با سستی و ماماشات رفتار شد و اعضا آنها به اسم توابان زندان آزاد شدند و نتیجه این آزادی همین شد که در حمله به شهر اسلام آباد و کردند و سر بل ذهاب و مناطق دیگر تاکنون تعدادی از رزمندگان سلحشور اسلام را به شهادت رسانده‌اند واقعا "چه کسی مسئول خونهای باحق ریخته بسجیان مظلومی است که بدست منافقین به لقا... پیوستند طبق دیدگاه قرآنی کسانی که شفاعت منافقین را کرده و باعث آزادی آنها شده باشند، در تمامی اعمال سیه، آنها شریک هستند. قضاوت و حکام شرع دادگاهها نباید گول مظلوم نمایی‌های منافقین را بخورند منافقینی که در زندانها هستند سعی میکنند که همواره خود را به اصطلاح حزب... تمام عیار نشان دهند. مظلومین ذریبط باید همیشه در برخورد با اینها اصل را با نفاق منافقین بگذارند و همواره باشک و تردید به آنها بنگردند. بهر حال هر نوع عفواً غماض نسبت به منافقین بزرگترین خیانت به انقلاب، جامعه اسلامی و خون شهدا شهادت است که بدست این جانیان به شهادت رسیده‌اند.

راه مجاهد: رجوع کنید به مقاله "ریشه یابی تجار و تشکیلات رجوی و علت ضربه پذیری ما در همین شماره".





خاتم پیامبر...

راه مجاهد :

آیت الله منتظری از یک طرف شعار هفته وحدت و وحدت شیعه و سنی در مقابل توطئه های امپریالیزم را میدهند و از طرف دیگر در بعد داخلی این جبهه به برخورد های فکری و استدلالی با آنان میپردازند، و این در حالی است که برخی از علمای سنی صرفاً به تضاد تاریخی شیعه و سنی پرداخته و از وحدت و انگیزه ضد شرق و غرب برادران اهل سنت غافلند.

جمهوری اسلامی - ۶۷/۵/۲۴ دیدار با وزیر خارجه عمان .
اگر مسلمانان به شخصیت اسلامی خود بازگردند، دیگر کجا خفای سفید و کرمی نیست نمی توانند در امور آنها دخالت کنند .
بر اساس شهادت تاریخی مردم عمان و بحرین در منطقه این افتخار را دارند که قبل از دیگران به اسلام ایمان آورده اند و حتی پیامبر اکرم (ص) برای آنها نمازینده اعزام کردند و این حتی قابل تقدیر است .
میبا شد و باید مسئولین کشورهای اسلامی در فکرایین معنی باشند که سطح فرهنگی اسلامی را رنده و تفتیق نمایند تا انشاء الله اسلام حاکم گردد و مسلمانان از بند صهیونیسم و استعمار غرب و شرق نجات پیدا کنند .

بن معنا منحصر به عامه بسر هانیت ، هر کس به اسرار خلقت پی برد دانشمند است

جمهوری اسلامی - ۶۷/۵/۲۹ در جمع دانشجویان خارج از کشور .
مقصود از علم و دانش که در روایات اسلامی این همه سفارش شده ، فقط علوم دینی و معارف الهی نیست ، البته این علوم در راه همه علوم است ، ولی اعلام به تمامی علوم که بشر برای تکامل خود به آنها نیاز داشته توجه کرده است .

دوره فاطمه و طرخدا و ندبه اکثر علوم غیر دینی از قبیل انسان شناسی ، دین شناسی ، زمین شناسی ، گیاه شناسی و حیوان شناسی اشاره کرده و بعد میفرماید این دانشمندان هستند که از خدا میترسند ، این معنا منحصر به عامه بسر هانیت هر کس به اسرار خلقت پی برد دانشمند و عالم است و مضاد آیه تشریف آتمای بخش الله من عباده العلماء ،
- مبادا خدای نکرده گرفتار حالست خودکم بینی بشوید و فکر کنید اروپا فیما و آمریکا فیما از شما قویتر بوده اند ، ایرانها موقعی که در اوایل اسلام ساعت را اختراع کردند ، و برای شمارمانی پادشاه فرانسه هدیه میفرستند ، فرانسویها گفتند مسلمانها شیطان راه را این جعبه زندانی کرده اند و آترا شکستند ، استعمارگران همیشه از طریق فرهنگی و علمی سعی میکنند کشورها را عقب

نگهدارند و ما باید برای مبارزه با استعمار را ز هما نراهی که آنها وارد شده اند وارد شویم تا به موفقیت دست پیدا کنیم .

بر فرض ، حرف شما موثر واقع نشد ، تکلیف را انجام داده اید ، و هیچگاه ما یوس نشوید

جمهوری اسلامی - ۶۷/۶/۲ دیدار با علمای لبنانی .
بفرموده حضرت علی (ع) در مسیر حق و هدایت از کمی افراد وقت انما روحت نباید کرد ، آقایان به اندازه قدرت برای دفاع از حق حرفتان را بزنید و از حق دفاع کنید .
بر فرض هم موثر واقع نشد ، تکلیف خود را انجام داده اید و هیچگاه ما یوس نشوید .
- جای تا سفاست که مسلمانها نوعا گرفتار خودکم بینی و تحقیر از طرف دشمنان اسلام شده اند و به شخصیت و کرامت انسانی و اسلامی خود توجه ندارند و تا این حالت در بین ما مسلمانان وجود دارد ، سه میلیون صهیونیست بر مسلمانها مسلط اند .
فرانسویها برای خودشان گفته اند ، در لبنان اکثریت قاطع ملت مسلمان هستند ، باید سرنوشت کشور اسلامی لبنان بدست مسلمانان اداره شود .
شما از خواندن و تحصیل علوم اسلامی و احیای آثار و آرمانهای تشیع در لبنان بی بهره که روزگاری منطقه جبل العا مل در لبنان مهد قوی تشیع بوده است غفلت نکنند .

راه مجاهد :

اسلام دین برخوردارهای رشد یافته و تعالی بخش است ، این شیوه برخورد آیت الله منتظری با وزیر خارجه عمان ، نخست وزیر ترکیه ، طلاب لبنان که روی یک مقطع بالنده آنها دست گذاشته و با تشویق آنان را بسوی حرکت بهتر بعدی رهنمون میسازد ، این شیوه برخورد برای همه مسئولین چه در برخورد های داخلی و چه خارجی سرمشق و الگوی بسیار ارزشمندی میتواند باشد .
نکته قابل توجه آنکه وقتی آیت الله منتظری حتی با مسئولین کشورها هم صحبت میکنند روی سخن با ملت های مستضعفان دیار دارند برخلاف بعضی که هنگام سخن گفتن با مردم با دولتها صحبت میکنند .



با سازی غیر وابسته
در این شیوه پرسنل دفاع و تولید کشتا ورزی یکی میشود ، اگر نیروها دا و طلب باشند بهتر است و الا سرباز وظیفه هم که باشند با این شیوه هزینه شان به در آمد تبدیل میشود ، در واقع نیروها یما در آنجا بصورت چریک نیمه وقت در میآیند ، در قانون اساسی هم پیش بینی شده که در زمان صلح از ارتش بعنوان نیروی مولد در کارهای تولیدی و عمرانی بایدا استفاده کرد ، بهترین جایگاه بسیج نیرو وجود دارد اما ستانهای مری است که درگیر امر دفاع هستند .

ه : خطر انحراف از خط مشی آزادی قس

پس از کشتار و قیحه و دد منشانه حاج مظلوم ایران و سایر کشورها در مکه بحرم براثت از " مشرکین زمان " بدست حکام عربستان ، کینه و نفرت شدیدی از این خیانت ، قلوب مسلمین و انقلابیون جهان را در هم فشرد ، بغض فرو خورده این مردم مظلوم و حیرتشان از این همه قساوت و ددمنشی ، به صورت کینه متراکمی در آمد و در شکل شعرا و سخنرانها بسیاری به منصفه ظهور رسید .
عزاداریهای محرم سال قبل راهمه در یاد داریم که چگونه مردم بیاد آن مظلومان پیرو حسین (ع) اشک ریختند و سینه زدند ، شدت قساوت و هتک حرمتی که تاریخ ، مثال آنرا کمتر پیدا دارد ، بعضی را به تردید انداخته و سئوالاتی را مطرح کردند :

- آیا عراق و اسرائیل تا بحال دست به اینچنین عملی زده بودند ؟
- آیا حکام عربستان ددمنش تر از عراق و اسرائیل نیستند ؟
- آیا ظلم حکام حجاز عمیقتر از ظلم بعضی ها و صهیونیستها نیست ؟
- آیا وها بیت ، ضرباتش به ریشه اسلام اساسی تر از ضربات بعث و صهیونیست نیست ؟
- آیا نباید برای آزادی قدس ابتدا تخت سلطنت ظالمانه حکام مرتجع عربستان و امثال او را سرنگون کنیم ؟
- از جانب دیگر در پیامهای حج سال ۶۶ و ۶۷ امام خمینی در صحبتها یشان میان این دو پیام ، افشاگری از آل سعود ، بحدی زیاد بود که مدهای سئوال میکردند ، مبادا آزادی کعبه نسبت به آزادی قدس و کربلا ، اولویت پیدا کرده و معتقد بودند که امام

استراتژی ضد آل سعود را مطرح میکنند و آزادی قدس هم از همین طریق ممکن است و در این یکسال هم دیدیم که بتدریج شعرا سرنگونی رژیم آل سعود در پیامها و سخنرانیها و مقالات ظهور بیشتر پیدا کرد .

در رابطه با تبیین استراتژی آزادی قدس و آزادی قدس از طریق ملت عراق سخنرانها شد و کتابها منتشر شده ، راه مجاهد نیز در شماره های ۹ تا ۱۵ - ۶۱/۵ تا ۱۱ تا ۱۷ - ۶۱/۷ و ۱۴ تا ۱۶ - ۶۱/۱۰ در این مورد مطالبی دارد و در کتاب " سه تکبیر تا قدس " (منتشر شده در سال ۶۱) نیز مشروحا " در رابطه با این خط مشی و مراحل آن صحبت شده ، در رابطه با آزادی قدس و طریق رسیدن به آن اجمالا میتوان گفت که این خط مشی با یاد از جاشی دنبال شود که دارای ملتی رزمنده ، جان بر کف و آگاه باشد ، ملتی که خود از چشمه های جوشان عشق به آزادی قدس در منطقه و بالاقوه متحد ما در این خط مشی باشد ، در غیر این صورت همین توده ها ، بدلائیل مختلف اعم از " افکار رنجاعی " یا " محافظه کاری ناشی از عدم مبارزه " و یا " نا آگاهی " در مقابل ما می ایستند و حکام خود را یاری میکنند .
باید میان ملت های منطقه جستجو کرد ، در تاریخ و افکار و عقایدشان به تحقیق پرداخت ، آنچه بنظر رسیده اینست که ملت عراق از سایر ملل منطقه رزمنده تر و مناسبت تر است ، بنظر میرسد که رژیم بعث نیز بدلیل همین روحیه انقلابی حاکم بر مردم عراق است که شعرا رچب میدهد و یکی از چینیما ترین رژیمهای منطقه است .

بر طبق یکی از اصول سیاست ، هر جا رژیم " مترقی نما " وجود داشته باشد ، حکایت از ملتی مترقی دارد .
مردم عراق در طی ۸ سال جنگ نشان دادند که رزمنده اند و توان دارند ، این چنین نیرو و ملتی را کم میتوان پیدا کرد و اگر در خط مشی صحیحی قرار بگیرند ، اتحاد ما با آنان و ملت فلسطین نیروی عظیمی را علیه موجودیت اسرائیل ایجاد میکند ، لیکن متاسفانه ما ابتدا صرفا " شیعیان عراق که ۶۰٪ جمعیت عراق را تشکیل میدهند مدنظر داشتیم ولی دیدیم که در این مدت جنگ حتی یک خلبان شیعه هم بمایانه نیآورد - شاید دلیل این است که در عراق قومیت و عربیت بسیار قوی است و حتی مرجعیت را هم تحت تاثیر قرار میدهد ، در آنجا مرجعی که از خودشان نباشد را بسختی قبول میکنند ، این بقیه در صفحه ۲۵

درس گیری از نهضت ملی

تردید در حمایت از انقلاب روانیست

صاحب نظری میگفت اگر روزهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد علیه حکومت مردمی مصدق را به یاد آوریم میبینیم که وضعیت طوری بود که نیروهای ملی مذهبی در حمایت قاطعشان از مصدق تردید داشتند ولی امیرالایسم جهانیان و پاندهای آمریکا بی انگبسی در ایران دروازه گشایی حکومت مصدق هیچگونه تردید نکردند و مستعمروں بگیرند حال توطئه بودند ، وی با درس گیری از تاریخ معاصر اضافه کرد مبادا ما دچار چنین حالتی شویم و در حالیکه همه جناحهای صهیونیسم و

امیرالایسم و ارتجاع عرب علیه انقلاب توطئه میکنند ، ما در حمایت از انقلاب تردید داشته باشیم .
در تکمیل مطلب ، صاحب نظری دیگر میگفت : توطئه ها شیکه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی وجود دارد ، بلحاظ میزان و شدت چند برابر توطئه ها می است که علیه حکومت مردمی مصدق وجود داشت .



پرنده صلح ...!

کیهان ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۷
در خطبه‌های نماز جمعه:

عجیب است که دست شرق و غرب، ارتجاع و اسرائیل همه در کار است و حتی از عواملی مثل روحانیون جیره‌خوار استکبار هم استفاده کرده‌اند و کار بجائی رسیده که از مخفی گاه هم بیرون آمدند و بپر قدرتها رسماً در مقابل ما قرار گرفتند که این نشان وحشت آنهاست.
اما اگر من خسوستم کاغذی بودن آمریکا را نشان بدهم

کیهان ۵ اردیبهشت ۱۳۶۷
مصاحبه با شبکه دوم تلویزیون ایتالیا و روزنامه

لا استامپا :
ما واقعا فکر میکنیم نجات مسلمانها با حاکمیت اسلام است اما این کار را بزور نمی خواهیم انجام بدهیم چون می خواهیم خود آنها قانع بشوند در لبنان هم آن بخشی از مردم که قانع شدند در حال مبارزه هستند حوادث تروریستی که در منطقه است با این حوادث

مقدمه:

در راه مجاهد به شماره های ۴۰ تاریخ بهمن و اسفندماه ۱۳۶۵ و همچنین شماره ۴۱ مورخ فروردین ماه ۱۳۶۶ مجموعه سخنرانیها و مصاحبه ها و خطبه های نماز جمعه حجه الاسلام رفسنجانی راتحت عنوان " گام بگام با حجه الاسلام رفسنجانی در قضیه مک فارلین " به چاپ رساندیم . در این شماره نیز محورهای مهم و استراتژیک سخنان ایشان را از اول اردیبهشت تا آخر مردادماه ۱۳۶۷ می آوریم . صحبت های سال ۱۳۶۶ ایشان در شماره های آینده آورده میشود .
در رابطه با مردم مقدمتا " لازم است توجه کنیم که سه خط مشی موجود است :
عده زیادی هستند که حلاله بقایایشان و خودداری و موضع آنها این است که منتظرند در سیاست خارجی تضادی پیش بیاید ، آمریکا و انگلیس با هم اختلاف پیدا کنند ، تضاد بین این اردوگاه و آن اردوگاه و از طریق تضادها بتوانند یک نفسی بکشند و حرکتی راه بیندازند و مردم را هم بدنیال خودشان بکشند ، این منطق منطقی است که دیگر خریداری ندارد .

گام به گام

با حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی

در مسائل استراتژیک



مخالفیم .

ما مبارزه مردم فلسطین را قبول داریم هرکس در فلسطین برای کشور خود مبارزه بکند ما او را حمایت میکنیم مواضع سازشکاری که الان وجود دارد خیال میکنند که با مذاکره میتوانند حقوق مردم فلسطین را بگیرند ما قبول نداریم هرکس در آن مسیر حرکت بکند قبول نداریم البته نظرم آنست که ماعلا حامی مبارزان فلسطین هستیم من نمی خواهم وارد جزئیات بشوم بطور کلی من خیال میکنم از لحاظ مذاکره چیزی در حال حاضر دست فلسطینیها نمی آید مگر اینکه در مبارزه پیشرفت کنند .
تولید سلاح شیمیائی

بهترین راه همین بود که اتفاق افتاد . آنها در خلیج فارس آمدند و هیچ کاری از پیش نبردند ما با داشتن قلوب مردم دنیا به راهنمان اداه من دهم و با امید به خدایه پیروزی خود اطمینان داریم .

کیهان ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۷

مصاحبه با شبکه اول تلویزیون ترکیه : پیروزی برای ما همان است که اعلام کردیم یعنی باید حزب بعث به عنوان متجاوز اعلام و تنبیه شود .

--- مثلاً اگر شورای امنیت صدام را بعنوان متجاوز معرفی کند و جایش هم بعنوان داور مشخص شود که در باره کبیر متجاوز نظر بدهد جنگ تمام میشود و هرچه آن مرکز داور می قبول ما هم باشد قضاوت کند ما می پذیریم . . . وقتی که متجاوز اعلام شد و وقتی برای آن داور تعیین کردند ما اعلام آتش بس میکنیم .

--- ما حق میدانیم که هر زمان مداروهرانسائی با ظلم و خلاف ، مخالفت کند . البته مشکلات شما را هم میدانیم بهر حال ترکیه مسائل اقتصادی دارد عضو ناتواست و با توجه به مشکلاتی که دارد اگر ناراحت میشویم دندان روی جگر میگذاریم .

--- منتها این ملاحظات دائمی نمیتواند باشد ، تا بحال حوصله کردیم یک روزی هم ممکن است ناچار شویم . ما مشکلات ترکیه را می فهمیم . شما هم مثل ما دچار همسایه زورگو و توسعه طلبی هستید معمولاً آمریکا و شوروی با همسایه های خود نمی خواهند عادلانه رفتار کنند .

--- ما با هم همدرد هستیم . و منافع مشترک داریم طبعاً " در جنگ هم ملاحظات داریم که باعث تیرگی روابط ما نشود .

--- فکر نمیکنیم که دولت ترکیه خود را به مسائل شمال عراق آلوده سازد . چون شما میدانید اگر آنجا چنین اتفاقی بیفتد طبعاً " نفت کرکوک دیگر در محیط آشوب و درگیری قابل استخراج نخواهد بود .

--- آمریکا باید پیشقدم بشود و باید ثابت کند که روشش با ما خصمانه نیست . مثلاً اموال ما را در آنجا (آمریکا) مسدود کرده و چیزهای دیگر . اگر آمریکا روش خود را اصلاح کند و این را برای ما ثابت کند ما نمی خواهیم تا قیامت رابطه خود را با آمریکا راقطع کنیم .

آنچه میتواند حافظ منافع ما باشد همکاری کشورهای مثل ایران ، ترکیه و پاکستان است که خیلی مهم است . ما بعنوان همسایه و مسلمان و دارای منافع مشترک و تقریباً " دشمنان مشترک هستیم .

ما امکان تولید را بصورت انبوه داریم و مایل هستیم که انبارهایمان را پر کنیم از این موادی که آرزو داریم هیچوقت بدست ما بگزار گرفته نشود و هنوز هم ضرورت تولید انبوه برایمان پیش نیامده ولی وضع این صنعت در ایران و آمادگی ما بصورتی است که در مدت کوتاهی میتوانیم به اندازه کافی از این مواد خطرناک داشته باشیم .
بخشیدن صدام

در مورد بخشیدن اگر ما میدانستیم حق چنین بخششی را داشتیم یا حتی اگر این بخشیدن بمنفع ما تمام میشد این کار را میکردیم اما ما فکر میکنیم که هیچ چیز برای صلاح ملتها و منطقه ما از تامين عدالت مفید تر نیست ما فکر میکنیم اگر این جنگ با گذشت از صدام تمام بشود منطقه روی صلح واقعی را بخوبی نخواهد دید ما فکر میکنیم اگر به عدالت برسیم و متجاوز متخلف کبیر ببیند ایران و عراق و کل منطقه به صلح پایدار برسند .

ما هم انقلابمان واقعا " مردمی است و برایمان مشکل است که برخلاف " نظرات مردممان اقدام بکنیم .

در مورد مصالحه : اگر واقعا مصالحت را در این تشخیص بدهیم که باید مصالحه کرد ما این سیاست را می پذیریم این را من توضیح دادم مصالحت الان این نیست این مصالحه ممکن است برای ما و منطقه و حتی مردم عراق خیلی گران تمام بشود ما یک راه مشخصی در شورای امنیت مطرح کردیم گفتیم همه بعنوان متجاوز او را قبول دارند رژیم بغداد را بعنوان متجاوز معرفی کنند ما آتش بس را می پذیریم .

در مورد قضیه مک فارلین : ما دنبال نیازهای تسلیحاتی مان بودیم و برخورد کردیم با کسانی که حاضر شدند نیازهای تسلیحاتی مان را به ما بفروشند و ما هم از آنها خرید کردیم . ما فکر میکنیم که روی اصول نباید معامله کرد بشر ضرر میکند از اینکه اصول خود را بخاطر ملاحظات مادی زیر پا بگذارد در موارد زیادی هم ما حاضریم انعطاف نشان بدهیم اگر اصولمان از بین نرود .

در مورد بخشیدن (صدام) اگر ما میدانستیم حق چنین بخششی را داشتیم یا حتی اگر این بخشیدن بمنفع ما تمام میشد این کار را میکردیم اما ما فکر میکنیم که هیچ چیز برای صلاح ملتها و منطقه ما از تامين عدالت مفید تر نیست .

موضع سوم ، عشق به مردم است که از عشق به خدا نتیجه می شود و اگر ترکیه به مردم هم میکند ، برای استفاده از مردم و تجلی قدرت نیست بلکه چون به مردم عشق دارد آنها را سازماندهی میکند و چون میگوید که مردم باید حکومت کنند ، بنابراین تضمین این حکومت همان سازماندهی و بسیج مردم است . این تفکر است که میگوید " من ی نصرنی من الله ان طردتهم " سوره هود آیه ۳۰ . آیات مربوط به نوح (ع) میگوید : اگر من از مردم جدا شوم از جانب خدا کی به من کمک خواهد رسید؟ کیست که به من یاری کند؟

کیهان ۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۷

مصاحبه با روزنامه ایتالیایی لا استامپا : ایشان تاکید کرد که در صورت لزوم ایران قادر است در مدت کوتاهی شما نیروهای خود را به سلاح شیمیایی مسلح کند . . . صلح در کنار مردمی که بطور مداوم حقوق بین المللی را نقض میکنند پایدار نیست .

به یقین دشمنان ما و جهان خوار را مرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای مغربی الهی ما نمی شناسند .
امام خمینی

کام بگا ما

کیهان ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۷

خطبه های نماز جمعه : افتتاح دیگری که امریکا شیها
بخصوص تحمل کرد و هنوز هم دارند میکنند در خلیج فارس
است مسئله ها و است ما یک خسارت عمده ای داشتیم که
بناظر ادله ای که بعداً " خدمت ملت ما در شرایط مناسبتر
عرض خواهیم کرد و رادهمین شرایط از دست دادیم که
البتة این شیرینی را از کام صدام میا و حاشا بیرون
خواهیم کشید .

--- در اوپک الان عربستان و کویت نمی خواهند قیمت نفت
بالا برود برای اینکه جمهوری اسلامی ارز کمتری
نصبش شود ضرر عمده را خودشان میکنند . ما نزدیک
دو میلیون بشکه نفت میفروشیم آنها نزدیک هشت میلیون
بشکه نفت می فروشند ، چهار برابر ما آنها ضرر میکنند
ولی میگویند باشد ماضرر میکنیم ما پول توی جیب
ایران نرود که بتواند جنگ را ادامه بدهد .

امریکا بطور رسمی و علنی با ما وارد جنگ شده و همه
امکانهاش را در برابر ما قرار داده ما باید آماده باشیم
که در هر لحظه مناسب بتوانیم اقدام مناسب را انجام
دهیم .

--- اگر این جنگ توسعه پیدا کند ملت امریکا شاهی
تحويل گرفتن جنازه های کشته شده های امریکایی ز سراسر
دنیا خواهد شد . ما از چنین وضعی ما میل نیستیم استقبال
کنیم ما نمی خواهیم کار بانجا بکشد ما راه روشنی
پیش پای شما گذاشتیم این که دارید اعتراف میکنید
بطور رسمی در احکام شورای امنیت بیاید . عراق را به
عنوان متجاوز معرفی کنید بعد بگویند چند نفر عاقل
منصف (نه مثل آنهاست که درباره طبعه قضاوت کردند)
بنشینند و بحث کنند که جالب این متجاوز چکار باید
بکنیم راه با این آسانی را شما پیشنهاد کرده ایم .
--- ما هم تا وقتی که حتی یک نفر باشد که بتواند
اسلحه بدست بگیرد ز پای نخواهیم نشست .

--- ابادی (امریکا) در داخل نیز همان راه را در پیش
گرفته اند و فکر تضعیف بنیه مردم و روحیه مردم هستند
اگر این بی بندوباری ها ادامه پیدا کند و حزب اله نتواند
تحمل کند و به سراغ شما آمد دیگر از ما گله نکنید من
با رها نصیحت کرده ام و برادران حزب الهی راه هم
خویشتن داری دعوت کرده ام .

کیهان ۱۴ خرداد ماه ۱۳۶۷

خطبه نماز جمعه : ما این گروه پیش از روحانیت را که
انقلاب را اینها در سایه امام به مردم آموختند و مردم را
هدایت کردند و مردم تبعیت کردند با زبانه های ننگونه همراه
و متحد باشیم یک راه مشخصی در پیش دنیا گذاشتیم
آن راه مشخص معنایش نه سازش است و نه تسلیم و نه تنزل
از حقوق است به آنها گفتیم شما اگر ما دق با شید و میخواهید
منطقه را آرام کنید میتوانید در شورای امنیت صدام را
بعنوان متجاوز اعلام کنید و بعد هم یک جایی بسک
محکمه ای ، یک مرکز داور بنشیند و کیفر متجاوزی که
اینهمه جنایت به دو کشور کرده مشخص بکند ولی ما به
آنها اعتماد نداریم و ما با ورتن داریم .

رساله ۱۲ تیر ماه ۱۳۶۷

تا بحال در زمینه جنگ سیاست این بوده است که
گذران زندگی در حالت عادی ادامه یابد و در عین حال جنگ
هم با حملات نفوذی کم دامنه و عقب راندن قدم بقدم
دشمن در حرکت باشد . اما شرایط جدید ایجاد میکند که آن
سیاست را کنار بگذاریم برای اینکه رتبه ها جمع آوری شود
کافی نیست تدارک نیروی مهم است که باید از امکانات
کشور بیشتر استفاده شود .

--- ما نباید اجازه دهیم که دشمن دزد دنیا بتواند ما
بعنوان جنگ طلب و صدام را بعنوان صلح جو معرفی کند
خطبا و مسئولان تبلیغاتی ضمن تاکید بر ادامه نبرد تا

پیروزی باید مواظب باشند از این طرفند استکبار
جهانی جلوگیری کنند .

--- بنا بر این هرگاه سخن از پیروزی در میدان نبرد به
میان میآید بر موضوع لزوم ختم جنگ از راه غیر نظامی
هم تاکید شود ولی شرط آغاز مذاکرات برای پایان
جنگ را معرفی متجاوز اعلام کرد .

--- سابقاً " روش ناصحیحی بوده که برای جذب نیروهای
انقلابی ما برای کشورمان دشمن درست میکردیم یعنی
کشورهایی که میتوانستند بی تفاوت باشند آنها را روبروی
خود و در حال عداوت قرار دادیم با حداقل کاری برای
جذب آنها ن تمیز کردیم در مرحله پنجم ، سیاست خارجی
ما به گونه ای خواهد بود که بی جهت میدان در اختیار
دشمن قرار نگیرد .

--- ارتش شکستنا پذیر : درستاد کل نیروهای مسلح
با ستاد فرماندهی کل که اخیراً " کار خود را شروع کرد
ترکیبی را بوجود آوردیم که دولت ، ارتش و سپاه بطور
جدی حضور دارند تا هم امکانات نظامی را هماهنگ بکار
گیریم و هم از امکانات کشوری در جنگ استفاده کنیم .

کیهان ۱۸ تیر ماه ۱۳۶۷

خطبه های نماز جمعه : اگر ما با این وسعت درجهه
حاضر باشیم و آنها بدانند که ما مصمم هستیم و اینگونه
حوادث تلخ ما را به زانو در نمی آورد ممکن است توجیح
بدهند که از راه شناخت متجاوز مسئله را حل کنند و بی
راه دیگری را انتخاب نکنند . اگر ما درجهه حاضر باشیم
امیدی به هیچ راهی نمیتوانیم ببینیم و باید تنها با
گذشتن از رود خون به حق خودمان برسیم . و این راهی است
که شرایط جهانی دارد پیش روی ما قرار میدهد .

در دوسه ماهه اخیر احساس شد که مجموعه
مخالفان و دشمنان انقلاب اسلامی خیلی
جدی نمی خواهند بگذارند که ایران به
حقش برسد ، بین مسئولان سطح بالا بحث
و مذاکره شد و به این نتیجه رسیدیم
که ناچار باید تغییراتی جدی در برنامه
جنگ و دفاع خودمان بدهیم .
۶۷/۴/۲۳

کیهان ۱۳۶۷/۴/۲۳

... در دوسه ماهه اخیر احساس شد که مجموعه مخالفان و دشمنان
انقلاب اسلامی خیلی جدی نمی خواهند بگذارند که ایران
به حقش برسد بین مسئولان سطح بالا بحث و مذاکره شد و به
این نتیجه رسیدیم که ناچار باید تغییراتی جدی در
برنامه جنگ و دفاع خودمان بدهیم تصمیم گرفته شد
که در سایه ندهی نیروهای مسلح اصلاحاتی متناسب با
دفاع در زمدت انجام شود زیرا برداشتن این است که
دشمنان اسلام نمی خواهند که ما به اهدمان برسیم لذا
ما باید توان بیشتری بگذاریم و خودمان را برای دوره
طولانی آماده کنیم .

... تغییراتی در خطوط استقرار نیروهای ما لازم بنظر
رسید که عقب نشینی از طبعه یکی از آنهاست ، موارد دیگری
هم بوده که بعضی انجام شد و بعضی هم انجام میشود .
بگونه ای تبلیغ شده که ایران در خاک اعراب دنبال
فتح سرزمین است و اهداف اشغالگرانه دارد و جنگ بین
عرب و عجم است و از اینگونه مسائل .

لذا ما جنگ افروزم و عراق صلح طلب است ، ما حتما
بایست در برنامهای نظامی بگونه ای حرکت کنیم که توان
چنین تبلیغات مسموم کننده ای را از دشمن بگیریم .
دفاع ما هم متکی به فتح سرزمین نیست .
مردم تا بحال عمدتاً " جبهه ها را گردانده اند ولی الان
وضع فرق کرده زیرا دشمنان ما همه توانشان را متمرکز

کرده اند که صدام را نجات دهند و ما باید متناسب با این
توان دشمنان در میدان حاضر باشیم ما بنا داریم که در آینده
از نیروهای ثابت استفاده کنیم .

--- ما تا بحال با بدبینی با سازمانهای بین المللی
برخورد میکردیم به خاطر اینکه تحت نفوذ نیروهای
توسعه طلب و استکبار هستند ولی الان برای اولین بار به
شورای امنیت شکایت کرده ایم و این آزمایشی برای این
سازمانهاست .

--- البته من خیلی هم بدبین نیستم هر چند ما از نفوذ
قدرتهای دشمن نگرانی داریم ولی بهر حال انسانها شای
هم هستند که سعی میکنند خودشان را از نفوذ نامشروع
آنها بیرون بیاورند .

--- ضمن آنکه آن راه را باز گذاشتیم به وزارت خارجه
مان - اجازه دادیم که آن مسیر را حرکت بکند ولی اگر
بخواهیم به خاطر اینکه آن حرف را زدیم یک لحظه ای در
داخل کشورمان از جدیت جنگ غفلت نکنیم خدای نکرده
اینجا دیگر آن دست بالایی که ما داریم و اهرم هایی که
دستمان هست آنها از دستمان گرفته خواهد شد بنا بر این
باید ما درجهه حاضر باشیم .

مباحثه حجه الاسلام رفسنجانی ۱۳۶۷/۴/۲۸

با لاف جمهوری اسلامی به یک تصمیم تاریخی رسید
و با تصمیم حضرت امام برای پذیرش آتش بس یک فصل
جدیدی را از تاریخ ما باز خواهد کرد ، این تصمیم متکی
به خیلی چیزهاست که فعلاً " به خاطر اینکه عمده اینها از
اسرار نظامی هستند و من نمیتوانم توضیح دهم ، حضرت
امام ما را ما مورفروموند جلسه ای با حضور علما و شخصیتهای
سیاسی مسئول تشکیل دادیم و پیام امام دیروز در آن
جلسه خوانده شد و بررسی شد و در نهایت شیوه کار مشخص
شد و اولین گامی که برداشته شد اعلام آتش بس و پذیرش
قطعنامه بود و بعد نظرات امام در سطح وسیعتری برای
مسئولین صحبت شد و از روز های آینده و از همین امروز
در آن حدی که دشمن سوء استفاده نکند مردم عزیز را در
جریان قرار خواهیم داد و من باید در اینجا تاکید کنم
که بیشترین توجه باید در آینده به خانواده های مکرّم
شهادت ، آسیب دیدگان از جنگ و کسانی که در این دوره از
جنگ درجهه ها سرمایه گذاری جدی کرده اند ، رزمندگان
اسرا ، ممدومین و معلولهای جنگ و هر کسی که بهر نحوی
در این جهاد مقداری سرمایه گذاری کرده اینها
بیشترین سهم در این انقلاب و در آینده انقلاب دارند که
نظام متعهد در مقابل آنها مسئول است .

سؤال : شرایط جدیدی که منجر به پذیرش این
قطعنامه شده است چیست ؟

جواب : هم عملاً " و هم اطلاعات خاصی که داریم
برایمان روشن کرد که کفر جهانی و استکبار در این مقطع
تصمیم گرفته بطور جدی از پیروزی سریع ما جلوگیری کنند
و با فشاری ما در این مقطع ممکن است منجر به خسارات فوق
العاده ای ، برای مردم ما و مردم عراق شود که ما در محاسبه
اینگونه چیزها را مصلحت نمیدانیم .

--- وقتی که بما اطمینان دادند که ترکیب کمیته
تعیین متجاوز بگونه ای خواهد بود که واقعا " به حق
رسیدگی میکنند از شرط قبلی خود صرف نظر کردیم .
--- ما فکر کردیم که در این پذیرش چیزی را از دست
نداده ایم بلکه چیزهایی نیز بدست آورده ایم .

متاسفانه تبلیغات جهانی ما را جنگ افروز در دنیا
معرفی کرده بود و جنگ طلب و حزب بعثت با اینکه متجاوز
است و در جنگ همه قوانین را نقض میکنند چونکه یک
شعار مشخص دارد و اینکه او قطعنامه را پذیرفته و حاضر
است قضاوت بین المللی عمل بشود ، بصورت ظاهری یک
مطلب مردم پسندی را مطرح کرده ، افکار جهانی هم
قریب اینگونه تبلیغات را میخورند و میگویند که ایران
است که می خواهد جنگ را ادامه بدهد و این کاری که ما
کردیم نشان دادیم که ما انعطاف پذیریم .

بقیه در صفحه ۲۹

ما فکر میکنیم که روابط اصول نباید معامله کرد . بشر ضرر میکند از اینکه اصول خود را بخاطر ملاحظاتی نادیده بگیرد
حجه الاسلام رفسنجانی

بقیه از صفحه ۶

بن بستهای استراتژیک ...

این امر باعث سرخوردگی نیروهای داوطلب، انفعال وعدم اعتماد آنها نسبت به مسئولین شد و در میزان اعزامها خیلی تاثیر گذاشت. مسئله دیگری نیز وجود داشت و آن اینکه در حالیکه همه فرماندهان معتقد بودند نیروهای داوطلب موتور جبهه ها هستند در خطبه ها گفته شده که به نیروی وظیفه با بدبیشتر تکیه شود تا داوطلب.

آنچه مسلم است ما مایل نیستیم جنگ بین دو دولت و یا دولت (ایران و عراق) باشد. بلکه با پستی جنگ رها فیض محور و الگو قرار گیرد یعنی مردم عراق با رژیم بعث درگیر شوند. در آن موقع ملت و دولت ما به حمایت از مردم عراق برخیزند. و اگر در قاص صدام و حزب بعث برنا مریزی داشتیم و این قاص را همزمان با قیامهای مردم عراق ولو خفیف انجام میدادیم ارزش بیشتر برای توده های عراق قائل بودیم.

لذا در جنگ رها فیض با پستی به حرکت مردم عراق و قیامهای آنها توجه شود و درجه و نوع عملیات طوری تنظیم گردد که هماهنگ با رشد موزون ملت عراق باشد. مثلاً عملیات آنچنان بزرگ نباشد که آنها را خود کم بین کرده و برایشان الگو نشود. بنظر میرسد در عملیاتهای چند ساله جنگ به این عامل کم توجه شده است. حتی در مقطعی بدین مضمون گفته شده که اگر کودتای آمریکا بی هم در عراق بشود راضی هستیم. آیا ما بجای مردم عراق میتوانیم تصمیم بگیریم؟ یا این بیان عشق و علاقه مردم عراق را به انقلاب اسلامی سست نمیکند؟ یا تلویحا "صدام تیرش نمی شود؟ مردم عراق در این میان چه نقشی دارند. مردم خود ما هم از این بیان منفعل می شوند. آیا این بن بست آشکار در جنگ رها فیض نیست؟ وقتی که تصرف فاو و شلمچه بدون همکاری و دخالت مردم عراق و صرفاً از طریق نیروهای مسلح ما انجام میگیرد آیا در مقطعی دیگر دشمن نمیتواند آنرا با نیروی نظامی مسلح تر و مجهز تر پس بگیرد؟ با پستی در ریشه یابی سقوط فاو و شلمچه به رهایی بخش نبودن جنگ بیشتر توجه شود و اصولاً به حسابرسی خطی و استراتژیک بیشتر توجه داشت تا علت اینکه هر ضربه ای را به بی تقوایی بسیجیها و کادریها با این تریب بدهیم.

از آنجا که فرمول حذف صدام از طریق جناحی از غرب نادرست بود به خودش تبدیل شد و آمریکا نه تنها از صدام بلکه از تشکیلات ستون پنجمی چون رجوی که خط مشی برانداخت داشت حمایت نمود.

نور

۴ - آزادی گروگانها در لبنان. به وضوح آشکار است که امپریالیسم از موضع تنها حمایت نسبت به ماهیت انقلابی، انقلاب اسلامی دست برداشته است و اصل بنیادی را که صدور انقلاب و پاسخ به فریاد "یا للمسلمین" مردم مستضعف منطقه بوده است جزو شرط اساسی حذف صدام گذاشته است. کینه آمریکا فیما در کتاب بحران (نوشته ها میلتن جردن) نسبت به انقلاب ایران و خط اسلامی امام کمالاً مشخص است بطوریکه جردن از کار ترنقل میکند: "عجب یک ابرقدرتی چون آمریکا تابع خمینی شده بطوریکه حتی و در اوضاع داخلی و انتخابات آمریکا نیز دخالت کرده است". همین کینهها بوده که به جنگ تحمیلی منجر شد. از نظر آمریکا فیما در ماجرای مک فارلین محورا اصلی، ایجا در رابطه با ایران بود بطوریکه ریگان اعتراف کرد، هدف از عملیات مک فارلین تغییر دولت ایران و رابطه با یک جریان میانه رو بوده است در ریشه یابی چنین بنظر میرسد که تحلیل "سید حسین نصر" از تعدیل و تبدیل اسلام رویا روی غرب به اسلام مکمل غرب عامل اصلی در تصمیم گیری آمریکا فیما بوده که آنها را به روند آینده انقلاب ایران امیدوار کرده است. در اینجا به ذکر قسمتی از نظرات سید حسین نصر می پردازیم: "در دنیای اسلام کسانی هستند که همواره معتقد بودند که غرب سنتی و مسیحی وجهان اسلام مانند و آنچه مکمل یکدیگرند و کسانی که سعی در نزدیکی به غرب داشته و روابط با غرب را یک ضرورت بدانند اسلام سنتی هستند و در واقع رعایت سنت را نموده اند. و کسانی که با غرب با خونسخت و رویا رویی و مناقشه بر خورده می کنند و نمی گذارند اسلام به غرب نزدیک شود در اسلام بدعت بوجود آورده اند. وی حرکت امام خمینی را موجب شکافی در جهان شیعه و یک بدعت و خامت با رقلع خدا کرده است". (رجوع شود راه مجاهد شماره ۴۰)

هدف آمریکا هم همین است که اسلام مکمل و هماهنگ با غرب را جایگزین اسلام غرب ستیز و رویا روی غرب امام خمینی نماید و انقلاب را از اصولی بودن و از رویا رویی با غرب بیاندازد. آمریکا برای نیل به تعدیل در انقلاب ایران به نوبه خود اعطای قیامی نشان داد و وعده ای هم میدهند که شاید آمریکا دست از شیطنتهاش بردارد و سر عقل بیاید. لیکن پس از افشای سفر مک فارلین و عملیات کربلای ۵ آمریکا به خلیج فارس لشکر کشی کرد، همزمان صدام جشن گرفت و گفت: ایران با توجه به وقایع اخیر باید بدانند که با حقایق روبرو شده که قادر به ادامه جنگ نیست. البته موضوع جشن این بود که ایران موفق به تصرف بصره نشده ولی منظور واقعی خوشحالی صدام حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و بین المللی شدن جنگ بود که فشار روی ایران را بدنبال دارد.

در ریشه یابی چنین بنظر میرسد از آنجا که این فرمول حذف صدام از طریق جناحی از غرب نادرست بود به خودش تبدیل شد و آمریکا نه تنها از صدام بلکه از تشکیلات ستون پنجمی چون رجوی که خط مشی برانداخت حمایت نمود. باید توجه کرد که پس از تاجا و صدام - رجوی به مهران در واشنگتن تظاهراتی از جانب آنها برپا شد که دوسنا تصور

آمریکایی در آن شرکت کرده و یکی از آنها شعرا را امروز مهران فردا تهران را سردا که بدنبال او جمعیت تکرار می کنند.

مدتی پس از آن بیش از ۱۵۰ نفر از اعضای کنگره آمریکا نامه ای به شولتز وزیر امور خارجه نوشتند به این مضمون که تاکنون روابط آمریکا با میانه رویهای ایران موفقیت آمیز نبوده است و با پستی یا مخالفین نظام جمهوری اسلامی چه در داخل و چه در خارج نیز تماس گرفت کنگره شولتز را تشویق کرد که بخصوص با تشکیلات رجوی تماس و از آن حمایت کند. از آنجا که معتقدان این خط مشی با ورکره بودند که آمریکا آنچنان قدرتی دارد که شاه را حذف نماید. لذا می تواند صدام را هم برادر دارد. وقتی دیدند که آمریکا با همه امکاناتش از صدام و رجوی حمایت می کند و برشان شد که مبادا توطئه هماهنگی باشد که طراحان این خط مشی را حذف کنند. و لذا بعید نیست که این چنین اعتقاد و انسجامی به "دلیل اضطرار" تبدیل گشته و منجر به پذیرش قطعنامه شده باشد. چنین اعتقادی تصور می کند که ممکن است تشکیلات ستون پنجم رجوی با حمایت صدام و آل سعود و آمریکا و شوروی به یک آلترنا تیو جایگزین شوند تبدیل شود. چنانکه پس از دفع تاجا و آنها در منطقه غرب از جانب یکی از مسئولین چنین ادعا شد که "چون شکست خوردند ثابت شدند نمیتوانند آلترنا تیو باشند". ولی بنظر ما اگر پیروزی نظامی هم پیدا می کردند، چون حق نیستند و یابا یکی هم در درون انقلاب ندارند. انقلاب برای دفع تاجا و آنها وارد مرحله عمیقتری می شد. کما اینکه دیدیم تاجا و زجید آنها را مردم در اسلام آباد و کرسند دفع نمودند. اگر در آن عملیات پیروز می شدند و به تهران هم می رسیدند با آلترنا تیو نبودند.

آنها در حالیکه آمریکا دشمن اصلی و شیطان بزرگ و در رأس ملحدین و مشرکین جهان است، می توان برای مقابله با یک دشمن فرعی با او وارد معامله شد؟ آیا دفع فاسد به انسداد مرد رستی است؟ بنظر ما آمریکا روی تشکیلات رجوی نمیتواند بعنوان یک آلترنا تیو حساب باز کند. آنها فقط بعنوان یک اهرم فشار بر بکار گرفته می شوند تا جمهوری اسلامی تعدیل شده و بطرف آمریکا گرایش پیدا نماید. همین اعتقاد قبلاً هم مطرح کرده بودیم که برای مقابله با تشکیلات رجوی در پاریس کافیاست چند قرار داد اقتصادی با فرانسه ببندیم تا امکان فعالیت های تروریستی به آنها ندهند.

در خاتمه ذکر این مسئله ضروری است: از آنجا که هدف از این مقاله رزیابی بن بستهای تک گسترده در طسول دفاع مقدس بود، ریشه یابی و تحلیل این خط مشی به معنای تیرش خط ۳ و نادیده گرفتن نقش اصلی آنها در بن بست کشاندن جنگ نیست. چه با انقلابیونی که با نیت پاک در جهت استقلال و آزادی گام بر میدارند دلیل فقدان شیوه های متناسب با اصول تدریجاً "به هدفی غیر از نیتشان می رسند. حال با توجه به این ریشه یابی امیدواریم از تکرار این بینش در مرحله بازسازی جلوگیری نمایم.



نحوه نگرش نسبت به امپریالیسم

تحلیل منسجمی در برخی مسئولین وجود دارد که صدام می با یست از طریق غرب حذف شود که مکا نیزم آن قبلاً توضیح داده شد. صاحبان این نظریه معتقدند که این شیوه به معنای اصلت دادن به غرب نیست بلکه استفاده از تضادهای دشمن در جهت حذف صدام است. با پذیرش همین دیدگاه بود که پس از پیروزیها یکی که در جبهه ها بدست آوردیم وارد مذاکره با هیتلر مک فارلین شده و آنطور که در گزارش تاور آمده است، از طرف آمریکا قول حذف صدام داده شد. این پذیرش از جانب غرب به این دلیل بود که جناحی از غرب به این نتیجه رسید که حذف کنترل شده صدام بهتر از سقوطش توسط جمهوری اسلامی ایران است.

برادرانی که به این نظریه معتقدند هر قدر هم که صداقت داشته باشند به یک خوش باوری دچار هستند و فراموش کرده اند که آمریکا از تحمیل جنگ توسط صدام بعنوان یک اهرم فشار بر نظام جمهوری اسلامی استفاده کرد تا از این طریق انقلاب را تعدیل کند در ماجرای مک فارلین ریگان رسماً چهار هدف خود را از رابطه با ایران اعلام نمود که به ترتیب اولویت از این قرار بود: ۱ - ایجا در رابطه بین ایران و آمریکا، ۲ - پایان جنگ، ۳ - حذف نهضت های آزادی بخش

بقیه از صفحه ۱۱

نظرات پیرامون ماهیت ...

ادامه تشنج قد م برند اریم که در این صورت تشنج بالا میگردد یا باید قدم بر میداشتم از راه دیگر مسلماً با این سرعت نمیتوانستیم نتیجه بگیریم.

قطعنامه زهری در کام امام و مشابه صلح امام حسن (ع) و علی (ع) در صفین است

رسالت

۶۷/۴/۲۹
آیت الله آذری قمی
سرانجام استکبار جهانی زهر آتش پس را به کام امام مار بخت. و با قساوتش که بخرج داد بالاخره امام عزیز ما را به قبول قطعنامه ۵۹۸ و انا رکزد و او هم مانند امام مجتبی (ع) برای حفظ اساس اسلام عزیز جرعه تلخ آتش پس را سر کشید و همچون علی (ع) که میفرمود اگر عرب و عجم در مقابل من بایستند من هیچ گاه دست از دشمن برنخواهم کشید بالاخره مجبور شد که با دشمن حیلله گرو

خائن حاضر به ترك مخاصه و رجوع به امر حکمین گردد.

قطعنامه بجام زهری که امام سر کشید

آقای عباس دوزدوزانی کیهان ۶۷/۴/۱۳
جای تردید نیست که شیطان بزرگ و سایر شیاطین بنای هدم اساس اسلام و نابودی مسلمین را دارند. مواضع بسیار معنادار است در این پذیرش قطعنامه ترجمان عقیده راسخ ولایت فقیه و جلوه بارز صداقت و تعهد امت بود که آنروزها با حضور در جبهه ها تحقق یافت و ادامه نارد و امروز به توقمی صمیمانه از نظام که در عین حال کاملاً جدی است تحول یافته است. توقع مردم که از اینکه امام مسموم جام را در داد و ستد با خدا سر کشند متاثرند تا انشاء الله انتقامی که حضرت امام از آن یاد کردند گرفته شود.

..... یک جلساتی ما داشتیم که بررسی کنیم شرایط جبهه را که سران سه قوه بودند با بعضی مسئولان نظامی که جمع بندی کردیم و خدمت حضرت امام بردیم . بعدش همان جلسه ای بود که من اشاره کردم امام تصمیم شان را بصورت یک پیام کتبی فرستادند برای جلسه که آن پیام آنجا خوانده شد و بحث شد در کیفیت پیاده کردن پیام امام که همین قبول آتش بس بود .

سوال : چرا پس از گذشت یکسال از صدور قطعنامه امروز ایران آنرا پذیرفته است ؟

جواب : ما قطعنامه را رد نکردیم یک شرطی گذاشته بودیم که اول کمیته تعیین متجاوز تشکیل شود ولی این اواخر روشن شد که ممکن است حوادث بسیار تلخی در منطقه رخ دهد که نقطه عطف آن سقوط هواپیمای مسافربری ما بود که با هر مجاسه ای این مسئله را عادی نمیدانیم یعنی امریکا عملاً اعلام کرده که اگر جمهوری اسلامی در تمام راهی که دارد اصرار بر رزد جنایت عظیمی را بپوشاند آورد ، ما این حرف را در عمل می بینیم ، اگر یادتان باشد آیتا... منتظری بعد از این حادثه سقوط هواپیمای مسافربری توسط امریکا پیما می خدمت امام دادند همانجا فرمودند خوب است ما به علت بیبرادریم دست از معطل برداریم ، نظر ایشان صریحاً " همین جا بود که فرمودند حالا که امریکا اینطور عمل میکند ما مبارزه اصلیمان را با امریکا قرار بدهیم و اگر دست امریکا را قطع کنیم عراق هم چون معلول امریکا ست از بین خواهد رفت .

تا قبل از حادثه سقوط هواپیمای مسافربری ایران توسط امریکا بحث در زمینه قبول قطعنامه ۵۹۸ اصلاً مطرح نبود ولی پس از این فاجعه و پیام آقای منتظری بصورت جدی مطرح گردید و موقعیکه حضرت امام به نتیجه رسیدند به ما دستور دادند تا جلسه ای تشکیل بدهیم ، این جلسه تشکیل شد و عصر به نتیجه نهایی رسیدیم از شب گذشته نیز در صدا اعلام آن به دبیرکل سازمان ملل برآمدیم .

کیهان ۵ مرداد ماه ۱۳۶۷

گفتگوی تلویزیونی : ریگان اگر ما دقانه صحبت میکند با آزاد کردن موال ما میتواند زست خصمانه نگیرد . البته من همان موقع هم گفتم ، اگر آنها چنین کاری بکنند ما هم از نفوذ خودمان در لبنان استفاده میکنیم و برای حل مشکلات امریکا شفاعت خواهیم کرد .

رسالت ۸ مرداد ماه ۱۳۶۷

خطبه های نماز جمعه : حرف ما را دنیا درست نفهمیده است و حتی مردم خودمان ، مردم عراق ، مردم کشورهای اسلامی و مردم دنیا ما را جنگ طلب و یک دنده معرفی میکنند و اینقدر مظلومیت برای ما قائل نبودند .

..... این حرکت امام واقعا " در مقطع مناسب بود و ما اگر بخواهیم قلوب مردم را فتح کنیم باید مردم دنیا را قانع کنیم و مردم دنیا باید قانع باشند که ما مظلومیم و داریم دفاع میکنیم . اگر ما سال گذشته این حرکت را انجام می دادیم به این نتیجه نمی رسیدیم و برای اینکه صدا آن موقع بمحض اینکه ما می پذیرفتیم او هم می پذیرفت و بعد گفته میشد که ایران ۶ سال یکدندگی کرد و حالا زحرفش برگشته است .

..... این نکته ای که حلالین دنبالش هستیم که ایران ثابت کند دنبال هدفی غیر از فتح سرزمین دارد و مظلوم بوده و جنگ طلب نیست بلکه صلح طلب است .

..... شاید یکی از آرزوهای که خداوند امر وزبه قلب رهبری ما این مطلب را آله فرمودند این باشد که مناسبترین زمان برای این اقدام انتخاب شد ..

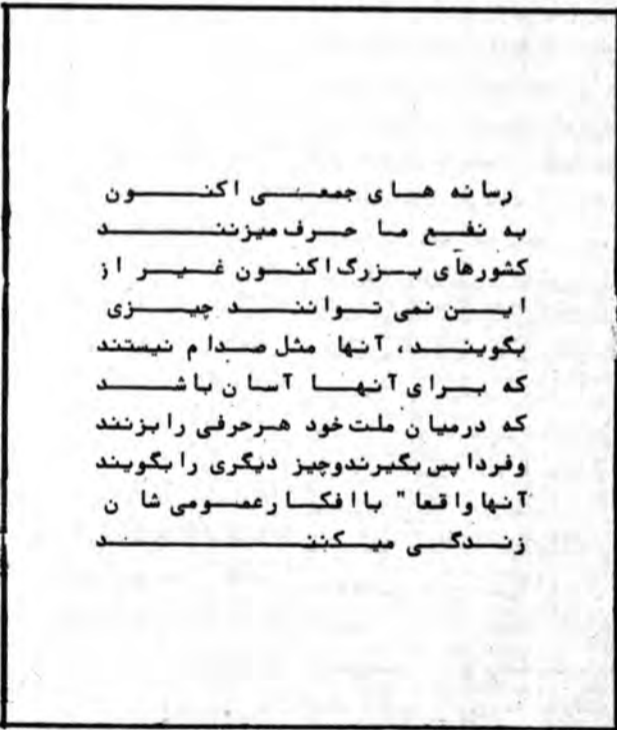
..... آرمها شیکه ۷ ساله میگفتند صلح با بیانات اخیر امام یک مرتبه دچار یک شوک شدند و همه ادعاهای خود را پس گرفتند و کینه توزی های خود را آشکار کردند و آن ادعای صلح طلبی را که منحصر به خود میدانستند ، از دست دادند و الان در میان مردم دنیا حقانیت مردم مظلوم ما ثابت شده که دشمن ما صلح طلب نیست ، مگر اینکه یک فشار جدی به او وارد شود که این هم صلح طلبی نیست . این اجبار به صلح است و رسانه های جمعی اکنون به نفع ما حرف میزنند . کشورهای بزرگ اکنون غیر از این نمیتوانند

چیزی بگویند ، آنها مثل صدام نیستند که برای آنها آسان باشد که در میان ملت خود هر حرفی را بزنند و فردا پس بگیرند و چیز دیگری را بگویند آنها واقعا " با افکار عمومی شان زندگی میکنند و اگر بخواهند تغییر عقیده بدهند یک مدتی باید کار میکنند تا افکار عمومی را عوض کنند و بعد دنبال افکار عمومی راه بیفتند و برای آنها مقدور نیست که آنهمه حرفی را که زده اند اکنون منکر بشوند و از آنها تا حدودی تا بل به طرف ما نشان میدهند اما عمل باید این را ثابت کند و البته در عمل هم تخیل دشوار است و ما میدانیم ما زمان ملل شورای امنیت دیگران در دنیا بی زندگی میکنند که افکار عمومی آزاد وجود دارد و انسانهایی در رسانه های جمعی وجود دارند که افراد را به محاکمه میکنند و انسانهایی هستند که نمیشود به آسانی آنها را خاموش کرد .

..... بنظر میرسد که این حرکت حضرت امام بطور ناخود آگاه ، پانزده گانه ریشه میگیرد از یک هدایت الهی یک قلب منور و روح مرتبط با عوالم معنوی سطح بالا .

..... من این وضع را عمیقاً " با حادثه حدیبیه با تاریخ پیامبر اکرم (ص) منطبق می بینم . امروز صبح یک مقدار فرصت کردم تا سوره " انافتحننا (سوره فتح) را مطالعه کنم ، عجیب این سوره گویای زمان ما است چند نکته ای که در آن دیدم درباره " ما حرف میزند .

..... در حدیبیه پیامبر اکرم (ص) تصمیم گرفت که با مشرکین عهدنامه امضا کند و مواجه شد با همین شوک ها - و حتی نزدیکترین دوستان پیامبر (ص) شوکه شدند ، اعتراضات جدی مطرح بود و خیلی زود هم فهمیدند که اشتباه میکنند .



رسانه های جمعیتی اکنون به نفع ما حرف میزنند کشورهای بزرگ اکنون غیر از این نمی توانند چیزی بگویند ، آنها مثل صدام نیستند که برای آنها آسان باشد که در میان ملت خود هر حرفی را بزنند و فردا پس بگیرند و چیز دیگری را بگویند آنها واقعا " با افکار عمومی شان زندگی میکنند

..... من از نظر خودم و در حد اطلاعت منهای مسائل دیگری که هست این را یک پیروزی عمیق میدانم یعنی این حرکتی که امام کردند ، مصداق فتح المبین است .

..... ما روی افکار عالم و ساده لوحانه که خود داریم خیال میکنیم ، چون حقانیت راه ما روشن است ، خود بخود دنیا حرف ما را می فهمد و حرف ما را قبول میکند ، ولی واقعیت این نیست ، واقعیت این بود که بخاطر نداشتن امکانات تبلیغاتی در دنیا و بخاطر تبلیغ درست نکردن کارمان حتی در سطح خودمان حتی با رادیو تلویزیون روزنامه ها ، خطبه ها ، زبان مردم و شعارهای خودمان هم آن روح حرف خودمان را نتوانسته بودیم به دنیا برسانیم ، به اسم " صدور انقلاب " به اسم " جنگ " پیروزی " و با این شعارهایی که میدادیم در ملت خودشان اینها درست است ولی احتیاج به توضیح دارد .

..... من این حرکت را با " صلح حدیبیه " تشبیه کردم در صدر اسلام وقتی پیامبر اسلام (ص) در نزدیکی مکه با کفار قرارداد حدیبیه را امضا کردند خیلی از مسلمانان بودند که از قبول این عهدنامه مناعت میکردند و در مقابل دستورات پیامبر (ص) مقاومت کردند . و در همان لحظه ای که حدیبیه امضا شد عمر در اعتراض به این قرارداد خطاب به پیامبر (ص) گفت : چرا ما باید این قدر ذلیل شویم پیامبر (ص) یکی از مسلمانان را بر اساس یکی از بندهای عهدنامه به کفار تحویل داد که همه این حوادث برای مسلمانان صدر اسلام ناگوار و غیر قابل درک بود . در چنین شرایطی بود که خداوند سوره " انافتحننا لک فتحا مبینا "

را به رسولش نازل کرد و بشارت پیروزی بزرگی را بپسند مسلمین داد ، بدرستی که پذیرش مسلمانان از سوی کفار که در عهدنامه حدیبیه به آن اعتراف شده است و قبول ورود مسلمانان به مکه برای مراسم حج از پیروزیهای اولیه این عهدنامه بود .

..... ممکن است بعضی ها فکر کنند که اینکه ما اهل سازش و این حرفها نیستیم اصلاً " مملکت یعنی چه ؟ رفاه یعنی چه ؟ رفع مشکلات جهانی یعنی چه ؟ و اینکه در این وضعیت روز به روز گرانیشتر شود و مشکلات مردم بیشتر شود ، تصور درستی نیست . یک زندگی طولانی باید یک نسل را فیهی شود ، اگر رفاه نباشد ، کم اصل حاکمیت اسلام و اصل قدرت اداره کشور زیر سؤال می رود ، بهرحال این مسئله باید در موقعی حل میشود مملکت ما باید جامعه قابل ارشاد باشد نه فقط در بعد شهادت طلبی و جهاد و ایثار . مردم ما این ده سال تمام جلال و جبروت خود را به نمایش گذاشتند ، با قدرت مدیریت که نشان دادن مدیریت اسلام است را ارائه دهیم و این راه را با زکرت ، این کارها معنایش با چادان و سازش کردن نیست .

..... ما میتوانیم جلوی دشمن تراشیها را بگیریم ، حتی در خارج خیلی کسانی هستند که امکانات به صدام میدادند که اگر شرایط درستی ما در سیاست خارجی داشتیم ، آنها این امکانات را نمیدادند ، یا حداقل به هر دو ما میدادند جنگ را بدست خودمان نباید بکشیم به جایی که نباید برود .

..... هر دوراهی که اتفاق بیافتد برای ما خوب است چرا که در صورت پذیرش قطعنامه با همان فرم خود و اجرای آن از سوی دبیرکل و تشکیل کمیته رسیدگی به آغاز جنگ در واقع همان نظر ما تأمین میگردد اگر رژیم عراق از قبول قطعنامه نیز خودداری نماید در آن صورت نیز جنگ برای ما به مراتب بهتر از دو هفته پیش خواهد بود و اصولاً " مردم به عینه درک خواهند کرد که چرا باید بار رژیم عراق بجنگیم .

رسالت ۲۹ مرداد ماه ۱۳۶۷

خطبه های نماز جمعه : آنجایی که با کودتا یا با اشغال سرزمین ، یک فکری تحصیل شود این پیروزی نیست این مثل پیروزی بزید است . پیروزی این است که فکر انقلاب در میان ملتها و انسانهای شایسته فکر ، نفوذ پیدا کند و جنگ این را تسریع کرده ...

..... همانهایی که هشت سال پیش ما را با یکوت کردند امروز التماس میکنند که یکی از آدمهای رسمی خود را معرفی کنید که ما حرف بزنند ..

..... به محض اینکه این ملت احساس کرد که دشمن قصد تجاوز جدی به سرزمینش را دارد و میخواهد تجاوز مجددی را آغاز کند ، آنچنان به جبهه ها هجوم آورد که برای هیچ کس حتی دوست و دشمن اینقدر متصور نبود صدها هزار در عرض دوسه روز به جبهه ها ریختند .

..... بعضی میگویند حالا که مردم چند سالی زحمت دیده اند با زارهای کشور را باز کنیم تا مردم به رفاه برسند . برخی نیز راه ریاضت را پیشنهاد میکنند و میگویند مدتی دیگر این محدودیتهای اقتصادی را ادامه دهیم تا پس از بازسازی اقتصاد و صنعت مردم خود بخود به رفاه برسند . نظر معتدلی نیز وجود دارد که بین دو نظر قبلی است و دولت و مجلس دنبال چنین راهی هستند .

..... این اواخر از جبهه آزما اجازه خواستند که اجازه داده شود یک جواب فوری در عمق خاک عراق به دشمن بدهند ما هم از امام استفسار کردیم ، به امام گفتیم اجازه بفرمائید ما چنین جوابی به اینها بدهیم ، امام فرمودند ما که جنگ میگردیم صریح میگفتیم ، الان هم همینطور جدی هستیم ، در همان حدی که آنها شرارت میکنند شما جواب بدهید ، ولی اجازه عملیات سریع را فرمودند .

..... وضع ما امروز برای جنگ به مراتب بهتر از گذشته است ، برای ملت ما روشن میشود که راهی جز جنگ وجود ندارد . این کار در گذشته نبود . در گذشته ممکن نبود خیلی از افراد فکر میکردند که ما لایرویم صلح کنیم دیگر در دنیا نخواهند گفت که ایران جنگ طلب است دیگران نمی آیند ما را با یکوت و محاصره کنند ، اگر بکنند باید بیرون سراغ عراق ، البته آنها نمیروند ولی اگر بخواهند بیرون تبلیغات جهانی علیه ما درست میکنند

چگونه جام شکران را سرگردم؟

مقاله زیر توسط یکی از خوانندگان برای ما ارسال شده است. از آنجا که بیان کننده احساسات و درددل ایشان میباشد برای رعایت آمانت بدون دخل و تصرف آنرا عیناً می آوریم .

خبر کوتا بود و تکان دهنده برای همه کسانی که دل بسته بودند و امید برای همه کسانی که ۸ سال تمام زخم زبانه های رفاه طلبان داخلی و دشمنان خارجی را می شنیدند و هیچ نمی گفتند چرا که امیدوار بودند جواب همه اینها در حبه داده شود اما ناگهان این خبر، این چنین فاجعه وار سر رسیده بود... از تعارف با یاد گذشت چه کسی دوست دارد بعد از ۸ سال مبارزه خونین و بحق که هر دقیقه اش رنگین به خون بهترین فرزندان خلق است و هر ثانیه اش دلارها بلعبیده و هر لحظه اش یادآورداغترین قرون تاریخ است، ناگهان به پیش نهاد صلح تن در دهد. صلحی که بخصوص در چنین موقعیتی هرگز دست آورده های پیروزی را نخواهد داشت. اعتراف کنیم که از نظر نظامی شکست رو بر او شدیم. و حتی از نظر سیاسی هم ما که می گفتیم: "سرنوشت جنگ را در حبه تعیین می کنیم." ما که می گفتیم: "صلح، نقشه امپریالیسم است و محور نظامی امپریالیستها در خلیج فارس هم هدفی جز این ندارد." حالانابه و رانه با دیده حرفها یمان را پس می گرفتیم. بدون شک این خواسته هیچیک از حاکمان انقلاب اسلامی و نظام اسلامی نبود. نه در سطوح بالا و رهبری، نه در میان توده های مسلمان، نه در خارج مرزها، نه... هیچکس طالب این فرجام نبود جز همانها که با شدن این خبر در آن بعد از ظهر سیاه بهم تبریک گفتند، دست افشانی کردند، روبروی و شیرینی... و حال آنکه همان لحظه چه بسیار که گریستند چه قلبها که فشرده شد... پرفسور آلگار بیدرستی اثر این خبر را بر مسلمانان آمریکا بی ذکر میکند، تازه مسلمانان آمریکا بی جز آبروی خود را در مقابل این پیشا مدنی خسته بودند در حالیکه مسلمان ایرانی، سروهای سرفراز باغ کوچکش را به دست تیر و رجا دهنده سپرده بود. و با چامبیدی ولی حالا...

اما در آن لحظه تنها پیام امام که صادقانه و مهربان بود قوت قلبی داد که "نه انقلاب در خطر نیست، نترس!" و بیپهوده نبود که بلافاصله مردم به هیچ تعللی بنده ای ایستادند. انقلاب حضرت آیت الله منتظری چنان جاننا نهلید که گفتند که همه دشمنان خارجی و داخلی را انگشت به دهان کرد. پیام امام چنان صادقانه آزدل برآمده بود که لاجرم بر دل نشست و همه بدرستی نظر خود یکبار دیگر ایمان آوردند که این رهبری هرگز هرگز جدا از مردم نبوده و هرگز منافع خود را جدا از منافع مردم ندانسته و هرگز بدون آنان به قاضی نمی رود. اما نکته ای را که نباید فراموش کرد اینکه "دلیل حقانیت هیچ مبارزه ای در -

پیروزی انتهای آن نهفته نیست." مگر سردملی دکترمصدق شکست نخورد؟ مبارزات شهید مدرس؟ یا نهضت مشروطه؟ یا فعالیتهای شهیدا میرکبیر؟ یا... همینطور تا... حتی قیام اسپار تا کوس؟ مه... اینجا است که مبارزه بحق، مبارزه ایست که در نهایت - یعنی نهایت تاریخ بشریت - نهایت مبارزات انسانی، نهایت پیروزی حق بر باطل، نهایت پیروزی حنودا... بر سپاه شیطان - بطور حتم پیروز است. یعنی پیروزی نهایی تنها از آن مبارزات حق - طلبانه است خواه پیروزی انتهای (انتهای یک مقطع) داشته باشد یا نه. و اساساً "مبارزه اسپار تا کوس علیه بردگی، خود بالاترین و والاترین دلیل محکومیت و شکست نهایی برده داری است که به روشنی در تاریخ ثابت شده و میشود. پس چه باک و چه اندوه اگر مبارزه ای در مقطعی خاص منتهی به شکست گردد. وقتی خداوند در قرآن کریم میفرماید: "... نصر من الله و فتح قریب و تشریح المؤمنین" نزدیک بودن پیروزی مبارزات الهی یعنی همین که صرف وجود آنها خود، پیروزی است. و کدام مبارزه است که محض وقوعش عین پیروزی باشد؟ جز مبارزه الهی و کدام پیروزی از این نزدیکتر؟ پس بشارت با دبر گروندگان و ایمان آوردندگان به چنین رزمی. و دقیقاً "به همین دلیل است که امام خمینی می فرماید: تا ایمان در قلب شامت، پیروزیست.

اما اینک بر ما است که از این شکست ها درس بگیریم. ببینیم در این هنگامه، از آن مبارزه "نهایتا" پیروزی و "نفسا" پیروزی چه درسهایی برای آتیه و مبارزات بعدی خود و دیگر خلقهای مسلمان و غیر مسلمان جهان میتوانیم داشت. ابتدا عوامل را به دودسته خارجی و داخلی تقسیم میکنیم. از میان عوامل خارجی، مهمترین عامل، کمکهای همه جانبه بی دریغ و وسیل آسای دشمنان جهانی انقلاب اسلامی به مهره درگیرشان رژیم صدام بود، که هم به مقدار زیادی خارج از دسترس عمل کرد ما بودیم قابل پیش بینی. عده ای معتقدند حال که قابل پیش بینی بود که امپریالیسم بهر حال روزی عراق را چنان محجز خواهد ساخت، آیا بهتر نبود ما در سیاست خارجی خود موضعی می گرفتیم که تا حدی مانع این عمل باشیم؟ یا بدگفت چنان موضعی اگر چه معنای آزدست دادن ارزشهای انقلاب باشد چه؟ مگر اصل این مبارزه برای نشرو گسترش ارزشهای انقلاب اسلامی در جهان (یعنی صدور انقلاب) نبود؟ در این صورت آیا معنای مبارزه ما خود بخود ضایع نمیشد؟ مثلاً اگر در مورد افغانستان دست از حمایت از مجاهدین افغان بر میداشتیم ممکن بود رژیم کرملین اینطور بی دریغ برای عراق و لخری و دست و دلبازی نکند. اما در این صورت آیا اصل فکر و رسالت انقلاب اسلامی متزلزل نمیشد؟ این مثل اینست که بگوئیم که اگر امام حسن (ع) معاویه ملعون را نعوذبا... میسر - المؤمنین میخوانند معاویه و به دست از ایشان برمی داشت و ایشان میتوانستند با قراغت

و به مدت بیشتری به تبلیغ و تعلیم بپردازند. و حال آنکه در آن صورت اصل و اساس انقلاب رسول (ص) یعنی نفی همه عبودیتها و آزادی همه انسانها از جنجال ظلم و ظلمه، زیر سؤال میرفت ولی مبارزات ائمه (ع) جزا دامه مبارزات حضرت پیا میر (ص) نمیشد. یعنی نعوذبا... سازش ائمه (ع) با نظام کفر به منظور کسب مدت و فرصت بیشتری برای تبلیغ و تعلیم اساساً "هدف خود را از دست میداد. این نکته، بسیار مهم است که بدانیم و لا در هر تاکتیک چه چیزی کسب میشود؟ و آیا با هدف اولیه مبارزه نقضی ندارد؟ در همین رابطه سؤال دیگری مطرح

ایمانی و ایدئولوژیک نمی برداختند. حتی در میان مردم نیز موج روآوری به جبهه ها کاسته شده بود. و این خوبی از حوادث آخر جنگ و اطلاعیه های اخیر ستاد فرماندهی کل قوا مشهود است. حال ببینیم چرا؟ آیا کار فرهنگی کم شده بود؟ و رفاه طلبی و فرهنگی منحن آن رشد یافته بود؟ و در این صورت، به چه ترتیبی و از طریق چه منافذی وارد شده بود که توانسته بود در میان مردم و حتی رزمندگان نیز نفوذ یابد؟ از کدام مواضع خطرناک استفاده میکرد که پسندیده جلوه کرده بود؟ چه الگوهای برای خود دست و پا کرده بود که به جای اینکه موردتهاجم واقع شود مورد پذیرش قرار میگرفت؟ و یا شاید دلیل این

اینک بر ما است که از این شکست ها درس بگیریم، ببینیم در این هنگامه، از آن مبارزه نهایتا" پیروزی و "نفسا" پیروزی چه درسهایی برای آتیه و مبارزات بعدی خود و دیگر خلقهای مسلمان و غیر مسلمان جهان می توانیم داشت .

میشود و آن اینکه با توجه به اینکه حفظ نظام جمهوری اسلامی یکی از حیاتی ترین اهداف ما است و بهمین خاطر نیز مجبور به تن دادن به پذیرش صلح شده ایم، چرا طی این ۸ سال از موقعیتهای بهتری که در طول جنگ بدست آورده بودیم استفاده نکردیم یا حداقل از وقتی که قطعاً ما در شادمانی، که با رها در مواقع و مواضع بهتری بودیم و میتوانستیم به مراتب قویتر با دشمن و متحدانش برخورد کنیم (مثلاً "پیشن از شکست فاجعه" چنین کاری نکردیم تا مجبور باشیم حال دست به انجام آن بزنیم که با رها و با رها از آن روز ضعیف تریم و بنا بر این دشمن را حتی میتوان نظر اتش را بر ما تحمیل کند یا حداقل از پذیرش نظرات ما سر باز زند، این سؤال است که بهر حال باید جواب داده شود تا اکنون از سوی مسئولین هیچ عکس العمل و پاسخ قانع کننده ای ابراز نشده. در حالیکه همه مردم دلسوخته ایران و همه مسلمانان جهان که چشم امید به این نظام دوخته اند با شور و اشتیاق فراوان منتظر پاسخ مقنع میباشند. پس از عوامل خارجی، به عوامل داخلی میپردازیم. نخست وابستگی ما از نظر تسلیحاتی به خارج مطرح است. مطرح میشود که حال که بنیه نظامی ما کافی نیست چرا باید خود را درگیر کنیم؟ یا زهم به سراغ سنت ائمه (ع) میرویم. آیا امام حسین (ع) به خاطر کمبود نفرات دست از مبارزه ای که ضرورتاً "به منظور افشای دشمن لازم بود و از سوی دیگر "بوی شربون چنین افشایی در سطح گسترده - فراهم بود، برداشتند؟ همینطور ائمه دیگر (ع) بنا بر این آنچه عنوان عامی ضروری یک مبارزه مشخص میشود نه کفایت قوه نظامی بلکه حیاتی بودن افشای دشمن در انظار و نیز موه شربون آنست. که این هردو برای نبرد ما فراهم بود و به خوبی حقانیت نبرد ما را نشان میدهد.

دومین عامل داخلی که بسیار مهم بود عین قابل پیشگیری بود ضعف انگیزه هادر میان صفوف رزمندگان بود. یکی از اراداران که بتازگی از جبهه برگشته بود (بیست و هفت قطعاً نه) میگفت دیگر رزمندگان ما (بعضی) آن شور و شوق پیشین را نداشتند. و چندان که شاید بستم یک رزمنده اسلام و یک مجاهد است به طاعت و عبادات و استحکام پیوندهای

ضعف انگیزه ها مشاهده اختلافاتی بود که در بین جریانهای موجود در سطوح بالای مسئولیتها بروز کرده بود (بعنوان نمونه اشعاب روحانیت) که چنین متاسفانه را ابتدا کار فرهنگی مبنی بر توسعه و توسعه دیدان انجام نشده بود. این اختلافات بصورتی در میان اذهان ساده بین جلوه کرده بود که منجر به وا زدگی و سرخوردگی و انفعال مردم شده بود. بنا بر این، این نیز نکته مهمی است که بهوش با شیم نشرو ترویج فرهنگ و وسعت نظرو پذیرش دیدگاههای گوناگون اساساً "تا چه حد مهم و حتی حیاتی است .

این عوامل بطور خلاصه از این قرار دسته بندی میشود: تسلیح و تجهیز بیش از حد صدام از سوی نظام جهانی کفر و استکبار - وابستگی تقریباً کامل ایران از نظر اسلحه به خارج - رشد فرهنگ رفاه طلبی بصورت های پیچیده و موزیانه - فقدان فرهنگ اسلامی وسعت نظرو پذیرش دیدگاههای گوناگون . حوادث اخیر با همه تلخی، نکته بسیار درخور توجه و عمیق دیگری را نیز نشان میداد و آن اینکه اگر نگوییم تنها نقطه اعتماد مردم حداقل مهمترین و بزرگترین نقطه اتکا و اعتماد مردم فقط فقط به شخص رهبری و حضرت آیتا... العظمی منتظری است . تنها پیام درد مندان حضرت امام بود که چون مثل همیشه از عمق دردها و آرزوهای مردم حکایت میکرد، توانست بهت و سؤال را از چشمان نابا ورتوده ها و همه دلسوختگان اسلام و انقلاب و نظام اسلامی بزاید و بجای آن رنگ خوش اعتماد و اطمینان بنشانند. و این بی شک به خاطر تجربه ملموسی است که این مردم از عدالت، تدبیر، درایت و صحت نظر رهبری در طول سالیان در از کسب کرده اند.

پس یکبار دیگر و اینبار با ایمانی بیشتر همه با هم فریاد بر آوریم که :
خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی (عج) همین رانگهدار



ریشه‌یابی تجاوز -

تشکیلات رجوی

و علت ضربه پذیری ما

داسی که رجوی بهین گردد

بیش از دو سال قبل رجوی ضمن تحلیل مفصل از اوضاع درونی ایران مطرح کرد: " اصلی ترین خطر در ایران جناح استحاله است. بنا بر تعریف رجوی " جناح استحاله " افراد نزدیک به آیت ا... منتظری هستند که نظام جمهوری اسلامی را قابل رشد و اصلاح دانسته و معتقد به تحول در کا در نظام هستند. از " نهضت آزادی "، " مهندس سجایی "، " مهندس میثمی "، " دکتر رئیسی "، " کتابخانه سیاسی " و... اسم آورد و به روزنامه کیهان هم حملاتی کرد.

بعد از آن سخنرانی این تحلیل با رها در اشکال مختلف از را دیو صدام - رجوی پخش شد و نفوذیها یشان در ارگانهای مختلف به جا انداختن این خط برداختند.

این تحلیل در راه محاهد شماره ۲۸ به تاریخ مهر ۱۳۶۵ منعکس شد. در آن زمان بنظر رسیده بود که رجوی قصد دارد به کمک " تحلیل "، " خبر " و نفوذیهایش " مسئولین و ارگانهای اطلاعاتی رانا خود آگاه روی این افراد احساس نماید و با سو استفاده از آنها بدون اینکه خود ظاهرأ " بمیدان بیابند دشمنانش را از سر راه بردارد و طبیعی بود که در این کار از انگیزه های فردی و گروهی بالاترین بهره برداری را بکنند پس از مدت زمانی نه چندان طولانی با شعار " ضدیت با لیبرالیسم " حملاتی به مراکز نهضت آزاد شد. در جای دیگر با شعار " ضدیت با منافقین در دا نگاه تهران دکتر رئیسی زیر فشار قرار گرفت. در گوشه های دیگر با شعار خونخواهی از مرحوم شمس آبادی سید مهدی هاشمی و... بمیان کشیده شدند و در جای دیگر کیهان و...

و متاسفانه دیده شد که برخی عناصر داخلی اصلی ترین خطر را اطرافیان آیت ا... منتظری دانستند و در ادامه رجوی افتادند.

رجوی در تحلیل خود سعی داشت تا این افراد را جریان متشکلی نشان بدهد که بدنیا ل کسب قدرت در جمهوری اسلامی هستند.

نقش نفوذیها

بعد از آن سخنرانی این تحلیل با رها در اشکال مختلف از را دیو صدام - رجوی پخش شد و نفوذیها یشان هم در ارگانهای مختلف این " خط " و " تحلیل " را همزمان حامی انداختند. این تحلیل در راه مجاهد شماره ۲۸ به تاریخ مهر ۱۳۶۵ منعکس شد. در آن زمان بنظر رسیده بود که رجوی قصد دارد به کمک " تحلیل "، " خبر " و نفوذیهایش " مسئولین و ارگانهای اطلاعاتی رانا خود آگاه روی این افراد احساس نماید و با سو استفاده از آنها بدون اینکه خود ظاهرأ " بمیدان آمده باشند دشمنانش را از سر راه بردارد و طبیعی بود که در این توطئه از انگیزه های فردی و گروهی بالاترین بهره برداری را بکنند. پس از مدت زمانی نه چندان طولانی با شعار " ضدیت با لیبرالیسم " حملاتی به مرکز نهضت آزادی شد. با شعار " ندبیت

با منافقین "، دکتر رئیسی در دا نگاه تهران زیر فشار قرار گرفت. در گوشه های دیگر با شعار " خونخواهی از مرحوم شمس آبادی "، سید مهدی هاشمی بمیدان کشیده شد و در جای دیگر کیهان و... متاسفانه برخی از عناصر داخلی هم اصلی ترین خطر را اطرافیان آیت ا... منتظری دانستند و در ادامه رجوی افتادند رجوی از برخورد های سیاسی و احشاده ارد رجوی آیت الله منتظری در زندانها با سمیتهای خود نهایت وحشت را داشت، چرا که هم اعضای خود را از دست میداد و هم نمیتوانست افراد جدیدی را به خود جذب کند. از طرف دیگر رجوی از جانب امثال مهندس سجایی و میثمی و... احساس خطر میکرد. اینها افرادی هستند که در عین حمایت از نظام جمهوری اسلامی، بقول او وابسته به نظام هم نیستند. رجوی میدانست که سمیتهایش در برخورد با این افراد در تحلیل های خود شک کرده و به نظام جمهوری اسلامی نزدیک میشوند.

رجوی از یک حُر آفرینی در درون تشکیلات خود وحشت داشت و با همین تحلیل بود که به آنچه " جناح استحاله " مینامیدند منظور جمله کرد.

غفلت از دشمنان و درگیری با نیروهای داخلی

بهر صورت در داخل هم اصلی ترین خطر همین مجموعه دانسته شد و قریب به ۲ سال، فضا را اطلاعاتی خود را روی آیت الله منتظری و اطرافیان ایشان گذاشتند. دشمن در چنین فضای مطلوبی فارغ البال از جانب ما و با استفاده از غفلت جمهوری اسلامی برای تقویت و گسترش تشکیلات خود به بهترین وجهی بهره برداری نمود. رجوی از یک طرف اختلافات درونی را دا من زد و بدست عنا صری از جمهوری اسلامی یکی از مشکلات مهم خود را از سر راه برداشت و از طرف دیگر برای کمپ سمیتهای بیشتر، حربه تبلیغاتی مهمی بر علیه جمهوری اسلامی بدست آورد.

درست در همان زمانیکه جریان سید مهدی افشا و منهدم میشد، رجوی با استفاده از غفلت درونی روی تدارک فا جمعه مکه ۶۶ نیرو گذاشت و با همکار عربستان آن توطئه را بر نامه ریزی کرد ولی آنها که می باید روی امپریالیزم و ارتجاع و توطئه های آنها از نظر اطلاعاتی نیروی بگذا رند، سرگرم با زجوشی و محاکمه جریان سید مهدی بودند و نتوانستند با فا جمعه مکه مقابله نمایند و همه با یک عمل انجام شده روبرو شدیم. ضعف اطلاعاتی در این جریان کا ملا" مشخص بود. همچنین در جریان مک فارلین نیز نتوانستیم جاسوسها را تشخیص بدهیم و بعدها معلوم شد که اسرائیلیها در جریان مذاکرات نفوذ داشته اند و قربانی فرقه رابطه ما بودند جاسوس اسرائیل و صهیونیست از آب درآمد

در چنین جوی آتیا طبیعی نبود که رجوی عملیات " فتح تهران " را طراحی کند و آسوده خاطر از فشار اطلاعاتی ما به فراخوانی سازماندهی و آموزش افراد خود بپردازد؟ بهر صورت این عملکرد عنا صرا اطلاعاتی ضربه ها و مدمات سختی را بدنیا ل داشت که امید است با آگاه هی و شناخت نسبت به آنها

از شدتشان بکا هیم

ضربه ها و صدمات

ذیلا" به بررسی احتمالی این ضربه ها میپردازیم :

۱- عده ای انتظار چنین برخوردی را با اطرافیان آیت الله منتظری نداشتند و در رهبری امام شک کردند.

۲- " التقاط " بعنوان اصلی ترین جرم سید مهدی اعلام شد، حال آنکه امام در پیام حج (سال ۶۷) گفتند :

امروز بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامیمان احساس میکنند که نمیتوانند اندیشه های خود را در موضوعات و مسائل مختلف بیان دارند. با روی گشاده و آغوش با زحرفهای آنها را بشنوید و اگر بپرا هه میروند با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان دهید و باید به این نکته توجه کنید که نمیشود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً " انگ التقاط " و انحراف بر نوشته ها یثا یزدا ینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان میکنند مسلماً " دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می تپد و اولاد اعی نادارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیناندازند. در غیر این صورت خدای نا کرده به دام لیبرالها و ملی گراها و یا جب و منافقین می افتند و گناه این کمتر از التقاط نیست .

نکته مهم اینست که امام گناه اینگونه اعمال را کمتر از " التقاط " نمی دانند .

۳- ضربه ای که در فا جمعه مکه خوردیم .

۴- پیش بینی نکردن حرکت اخیر رجوی که برای جمهوری اسلامی صدمات جانی و مالی و حیثیتی فراوانی را بدنیا ل داشت

۵- ضربه دیگری که ما خوردیم این بود که " التقاط " بعنوان یک جرم معرفی شد که بر اساس آن افراد را میشد دستگیر و محاکمه کرد و این خطری بود که در ادا مه خود ضربات جبران ناپذیری را به انقلاب وارد میساخت

در حالیکه امام قبلاً گفته بودند که انحراف نمیتواند انحراف را مستقیم کند. ایشان در پیام حج (۶۷) هم صحبتها ی در رابطه " با " جوانان " و " انگ التقاط " و... . . .

کردند که قبلاً ذکر شد. در جای دیگری از همین پیام امام میگویند: " سرمایه دارها قابل نصیحت نیستند و یا میگویند: " رفا ه با انقلاب نمی خواند .

بسیاری از افراد بخا طر همین صحبتها در این چند سال بعد از انقلاب ما رک التقاط خوردند و حذف شدند و در این مدت بر خسورد صحیحی از آن گونه که امام میگویند دیده نشد

و حتی در حضور امام اصلی ترین جرم سید مهدی ، التقاط معرفی شد. یکی از علمای حوزه گفته بود: " التقاط خود بخود و بالذات جرم است " . مطمئن هستیم که اگر از ابتدا همینطور که امام میگویند برخورد شده بود بسیاری از مسائل اینگونه که هست نمی بود .

چه کسانی با اعمال خود به رجوی اعتبار بخشیدند؟

در کنار این عملکردها ضربه های فوق الذکر را بدنیا ل داشت ، این جریان با شیوه های خود به جریان رجوی اعتبار بخشید و در تقویت اوتانیر سزائی داشت .

ذیلا" به ذکر پاره ای از عملکردهای این جریان که از طرف رجوی مورد بهره برداری بسیاری قرار گرفت میپردازیم :

الف : رجوی گروه های انتحاری بسیاری را در عملیات خود شرکت داده بود . در جستجوی

بقیه در صفحه ۴

عدالت

نقل از کیهان فرهنگی

- سال چهارم شماره ۸
- میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که تبتانی تسلیم
شکوه شانه هایم را فرو نریخته باشد؟!
میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که بر سفره های رنگین
با شرفی چرکین
نشسته باشم؟
- میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که آزادی پسرم را
به زالوان طلائی
و بنیایی دخترم را
به وسوسه عروسکان
نباخته باشم؟!
- میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که شلاق ظالمان را
برگرده و گمان مظلومان
فرو نیاورده باشم؟!
میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که به انتخابی ناروا
خشم پنهان نیل را
نشورانده باشم؟!
- میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که میان خدا و شیطان
به قضاوت انگشتر عمرو عاص
تن در نداده باشم؟!
- میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که به آفتاب نامیرای عاشورا
پشت نکرده باشم؟!
- میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که از اشاره سرانگشتان عشق
بی نصیب نمانده باشد؟!
میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که استواری گامهایم را
شرمناک نام نوین کوچمها
نکرده باشم؟
- میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که توتنها و مزارع شرم
از رنج معدنچیان و گندمکاران
خالی نمانده باشد؟!
میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که نگاه و نان ماهیگیران را
در طلسم توفانی آزمند
نبلعیده باشم؟!
- میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که کلام روشن عشق را
به سکون سیاه تاریخ
نفرخته باشم؟!
- میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که در ترازوی آفریقا
طلا را با گرسنگی نسنجیده باشم؟!
- میان تو و صلح
کدام را برگزینم
که هر صبح، آفتاب به خاطر تو برمی آید
تو را می گویم
که خورشید را میان انسانها رشته رشته می کنی
تو را می گویم
که صلح، بی تو، بی مناسبت
میان تو و صلح
کدام را برگزینم؟



بازسازی غیر وابسته

میگیرید. صنایع دفاع تکیه اش به درآمد نفت است و توسعه موشکهای بالستیک نیز همینطور و یک شیوه تولید خودکفای اراضی نمی دهد. در این طریق دفاع عمان را وابسته به درآمد نفت کرده ایم و حال آنکه دیده ایم که در جنگ، روی صادرات نفت نماندند و گداشتند و مجبورمان کردند تا دست از بعضی از مسائلمان برداریم. در آینده هم ما این نقطه ضعف را نزد آنان خواهیم داشت و در نهایت دفاع عمان وابسته آنها خواهد بود. در اینجا منظور نفی خلاقیت های داخلی نیست ولیکن مهم جهت و شیوه فعال شدن این خلاقیت ها است. بسیاری تاکنون تقویت صنایع دفاع را مطرح کرده اند که مشروع هم هست ولیکن باید مرز بندی دقیقی بشود تا در خط منافع امپریالیزم قرار نگیریم. آنتونی کوردزمن تحلیلگر آمریکایی چندی قبل مطرح کرد که ایران و عراق پس از جنگ درآمد سرشاری را خرج خرید تسلیحات خواهند کرد.

ب: خطر ارزانی نفت و بالا رفتن تورم و گسرنانی:

اگر صلح مسلح و مسابقه تسلیحاتی حاصل شود و خط فروش نفت در ازای تسلیحات را در پیش بگیریم، تورم هم حفظ خواهد شد. ۵۰٪ بودجه کشور را نیروهای نظامی بخود اختصاص خواهند داد و این همان سیری است که اعراب بعد از قرار داد کمپ دیوید طی کردند. در ادامه این سیر مجبوره "ارزان فروشی نفت" هم خواهیم شد تا افزایش بودجه را مین کنیم. در ادامه این سیر طبعاً "اوپک ضربه خورده و قیمت نفت هم پایین خواهد آمد. بحران باقی خواهد ماند و تورم هم بدنبال آن. در حالی که یکی از هدفهای جمهوری برای بعد از جنگ شکوفایی اقتصادی و ارزانی کالاهاست.

ج: خطر اسرانیل

اسرائیل از یک جهت نگران تمام شدن جنگ ایران و عراق است و آن جهت، متوجه شدن نیروهای دوکشوری سوسی اوست. فرمانده اطلاعات ارتش اسرائیل و دیگر مقامات تحلیل گرا اسرائیلی معتقدند که اگر عراق متوجه اسرانیل شود، بسیار خطرناک است. یکی به دلیل موشکهای بالستیک که عراق دارد و دیگری سلاحهای شیمیایی عراق و لشکرهای زرهی و موتوریزه او که در ۸ سال جنگ از کارایی بالایی برخوردار شده اند.

لیکن از جهتی دیگر نگرانی اسرانیل بر طرف میشود و آن، کینه برادر کشی است که بین دولت با تحمیل جنگ بوجود آورده اند. اگر این کینه ها زیاد شد تا سالها اسرانیل فارغ البال و مطمئن است که ارتش عراق متوجه او نخواهد شد.

یکی از محاهدین عراقی گفته بود، به فرض که صدام به ما مان بدهد و به عراق بازگردیم ولیکن در آنجا مردم عراق از ما نخواهند گذشت، چرا که ما از آنها کشته گرفته ایم. درست مانند اینکه اگر فرضا "امام بهرجوی" امان هم بدهد و او به ایران بازگردد در اینجا مردم را نخواهند گذشت و تا سالها این کینه ها بین دولت خواهد بود.

برای مقابله با این کینه و همچنین برای مقابله با خصومت دائمی دولت و بهره برداری غرب و اسرانیل از آن ضرورت دارد که یک تضمین امنیتی از جانب ملت ایران به ملت عراق داده شود. یکی از اعمال صالح ما اینست که نیروهای رزمنده عراق اعم از "نیروهای مسلح"، "جیش الشعبی" و "حرس القومی" را متوجه اسرانیل کنیم و این نمیشود مگر آنکه به آنها از جانب مرزهای خود تضمین امنیتی بدهیم و آنها را مطمئن سازیم که از این جهت خطری متوجه آنها نخواهد بود. لذا بنظر میرسد که پیشنهاد دوم در این جهت موثر تر خواهد بود.

خط مشی آزادی قدس از طریق پیوند با ملت عراق نیز در طول جنگ ضربات و صدمات سختی را متحمل شده و امید است که نیروهای انقلابی در "را" و "ب" و "بلا" قتل در "کنار" سایر بازسازیها بفرماندهای این خط مشی اصل نیز باشند.

د: خطر قصاص صدام به شیوه غلط:

در محور قبل صحبت "از تضمین امنیت مردم عراق" بود، اما از قصاص صدام هم نمی توان گذشت، منتی آنچه که مهم است نحوه قصاص است، بنظر میرسد، شیوه ای که برای قصاص متجاوز بعد از دفع تجاوز آزادی خرمشهر مطرح شد تا حدی عجولانه و احساسی بود.

البته قصاص صدام حق مایه و وجود آن سازمان ملل به آن تن نداده خودمان اقدام کردیم اما شیوه ای که اتخاذ شد بدون برنامه.

ریزی و آبنده نگری بود. قصد داشتیم بشکلی عا میانه و مکار نیکی صدام را قصاص کنیم و بدین منظور داخل خاک عراق شدید و حال آنکه برای هر قصاصی باید برنا مه ریزی کرد. بطور مثال اگر بچه ای به پدرش فحش داد، پدر متقابلاً به او فحش نمی دهد بلکه بر نامه ریزی میکند، ابتدا با نصیحت، با زبان قصه و ... در بچه زمینه هایی بوجود می آید و در دراز مدت او را تنبیه هم میکنند. در قرآن هم دستور داده شده که با حائلان برخورد کرمانه کنید. این شیوه، نادره گرفتن واقعیات و گذشت از مسائل نیست، بلکه مقطعی و عکس العملی برخورد نکردن است. بطور مثال برخورد کرمانه با یک معتاد یا بیستکه در حال اوراقتک نرسیم و یا اعدام نکنیم بلکه با ناچاقی ها و باندهای آنها مبارزه کنیم و ریشه ها و عوامل اساسی اعتبار را براندازیم. در رابطه با صدام و قصاص او نیز همین گونه است، برخورد کرمانه، حساب شده و با صلاح قرآنی "کیدمتین"، با صدام

صنایع اسلحه سازی غرب، بحران را دامن میزنند تا سلاح بفروشند، بنا بر این خط آنها این است که سیاست حاکم بر مملکت ما این بشود که نفت بفروشیم و اسلحه بخریم.

همان قیام مردم عراق علیه او و بعد از آن دیگر جنگ رها شیبش است. جنگ ملت عراق علیه حاکمیت وابسته حزب بعث، حاکمیتی که موجودیت اسرانیل را بر سمیت شناخت و پای نظامی آمریکا را در منطقه بازنمود.

زمانیکه مردم قیام کردند و جنگ پرها شد بخش شد آنوقت کمک به قیامگران، انگ دخالت گیری و اشغال گیری نمیخورد توجه داشته باشیم که یکی از دلایل پذیرش قطعنامه در مصاحبه ۶۷/۴/۲۷ آقای هاشمی همین انگ اشغالگری بود.

در این جهت ضرورت دارد که با نیروهای داخل عراق تماس بیشتری داشته باشیم و برخورد ها یمان با مخالفین مترقی داخل و خارج عراق و گروههای سیاسی آنها بهتر و سنجیده تر باشد. مطرح کردن بیلان منفی جنگ ۸ ساله صدام بسیار موثر و ضروری است.

ضرباتی که با این جنگ به کشور عراق زده است، مبالغ هنگفت و ام خارجی که امروز عراق زیر بار آنست ۱/۵۰ میلیون کارگر خارجی و مزدوران جنگی که طی جنگ آورده.

است، انبوه کشته و محروم و معلول و خسارات کمتر شکن مالی که به آرزو شده و سرانجام هیچ چیز بدست نیاورد و به مرزهای بین المللی نیز بازگشت.

باید انقلابی بمانیم و وابسته نشویم و از طرف دیگر ارتش عراق را بسوی اسرانیل سوق دهیم. در میان آنان انگیزه های ضد صهیونیستی وجود دارد. در این برنامه ریزی صدام حلوا این حرکت موضع گیری خواهد کرد و آن زمان جنگ آزاد میبخش آنها شروع میشود. درون عراق مردم حرکت میکنند و صدام را کنار خواهند زد. با این شیوه "خرآفرینی" درون ارتش عراق صورت میگیرد و جنگ ملتها علیه اسرانیل آغاز میشود.

مهم اینست که برای توجه دادن توده های ارتش عراق بسوی اسرانیل باید به آنها از جهت جنبه های شرقی تضمین داد.

پیشنهاد دوم اینست که ائمه جمعه در یک برنامه شش ماهه تبلیغی، بیلان جنگ ۸ ساله صدام را بگویند و بدینوسیله مخالفین صدام را تقویت کنند و به مردم عراق بگویند که اگر با اسرانیل بجنگید، تضمین شرعی و مردمی میدهم که از جانب ما میتوان ایداع امنیتان داشته باشید. در این برنامه ما ام خمینی و قائم مقام رهبری نیز باید لحاظ شرعی و مردمی ما به بگذارند.

از جهت امنیت خودمان هم باید چهار استان مرزی را به چهار استان مولد و مبارز تبدیل کنیم تا هم نیروها تا مدتی در جنبه ها باقی بمانند و هوشیا ریمان را حفظ کرده باشیم و هم در جهت خودکفایی و شکوفایی اقتصادی گامی برداشته باشیم.

از طرف دیگر این ۴ استان رابطه نزدیکی با عراق دارند و در بعضی نقاط رابطه نسبی هم برقرار است و رفت و آمد محلی دارند. اگر در استانهای مرزی، بنحوی مطلوب و با شیوه انقلابی و مردمی بازسازی انجام شود و تولید کشتا ورزی و ملی در منطقه رونق پیدا کند، خود این عمل موجب جذب مردم عراق و تبلیغی برای انقلاب است. ما با این عمل الگوئی را ارائه میدهم که در آن برتریمان را برسیستیم بعثت به اثبات می رسانیم.

بقیه در صفحه ۲۵

خوانندگان ارجمند

از عدم درج "پاسخ به خوانندگان"، "بیرتوی از قرآن" و "ریشه های اجالی رسالت"، بدلیل تراکم مطالب و کمبود کاغذ در این شماره، بوزش می طلبیم.

نسخه اشتراک
از کلیه برادران و خواهران که علاقه مند به اشتراک نشریه "راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند بهای اشتراک:
۱۲ شماره ۲۰۰ تومان
۶ شماره ۱۰۰ تومان
لطفاً وجه اشتراک را در شعب بانک صادرات به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹ بانک صادرات میدان قیام به نام لطف الله میثمی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس بالا ارسال نمائید.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت مشاوران اسلامی
اداره تبلیغات و نشریات
آقای لطف میثمی
پلاک ۱۳۵۸، پ. ۵، ۲۰
پلاک ۱۳۵۸، پ. ۵، ۲۰
بازار آتش، راه مجاهد، بزرگراه بسی، پلاک ۱۳۵۸، پ. ۵، ۲۰
بازار آتش، راه مجاهد، بزرگراه بسی، پلاک ۱۳۵۸، پ. ۵، ۲۰
بازار آتش، راه مجاهد، بزرگراه بسی، پلاک ۱۳۵۸، پ. ۵، ۲۰

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
پژوهش‌های علمی و پژوهشی
دوره ۱۲ شماره ۴۹
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
زیر نظر شورای نویسندگان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول
مهندس لطف الله میثمی
روشن سیاسی ایدئولوژیک - چاپ آشنیا
آدرس: توجه شود که راه مجاهد به علت کمبود امکانات دفتر نداشته و محل مسکونی زیر آدرس مذکور مسئول نشریه است و صرفاً جهت اجرای قانون مطبوعات و مراجعه وزارت ارشاد اسلامی معرفی میگردد تقاضا میشود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۳۵۶۸ تماس بگیرید. خیابان نری - آب منگل - کوچه شهید قاسم گلی - کوچه نصیردیان - پلاک ۲۶ - طبقه دوم.

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی